



( هوالمستعان )

— ﴿ قسمت اول از ﴾ —

( مدرسه سیار ) ترجمه ( الرحلة المدرسية والمدرسة السيار )

اعداد توریة از ترجمه « بروس » چاپ لندن نقل میشود وحسب  
الامر . . . سائر جملات ترجمه تحت اللفظ گردیده . بقلم  
اختیاری بنده نیست ﴿ مترجم ع . و ﴾

— ﴿ در خواست ﴾ —

هر گونه اعتراض یا بحث یا بیانی راجع بمندرجات این کتاب  
بنظر خوانندگان محترم برسد بحضرت مؤلف مراجعه نمایند .  
خدمتی بعالم معارف خواهد بود

بشرکت جمعی محترمین از علاقه مندان عالم اسلامی تبریز آیدهم  
الله بطبع رسید

محل فروش دو تبریز بازار شیشه گر خانه کتابخانه سر وش . و .

( طبع بالمطبعة ﴿ الحیدریة ﴾ فی النجف الأشرف )

( لصاحبها الحاج شیخ محمد صادق و اخیه الشیخ محمد )

( ابراهیم حفظهما الله سنة ۱۳۴۶ هجرية )

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

الحمد لله باری الخلق . الهادی الى الحق . الموفق للصواب . نحمده  
ونشکره ونستعين به ونسئله النجاة من زلل الأهواء وزیغ  
الضلال وعمی التقليد . ونصلی علی رسله وانبیائه واولیائه قادة  
الخلق الى الحق

— بنام خداوند بخشنده مهربان —

ستایش سزاوار یکتاستی \* که گردون با حمد پیاراستی  
نه بهوده گویم درخشان بود \* کتابی بدادش که فرقان بود  
ره از برتکامل گویی بایدش \* دران بنگرد تا که بنمایدش  
بدانش بزره آن زمن نکته ایست \* که در قید تقلید تا چند زیست  
قدم رنجه سوی برهان کند  
پس انگاه تصدیق قرآن کنند

سپس این نظریات دینی و نتایج فکری را به ( مدرسه سیار )  
نامیده و برای زیادتى بصیرت آنرا بطریق سؤال و جواب از  
لحاظ خواننده گان محترم میگذرانم . خود را « عمانوئیل » (۱)  
پسر « الیعازر » (۲) نمایش داده . میگویم . قسّی (۳) بما ورد

---

( ۱ ) لفظ عبرانیست . ترجمه « خدا با ما » ( ۲ ) . . . خدا یار ( ۳ )  
قسّ عالم روحانی نصاری

کرد . ورود اورا غنیمت شمرده رفع شبهاتی که در ذهن سیّار  
و سیّاحم خلجیان مینمود از او خواستار شدم ﴿ گفتم ﴾  
- جناب قس - آیا ممکن است از فوائد روحانیت محترم بهره‌مند  
شده . در تعلیم و ارشاد خود داری نفرمائید ؟

( قس ) بله بله وظیفه روحانیت من است . و از این جهت  
شب زنده داری نموده و باین رتبه شایان و مقام برجسته رسیده‌ام  
و امید وارم روز پسین هم بر مأثده مسیح جلوس نمایم  
( عمانوئیل ) تشکر مینمایم . امید است از لطف سرشار و حسن  
تحمّل در سؤالاتیکه ناگوار بمسئدق دیانت و روحانیت محترم  
است متنوّر و بهره‌مند گردم

﴿ قس ﴾ سؤال کن آنچه در بیان شبهه ضروریست « تا بهره  
بری و بهره بخشی »

﴿ عمانوئیل ﴾ مگذار اسیر جهل باشم . بروحانیت خود  
دست گیرم فرمائید

﴿ قس ﴾ روح القدس بر تو حلول نموده دستگیر خواهد بود

— نصاری روحانیان خود را پدر مینامند —

﴿ الی عازر ﴾ . فرزند . چرا بر رسوم ادب مکالمه نمینمائی ؟

اسف بر اوقات گرانها نیست که در ازاء تربیت گذاشته ام  
( عمانوئیل ) سرزنش موجب گرفتگی خاطر است . و شخص را  
ذلتنگ میدارد . منکه در احترامات حضرت قس فرو گذار  
نبوده ام

( الیمارز ) آیا نمیدانی این شخص بمقام روحانیتش شایسته  
انستکه در مقام تکلم - با و « ای پدر » خطاب نمائی چنانچه نزد  
مسیحیان مرسوم است . مگر در جرائد . و مجلات . و کتب  
انها ندیده ؟ « الأب فلان . الأب فلان . الاباء الیسوعیون »  
اگر چه معذورید زیرا بحالسه بامسلما ان تضییع آداب مسیحیه مینماید  
( عمانوئیل ) - پدر - بدیهی است که تقوی و نجاست را  
خواهان بوده و هستید چگونه میفرمائید مخالفت مسیح و انجیل  
را داشته و مرتکب شوم امریکه مسیح در انجیل از آن نهی  
فرموده و مقارن با شرک نموده است

( الیمارز ) امر تازه است که تا کنون بمسیحیان نرسیده با  
انکه انجیل متذکر است ؟

( عمانوئیل ) صراجه فرمائید عدد ۹ باب ۲۳ انجیل متی در  
خطاب مسیح بگروهان و شاگردانش ( و هیچکس را بر زمین

پدر خود بخوانید زیرا پدر شما یکی است که در آسمانها است ( الیعازر ) ای پدر . چه میفرمائید در این تازه سرائی عمانوئیل ؟ ( قس ) - الیعازر - روشن کرد عمانوئیل حقیقی که بر غم کتاب مقدس مستور بود . من هم از این خطاب منزجر بوده ام و نظر بعلاقه مندی مفرطی که برادران روحانیم بر این خطاب داشته و دارند . تاکنون اظهار عقیده ننموده و از نهی و ابراز انزجار خود داری مینمودم . اینک اظهار عقیده مینمایم « چون حق کشی نتوان در جواب پرسنده » البته سپس سرابین لقب خطاب ننمائید ( الیعازر ) - جناب قس - چون در پسر من معرفت و حریت ضمیر مشاهده میدارید امید است بر مامنت گذاشته در ارشاد و تعلیمش فروگذار نفرمائید

﴿ عمانوئیل ﴾ نظر پدر خواست پدرم قس در تعلیم و ارشاد خود داری نفرموده باجوبه مسائل خورسندم میداشت . تا در مجلسی ذکر عالم و پیدایش پیش آمد نمود و هر کس بحسب عقائد امر و زه اظهاراتی داشت . ولی . افکار آنها بمذاق دینانیم صعب و ناگوار بود . تمنی کرده در صورت اجازه مطلب را بر وفق اصول معقوله آلهیین مشعشع داریم . چون . اینگونه

امور محتاج باساس متين واصل محكمى است كه بازگشت  
بتقليد نداشته و حقائق منزّهه را مستور ندارد

﴿ اهل مجلس ﴾ صحيح است . هرگونه ماثلديد مذاكره نماييد  
﴿ عمانوئيل ﴾ . جناب قس . متعنى است بروفق كتاب مقدس  
پدايش را توضيح دهيد

﴿ قس ﴾ آيا توره نزد شما موجود است

( عمانوئيل ) نسخ عبرانى . عربى . فارسى . غيراها حاضر است  
( قس ) سفر پدايش را بخوان

( عمانوئيل ) خواندم عدد ٢ و ٣ باب ٢ سفر پدايش . و روز  
هفتم خداوند از همه كار خود كه ساخته بود استراحت نمود  
« ١ » ٣ پس خداوند روز هفتم را مبارك گردانيد و او را  
تقدس نمود زيرا در اين روز استراحت نمود « ١ » از همه كار خود  
كه آفريده و ساخت . گفتم . جناب قس . آيا براى خداوند در  
ايجاد مخلوقات تعبى است . تا استراحت نمايد پس از فراغت ؟

« ١ » اگر چه در بعض تراجم به آرام گرفت . ترجمه شده . ولى  
در اصل عبرانى « يَسَبْتُ » است و ترجمه صحيح آن « استراحت  
نمود » ميباشد

آیا این تعبیر نسبت بخداوند زشت و بی مغز نیست ؟

﴿ قس ﴾ تسامح در تعبیر فرمودہ و در تورہ تعبیراتی است کہ خارج از قلم ادبی میباشد . بلکہ باندازہ وحشت آور است . بزودی نفرت مورزید « دور از ادب افتد آنکہ نفرت ورزد » — جمعیت کتاب الہدایہ . تورہ . روز ہفتم —

( عمانوئیل ) شنیدن ادب است . ولی . سؤال دیگری است کہ مربوط بہ مین شمارہ است . میگوید « خداوند روز ہفتم را مبارک گردانید و او را تقدیس نمود » با آنکہ جمعیت « کتاب الہدایہ » مطبوع بہ معرفت مرسلین امریکان در جزء ۴ صفحہ ۱۸۴ این مطلب را بکلی انکار نمودہ و جسورانہ نوشتہ اند کہ خداوند در تورہ نفرمودہ « خداوند روز ہفتم را مبارک گردانید و او را تقدیس نمود » . متأسفانہ نویسندگان الہدایہ را دعائے ہدایت و تقوی دانستہ از گذب منزه می شماریم . آیا نمیدانند چشم و گوش مردم باز است ؟ . پیچور حقیقتند

﴿ قس ﴾ بنام مرسلین و مبشرین فریب مخور « فانا من ہینا آئینا » : « زینگو شہ شرر ہمار سیدہ »



﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم باب ۲ عدد ۸ تا ۱۴ « خداوند خدا باغی در عدن بطرف مشرق غرس نمود و آن آدم را که سرشته بود در اینجا گذاشت ۹ و هر درخت خوش نما و خوش خوراك را از زمین رویايد و هم درخت حيوۀ در وسط باغ و درخت معرفت نيك و بد را ۱۰ و نهري از عدن بيرون آمد تا باغ را سير آب كند . و در اینجا منقسم گشته چهار شعبه شد ۱۱ فيشون — ۱۳ جیحون — ۱۴ حدّاقل « دجله » . فرات » - جناب قس — آیا عدن در اینجا و در كتاب اشعيا عدد ۳ باب ۵۱ و كتاب حزقيال عدد ۹ باب ۳۱ و كتاب يوشل عدد ۳ باب ۲ همین عدن معروف در بغاز باب المنذب است

( قس ) ظاهر همین عدن معروف است

﴿ عمانوئیل ﴾ مستحضريد . دجله جاريست از جبال ارمينيه و فرات از بلاد ارض روم . فقط تلاقی مينمايند در شطّ العرب تا خليج فارس چگونه ممكن است خارج شوند از عدن ۱۹

( قس ) مطلبي است . ولي . « اعمال نظر نما كه نيكواست . چگونه توره را در اين مطلب تكذيب نموده يا تصديق داريم . بگذر و بخوان .

— ﴿ نهی آدم از درخت . کذب . مار و صدق ﴾ —

﴿ عمانوئیل ﴾ عدد ۱۵ باب ۲ تا عدد ۸ باب ۳ « و خداوند خدا آدم را گرفت و او را در باغ عدن گذاشت تا کار آنرا بکند و آنرا محافظت نماید ۱۶ و خداوند خدا آدم را فرموده گفت از همه درختان باغ بی ممانعت بخور ۱۷ اما از درخت معرفت نیك و بد مخوری زیرا روزیکه از آن خور دی خواهی مرد . عدد ۱ باب ۳ مار از تمامی حیوانات صحرا که خداوند خدا ساخته بود هوشیار تر بود به « حوا » گفت آیا خدا گفته است که از همه درختان باغ مخورید ۲ زن بناگرفت از میوه درختان باغ و مخوریم ۳ لکن از میوه درختیکه در وسط باغ است خدا گفت از آن مخورید و آنرا لمس نکنید مبادا بمیرید ۴ مار گفت هر آینه نخواهید مرد ۵ بلکه خدا میدانند روزیکه از آن بخورید چشمان شما باز شود و مانند خدایان ۱ « عارف نیك و بد نخواهید بود ۶ و چون زن دید که آن درخت برای خوراك نیكواست و بنظر خوشش آمد و درختی دلنیز پس از میوه اش گرفته بخورد و بشوهر خود نیز داد و او خورد ۷ انگاه چشمهای هر دو ایشان باز شد .

و فهمیدند که عریانند پس بر گهای انجیر را بهم دوخته سترها  
برای خویشان ساختند »

عدد ۷ خانه یافت توره را بهم زده مقابل خود بروی میز گذاشتم  
( قس ) چرا مهوت نشسته ؟ بخوان . بخوان

﴿ عمانوئیل ﴾ اجازه میفرمائید سوالات خود را با کمال آزادی  
بعرض رسانم . توره کتاب آسمانیست و ناچار است در اطراف  
تصحیح و تاویل آن کوشیده و شهادت خود را از لحاظ محترم بگذرانم  
« شاید از روزنه پر تو عرفان تابد »

( الیمازر ) ای عمانوئیل . مگر در کتاب خداوند شکی است  
که در حل مندرجات آن تمسك بهّس میجوئی ؟ کاش از مجالست  
مسلمانها و مراجعت کتب آنها ممانعت مینمودم

( عمانوئیل ) - پدر - بنظر مبارکست که در طفولیت از رفتن مدرسه  
امتناع ورزیده با کمال جدّیت ترغیب و تشویق میداشتید .  
بدیهی است اگر تا کنون در ظلمت جهل و اسارت تقلید بودم  
کورانه تصدیق این نوع مطالب را نموده و آنها را بهترین  
عقیده مینداشتم . یادر صورتیکه دوره تحصیلاتم در مدرسه  
طبیعیات بود دیگر اینگونه در اطراف دیانت کنجکاو نبودم

( قس ) ای الیعازر « سرزنش حربه عجز است بگو برهان راه  
بگذار در رفع شبهات پست را بوسیلهٔ برهان نموده و اساس دیانتش  
را ثابت دارم

( همانوئیل ) - پدر - از این سرزنش استفاده میتوان داشت  
بامن همدرد و هم عقیده اید فقط علاقه مندیهای زیاد شما بدیانت  
مسیحی جلوا گیر اظهار همدردیست . اجازه دهید بحث  
نمایم ( دخت بحث است هر آن قصه که بی ریب آید ) .  
الحقیقة بنت البعث

— ﴿ قدس خداوند متعال . دروغ . خدعه ﴾ —

﴿ همانوئیل ﴾ آیا نزد خداوند متعال کذب و خدعه است ؟

( قس ) نه . نه . استغفار کنید . چگونه معقول است  
( همانوئیل ) پس چگونه خداوند بآدم میفرماید . تا از درخت  
نیک و بد خوردید خواهید مرد . با آنکه خوردند و نمرند . آیا  
این جمله نسبت بخداوند کذب و خدعت نیست ؟ . بگذریم .  
« مار » گفت بخورید نخواهید مرد - صدق مار و خیر خواهی  
او مضحك است . میگوید . « بلکه خدا میداند روزیکه از  
ان درخت بخورید چشمهای شما باز شود مانند خدایان عارف

نیک و بد خواهید شد - ۷ انگاه چشمهای هر دو ایشان باز شده  
فهمیدند که عریانند - — آقای قس — آیا صدق مار و خیر  
خواهی او متصور است ؟ با آنکه عدد ۹ باب ۱۲ مکاشفه یوحنا  
متذکر داشته و میگوید « این مار مار قدیمی است که بشیطان  
موسوم و تمامی مسکون را میفریبد ، بگذریم . قصه فضیحت  
آور است .

﴿ قس ﴾ مقصود موت جسمانی نیست . زیرا آدم وصیت  
خداوند را بجای نیاورده مستوجب غضب گردید . و پاداش این  
ارتکاب حیوة روحی از او سلب شد

( عمانوئیل ) این جواب را در جزء ۲ صفحه ۱۳۱ کتاب  
الهدایه دیده ام . غلط این اعتذار هم از توره استفاده میشود  
. زیرا میگوید که آدم قبل از خوردن میوه درخت معرفت  
نیک و بد را نداشته و برهنگی خود را تمیز نمیداد . خجلت نمیکشید  
— مراجعه کنید چنین شخصی دارای حیوة روحی بوده تا از  
او سلب شود و کسیکه درك حسن طاعت و قبح معصیت را  
نداشته تا بطاعت رغبت نماید و از معصیت امتناع ورزد  
چگونه مقضوب شد ؟ . بلکه سپس دارای حیوة گردیده

بذیک و بد و خیر و شر عارف شد و شایسته ترقیات و عرفان است  
 - آقای من - مقصود آنست که نظریات خود را از لحاظ محترم  
 گذرانیده در صورت صدق تصدیق فرمائید . نه اینکه چشم  
 پوشی فرموده با این درجه سهل انگاری مترصد تقنیغ باشید  
 . تصور میکنم برای شما بهترین پاسخی است که بزودی اظهار  
 نخواهید فرمود

﴿ قس ﴾ راست است . ولی . ممکن است . مقصود .  
 مورد عروض مرگ باشد . یعنی . خواهی مرد و پایدار  
 نخواهی بود

﴿ عثمانوئیل ﴾ این جواب را هم در کتاب الهمدایه دیده  
 خلاف آنهم در توره یافته ام میگوید . آدم را برای بقاء  
 نیافریده و از آن روز که سرشته شد دست تقدیر در جسم او تنخم  
 فنا و نیستی کاشت . پس دارای حیوة آبد نبود تا خوردن ثمره  
 علت عروض مرگ شود . بلکه مبادا از درخت حبوة خورده  
 و زندگانی پایدار نماید سیاست الهیه او را از بهشت خارج  
 نمود . خاتمه باب ۳ مراجعه شود

﴿ قس ﴾ قرآن ذکر بعضی قصص توره را مینماید . ببینید آیا در این قسمت با توره موافق است ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ قرآن همین قصه را تکرار فرموده و واقع گوئی مینماید . نمیگوید آدم قبل از خوردن از شجره عارف نیک و بد نبوده خداوند او را بزرگ ترساید . آیه ۱۱۵ تا ۱۲۰ سوره طه . تذکار میدهد . خداوند آدم را از عداوت ابلیس و اخراج بهشت آگاه فرموده و از مشقت دنیوی ترساید . و فرمود در بهشت گرسنه و عریان و تشنه و گرفتار حرارت آفتاب نخواهی شد . آیه ۱۱۸ سپس ابلیس و سوسه نمود اظهار داشت . دلالت تمام تو را بر درخت جاوید و ( ملک لایبلی ) - آیه ۱۹ سوره اعراف . و گفت ، « یعنی ابلیس » نمی نکرده است شما را خداوند از این درخت مگر اینکه دو ملک بوده یا پایدار مانید . پس دلالت نمود آنها را بفریب و کذب ، . آقای قس . قرآن هم فرموده . آدم و زانش عارف نیک و بد نبوده از برهنگی خجالت نمیکشند . بلکه آیه ۲۶ سوره اعراف متذکر است قبل از خوردن از درخت لباس داشتند سپس از تن آنها بیرون آورد — قرآن واقع گوئی مینماید . کذب

﴿ خداوند جسم نیست . چیزی براو پنهان نمیشود ﴾ ( ۱۵ )

---

و خدعه را ابلیس بران نسبت میدهد ( هر جا که حقیقت است  
گفتار خدا است )

﴿ قس ﴾ تمامی این گذارش را در قرآن دیده و سنجیده ام  
﴿ الیمازر ﴾ آقای قس . کدام یک را تصدیق کنیم . قرآن  
یا توره .

﴿ قس ﴾ « پاسخ مطلب گذار مانده . هر وقت فکری  
صاف یافتیم خواهیم گفت . ای عمانوئیل . » برخوان که حقیقت  
است تا بان .

﴿ خداوند جسم نیست . چیزی براو پنهان نمیشود ﴾  
( عمانوئیل ) خواندم عدد ۸ تا ۱۱ باب ۳ « واو » آدم .  
صوت خداوند خدا را شنید که در هنگام وزیدن نسیم روز  
در بهشت میخرامید . و آدم وزنش خویش را از حضور  
خداوند خدا در میان درختان بهشت پنهان کردند و خداوند  
خدا آدم را ندا در داد و گفت کجا هستی ۱۰ او گفت چون آواز  
تو را در باغ شنیدم ترسان گشتم زیرا که عریانم پس خود را پنهان  
کردم ۱۱ گفت تو را که آگاهانید که عریانی آیا از درختی که  
قدغن کردم که از آن نخوری خوردی . - یکمرتبه بی اختیار



( ۱۶ ) ﴿ خداوند جسم نیست . چیزی براو پنهان نمیشود ﴾

گفتم افسوس . افسوس . آه . آه . ( کین جمله تمام حیرت آور باشد )  
( الیمازر ) ای عمانوئیل . وسوسه شیطانیه ات باز گشت نمود  
 . بیانات پرت و اظهارات نجسب میداری  
( قس ) . الیمازر . ازینگونه مذاکرات خود داری کرده  
 و پسرت را بحریت خود باز دار ( هر که تشکیکی کند چاره  
 بجز برهان نیست )

( عمانوئیل ) . آقای قس . توره میگوید خداوند جسم است  
 . میخرامد . برای او صوت میباشد . آدم از او پنهان میباشد  
 . بآدم میگوید کجا هستی . تو را که فهمانید که عریانی . مگر از  
 آن درخت خوردی

( قس ) این جمله کلام نبوی است و دران مسامحه گردیده .  
 وقت دیگر عالت را توضیح میدهم  
( عمانوئیل ) مگر کلام نبوی بر مضامین پست و نامعقول جاری  
 میشود ؟ شایسته علم . ادب . جلال خداوند . شرافت نبوت  
 است تا در اینگونه مسامحه شود ؟ . با آنکه . ( شایسته گفتار  
 ادیبان هم نیست )

﴿ قس ﴾ امید است « مفهّم شوی از کلام یزدان »

— ﴿ خداوند است قادر یکتا ﴾ —

( عمانوئیل ) خواندم عدد ۲۲ تا ۲۴ باب ۳ و خداوند خدا گفت همانا آدم مثل یکی از ما شده است که عارف نیک و بد گردیده اینک مبادا دست خود را دراز کند و از درخت حیوة نیز گرفته بخورد و تا ابد زنده ماند ۲۳ پس خدا او را از باغ عدن بیرون کرد . و بطرف شرقی باغ عدن شمشیر آتش بار که هر سو گردش میکرد قرارداد تا طریق درخت حیوة را محافظت کند — اعداد مذکور خانه یافت بی اختیار توره را بسرمیز انداخته و گریه کنان برخواستم آه آه تا کی تا چند بواسطه این سؤالات وحشت انگیز پدرم را اذیت دهم . نه . نه . ساکت شوم . ( بگذار که دل بسوزد از غم ) . کاش نخواند ■ بودم

( قس ) نظریات خود را در این چند شماره اظهار دار . چیست . چیست ؟ من ضامن رضایت پدر بزرگوارت میباشم . و او از شما ایمان گوارانه نمیخواهد « معذور است » زیرا بواسطه اشتغال بتجارت . وقت ممارست بعلوم و کتاب مقدس بمواقع سؤالات علمیه شما نمیرسد . انصاف دهیم . حق دارد . این

اعتراضات بزرگ شما بدو باب کوچک توره شخص غافل را  
عصبانی مینماید

﴿ عمانوئیل ﴾ معذورم دارید . مدت است توره را بفهمم  
و نه مثل خوانده دُچار حالات اشکالهای پی در پی بودم . و کسی  
هم جلوگیری ارفع آنها نبود . اینک بصحبت حضرت قس موفق  
گردیده و مترصد است بزودی بر طرف شوند . اگر مدت  
زمانی باظهارات علاقه مند بر سنده حقائق پوشیده خود را عریان  
جلوه خواهند داد . چکنم پدر بزرگوارم این پیش آمدنیک را  
تقدیر نداشته . منهم احترامات او را کاملاً منظور میدارم .  
چاره چیست ؟

( الیمازر ) عزیزم . اندوه و گرفتگی شما بر من بسیار سخت  
و دشوار است . میترسم این شكوك از ضلال او هام بوده  
« وبالآخره سوء نتیجه بخشد » غیر از آنكه كمال وثوق را  
بمراقبت حضرت قس داشته و دارم . امید است از شطحات  
كلام و یاوه سرائی شما را باز داشته بساحت حقیقت و راستی  
سوق دهد

( عمانوئیل ) بفرمائید مقصود توره از عدد ۲۳ همانا آدم مثل

یکی از ما شده که عارف نیک و بد گردیده چیست ؟ « ما »  
 چه کسانی ؟ مشاهده نمیفرمائید توره تصریح بتعدد آلهه  
 مینماید در اصل عبرانی است « یامریه وه الوهیم » گفت  
 یه وه خداوندان - مگریاء ومیم در لغت عبرانی علامت جمع  
 نیست ؟ . حاصل . آنچه از این چند شماره استفاده گردیده آن  
 است . خداوند جل و علا آدم را مانند خود توانا و عارف نیک  
 و بد مشاهده نموده و در این امر عاقبتی وخیم دید . از بهضت  
 و استقلال در سیاست او خائف گردیده . پیش بینی فرمود  
 و شمشیر آتشبار چرخان را بر محافظت درخت حیوة گمارد  
 « این گفته گراز خدا است . برگو . برگو »

( قس ) آهسته . آهسته . سخت با حرارت سؤال مینمائی .  
 اشکالات پی در پی . ایرادات سر ریز شما بدو کلیه بر طرف  
 خواهد شد

﴿ عمانوئیل ﴾ . پدر . منصفانه . اگر بتوره و مندرجات آن  
 سابقه نداشتید و در محضر محترم اینگونه مضامین را بخداوند متعال  
 نسبت میدادند آیا تکذیب نمیداشتید ؟

( اليعازر ) توريه را كلام خداوند دانسته و لازم است از هر نوع اعتراضات چشم پوشي نمايم - نميدانم در قرآن هم ( قصه ) بهمين اسلوب بيان گرديده است ؟

﴿ عمانوئيل ﴾ چندين مرتبه بان مراجعه داشته از اين مندرجات شرك آورمنزه است . موجود است مراجعه فرمائيد .  
( اليعازر ) - خاموش . كه بر تعجب افزود :

— ﴿ آدم و سرانديب ﴾ —

( عمانوئيل ) در جزيره سرانديب كوهي است موسوم به  
( آدمس پيك )

( كوه آدم ) - و بين اين جزيره و قاره آسيا تلهاي منتظمي است كه از عبور سفائن ممانعت مينمايند موسوم به ( آدمس بريدج )  
( پل آدم ) - جهت چيست آنها را بآدم نسبت ميدهند ؟

( قس ) مسلمانان بنا بر پيروي پيشينيان خود كذاشته و ميگويند - آدم پس از اخراج از بهشت بجزيره سرانديب هبوط نموده و سپس از ان تلهاي منتظم بآسيا آمد آيا ميتوان گفت اين نسبت براي آنها بهترين تاييد تاريخي متسلسل است

( عمانوئیل ) - حضرت قس - در صورتیکه اظهارات مسلمین مطابق با توره نبود آیا شایسته است اقوال آنها را خرافی و افسانه شمرد !

﴿ قس ﴾ نه . نه . شایسته نیست و مگو

( الیعازر ) ای عمانوئیل برخیز در اطاق شخصی خود قدری استراحت کن

— ﴿ عمانوئیل و کتب ﴾ —

( عمانوئیل ) - بر خواسته ولی در اطراف جواب اخیر قس دقت مینمودم تا برابر تخت خواب خود بروی صندلی نشسته بشکلی که تمامی مکالمات پدرم را با حضرت قس میشنیدم - میگفت . ای حضرت قس گذشته از مجالست با مسلمانان از بیانات عمانوئیل و عاقبت او خائفم . روزی « کتاب » اظهار الحق را برابر او دیده که بانهایت دقت و فرط رغبت مطالعه مینمود از او پرسیدم این کتاب از کیست ؟ گفت . دانشمندی بزرگ از مسلمین - لذا دوستان خود را از این پیش آمد سوء مستحضر نموده . گفتند . کتاب هاشم العربی . ترجمه مقالات جر جیس سائل باتذییلات . « کتاب الهدایه مطبوع معرفت

مرسلین امر بکان . رحلة الحجازیه بقلم غریب ابن عجیب برای او خریداری نموده مطالعه نماید . خریده . ولی — متأسفانه در او ابتهاج و اقبالی بمطالعه آن کتب ندیده و فقط وقت مراجعه سر خود را بشکل مخصوصی حرکت میداد و آهسته زمزمه مینمود

( قس ) خریداری این کتب برای او خارج از صلاح و مردمی است . دارای تعصب و خلاف واقع و حق کشی میباشند باین — قرائت آنها « سوء نتیجه » خواهد بخشید

﴿ الیمازر ﴾ پس از چند روز نزد او کتبی دیده با کمال بشاشت مطالعه مینمود پرسیدم از کیست ؟ گفت راستی تاکنون دانشمندی در مسلمین باین شکل عرض اندام نداشته . و صفحات تاریخ عالمی بایندرجه خوش محاوره نشان نمیدهد و در احبار یهود و روحانیه مسیحیان هم شخصی مانند این مرد مطلع بکتب مقدسه نیست . . .

گفتم ( تمجید بنه . زکیست ؟ در چیست ) ؟ گفت ۲ جز « الهدی — رساله « توحید و تثنیث » است . که در مقابل اظهارات سوء هاشم العربی و جمعیت کتاب الهدایه و عبد

المسیح کندی . تألیف فرموده است - آقای قس - نمیدانم عاقبت این یگانه پسر عزیزم بکجا میرسد گویا همین قسم است که می بینم . نزدیک است ذیانت مسیحیه را گذاشته و دین وحشی وثنی اسلام را استقبال نماید

هو عمانوئیل ﴿ شنیدم . گفت نه نه ای الیعازر نمیتوان گفت دین اسلام وحشی و ثنیست . در جواب او پدرم گفت پس تکلیف من با عمانوئیل چیست ؟

﴿ قس ﴾ ای الیعازر پسر ت، دارای افکار روشن و تنبیهات سودمند است و بروی اساسی متقن و اصلی ثابت تکلم می نماید . در بند تقلید و فشار تعصب نیست علاقه مند با افکار مردمان امروزه نمیباشد . در محیط تخمین و مخالفت برهان سیر نمیکند ( چنانچه این مکرر و روحی تمام نقاط اروپا را فرا گرفته است ) . بگذار در اطراف افکار خود سمیر کنند - خوش باش قائل بمؤثری حکیم و موجدی مختار برای عالم است . تدبیر با آمیختن اولین قدم و تدبیر اساسی است . اما اذعان بانبیاء دومین قدم نیست که شخص بر داشته و در فضای تکامل قدم میگذارد - حال لازم است بدو امر اقدام نموده و نجات



پسرت را خواستار شوی ( ۱ ) امور کاری دانشمند. با اطلاع خوش محاوره . دور از تعصب . حق بین . منصف . برای او تهیه نمائی « ۲ » دست برکت بر او گذاشته تاروح القدس در او حلول نماید و مکنونات را بر او ابراز دارد

( ایعازر ) واقع گوئی نمایم شخصی که جامع این اوصاف و شایسته این مقام باشد ( نیست غیر از تو مگر لطف تو کیرد دستم ) — امید است سپس هم جالب توجه عموم مسلمانین کردیده و با فرط رغبت خود را در جمعیت مسیحیان معرفی نمایند

( قس ) ای ایعازر — نشنیده ام تاکنون دعوت مرسل مسیحی در مسلمانان تأثیری حقیقی نماید ( جالب توجه است ) — با آنکه در هندوس مبشری از مسلمانها نیست و مبشرین مسیحیان بایک ملاطفات سرشار و عنایات صمیمه و نشر کتب مقدسه بزبان آنها و موافقت در امر ثالث و اقامت و تجسد اله با تأیید شایانی که بسلطه سیاسیه دارند . موفقیتی حاصل نموده و هندوسپان دسته دسته مسلمان میشوند و تاکنون توجهی بدیانت مسیحیه نداشته اند و بهمین شکل در سوادان

﴿ پسران آدم . توره . خلل تراجم . تحریف ﴾ ( ۲۵ )

افریقا هم موقفیت با مسلمانها است . آیا این امر جالب  
توجه نمیشد ؟

( الیعاذر ) سبب چیست ؟

( قس ) « بگذارند انیم مرآن را که ندانیم ،

( عمانوئیل ) کلمات پدرم و حضرت قس را میشنیدم - و بیانات  
قس در ضمیر من اثرات نیک و فوائد صالحه و دیعت میگذاشت  
— بر خواستم — مجدداً بر آنها وارد شده و بعد از سابقه  
خود نشستم

﴿ قس ﴾ ای عمانوئیل — بخوان

﴿ پسران آدم . توره . خلل تراجم . تحریف ﴾

( عمانوئیل ) خواندم - خواندم تا عدد ۸ باب ۴ در اصل عبری  
است « و یا صر قاین ال هایل اخیو . ویتی بیوتم بشده . و بقم  
قاین ال هایل اخیو و هر جو ، — ترجمه حرف بحرف ) . گفت  
قاین بهایل برادرش . و بود بیوڈن آنها بصحرا . و برخواست  
قاین بر هایل برادرش و کشت او را

بفرمائید مقصود از این جملات بریده چیست ؟ چه گفت قاین به  
برادرش ؟ — چه بود بیوڈن آنها بصحرا ؟

( قس ) — بحواشی مراجعه کنید

﴿ عمانوئیل ﴾ در حواشی اشاره بشماره ۸ نکردید مگر  
( بلا پاسوقا ) « ۲ »

حضرت قس . حواشی بی‌موضوع است . یعنی میفرماید خداوند  
از انزال توره پشیمان شده و سپس حواشی را فرستاد  
• قس ﴿ از تراجم چه موجود است ؟

( عمانوئیل ) — ده نسخه — ۴ فارسی — ۱ — ترجمه بروین  
چاپ لندن سنه ۱۹۰۱ — ۲ — چاپ رچارد واطس لندن  
سنه ۱۸۳۹ — ۳ — چاپ ولیم واطس لندن سنه ۱۸۵۶  
— ۴ — چاپ تومس کنستیل ادن برع س ۱۸۴۵ — عربی —  
۵ — چاپ ولیم واطس لندن س ۱۸۵۷ مطابق بانسخه رومیة  
عظمی س ۱۶۷۱ . — ۶ — موافق در ترجمه فقط ورقه  
اولش افتاده گویا چاپ بیروت است — ۷ — در تموز س  
۱۸۷۷ قطع صفحات آن خاتمه یافته است — ۸ چاپ ۸ در  
مطبعة امریکانی بیروت س ۱۸۹۷ — ۹ — چاپ ۱۲ —  
س ۱۹۰۵ — ۱۰ — چاپ دی سارا هوجسون س ۱۸۱۱  
• قس ﴿ — تراجم منبوره در اینجا چه متذکرند ؟

( عمانوئیل ) - ۲ - وقاین برادر خود را گفت ( که یا ) در این صورت « که یا » اضافه گردیده . و سایر کلمات هم برای افاده تحریف شده است - ۵ - وقال قاین له ایل اخیه لنخرج الی الحقل ولما صار ا فی الحقل قام قاین علی هایل اخیه وقتله - ۶ - وقال قاین له ایل اخیه تعال نخرج الی الحقل - پس لنخرج الی الی الحقل - تعال نخرج الی الحقل -- را افزوده و بقیه را نیز تحریف داشته اند - \* ( شاید که بدین وسیله معنی بخشند ) \* - ۱ - ۳ - ۴ - ۷ - ۸ - ۹ - و کلام قاین هایل و حدث اذا کان ا فی الحقل ان قام قاین علی هایل اخیه فقتله - قال . که ترجمه . یا امر است . به . کلام . ترجمه . یدبر . تحریف و تبدیل نموده « و آن » را هم برای تعدیل کلام گذاشته اند . ولی - ۱۰ - از این تکلف خود داری کرده بدینسانه از هر طرف باز مانده است - میگویند - و قایل قاین هایل اخاه - مراجعه فرمائید -- تحریف داشته و کلام هم بهمان حال باقیست - زیرا قاین با برادر خود چه مقاوله داشت ؟ ( سر مطلب ) آن است که در اصل عبری خالی دیده و در اصلاح آن گوشیده اند . ندیده . نرسیده . نسنجیده اند .

« گفتار خداوند . نه بازیچه ما است ، اگر چه ممکن است چون نسخهٔ سامریه و یونانیه دارای این زیاده بود آنها هم متابعت نموده اند . آیا اینهم عذر میشود ؟

( قس ) مضحك است . میگوئید توره غلط نازل شده و سپس نصیحیح آن بر کاتب سامری واگذار گردید ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ .. آیا میفرمائید خلل در اصل عبریست .. پس بفرمائید جهت چیست ؟

( قس ) حال بگذار . چه گویم بتو . خواهی دانست . بخوان الیمازر بشنود .

— ﴿ الهدایه . وصدق . وامانت ﴾ —

( عمانوئیل ) ذکر قاین و هابیل یادآوریم نمود صفحه ۴۲ جزء ۲ طبع ۲ ( الهدایه ) را از لحاظ محترم گذرانیده کذب و خیانت نویسندگان این جمعیت را بعرض رسانم میگویند - قرآن مراعات سجع را بر حقیقت مقدم شمرده بمناسبت هابیل قایل میگوید - ( آقای من ) اشخاصی که بر ضد مسلمین و کتاب آنها عرض اندام کرده و در عالم دیانت نماینده گان مسیحیانند نبایدست بدون مراجعه و تأمل اظهاری داشته کذب

و خیانت خود را ثابت دارند - و نظر بهمین اعتراض چندین  
 مرتبه بر آن مراجعه نموده لفظ هایل و قایل یافتم  
 ( قس ) تعصب پیش از این دنباله دارد - این اشخاص را بحال  
 خود گذاشته صدق و امانت را از دست مده

### ﴿ بابل - اختلاف لغات ﴾

( عمانوئیل ) خواندم باب ۱۱ عدد ۵ - ۶ - ۷ - ۵ و خداوند  
 نزول نمود تا شهر و بر جیرا که بنی آدم بنا میکردند ملاحظه نماید ۶  
 و خداوند گفت همانا قوم یکی است و جمیع ایشان را یک زبان و این  
 کار را شروع کرده اند و الآن هیچ کاری که قصد آن بکنند از  
 ایشان ممتنع نخواهد شد ۷ اکنون باید نازل شویم و زبان  
 ایشان را مشوش سازیم تا سخن یکدیگر را نفهمند - توبه را  
 تبسم کنان مقابل خود گذاشته - و با یک حالت مخصوصی  
 بطرف قس و پدرم نگریستم

﴿ الیعازر ﴾ - فرزند - نظریات خود را اظهار دارد -

بدل میباید

﴿ عمانوئیل ﴾ آیا خداوند برای مشاهده بابل محتاج بنزول  
 میباشد ؟ - و با این همه بسط قدرت اختلاف لغات را متوقف

بزول خود میداند ؟ ۱ - بفرمائید بچه اشخاص گفت بیایند  
فرود آییم ؟ . و بر تهدید مملکت خود بکه استعانت برد - ؟  
﴿ قس ﴾ سابقا - اظهار داشته و اعتذار نموده ام که توره  
دارای بیانات وحشت انگیز و تعبیر نفرت آور است . بزودی  
نفرت موزید -

( همانوئیل ) معروف است ( که با مشکل نشاید حل مشکل )  
تصور مینمائیم بزودی مبادرت بجواب نخواهید فرمود  
- میدانم - برای شما بهترین پاسخی است که با علاقه مندیهای  
زیاد بدیانت مسیحی سبقت بان نخواهید داشت - گویا -  
مترصد بدست آوردن فرصتید - ولی - لب کشا - پرده در -  
افسانه مگو - بی ثمر است

﴿ قس ﴾ صبر تلخ است ولیکن بر شیرین دارد

- ﴿ آتش نمرود - ابراهیم پیغمبر ﴾ -

﴿ همانوئیل ﴾ مسلمانانرا اعتقاد آنستکه بت پرستان در بابل  
آتشی آفروخته و ابراهیم را در آن انداختند ولی آتش اثری  
نبخشیده و بر او برکد و سلامت گردید - آیه ۹۵ - ۹۶ - سوره  
حافات ۶۸ - ۷۰ - انبیاء - متعرض است - مجد

خداوندی - و شرافت نبوت را کاملاً تذکار میدهد - جناب  
 قس - با آنکه این پیش آمد بزرگترین وقعه است که در دوره  
 زندگانی ابراهیم روی داد چرا توره اشاره بآن نفرموده  
 است - و آیا - چون توره دارای این قصه نیست - خرافی  
 و افسانه خواهد بود ؟

﴿ قس ﴾ نه نه - زیرا اغلب گذارش و امور مهمه را در تاریخ  
 نبوی - خصوص تاریخ ابراهیم - اهلال نموده و این مطلب را  
 کاملاً از عهد جدید استکشاف میداریم - چنانچه توره تمیذگوید  
 که ( موسی در زادی طری در او این تکلیم بلرزه در آمد ) با آنکه در  
 اعمال رسولان باب ۷ عدد ۳۲ - است که ( موسی بلرزه در آمد  
 و جرأت نکرد نظر نماید ) - ولی متعرض نیست - که موسی  
 در دومین تکلیم در طور سینا گفته : ( اینایت ترسان و لرزانم )  
 با آنکه عدد ۲۱ باب ۱۲ - رساله عبرانیان - متذکر است  
 ( انصاف دهید ) - ذکر ترشش و لرزش موسی در آن حال  
 عظمت و مجد خداوندی را بچه درجه محسوس میدارد - آیا  
 ذکر اینگونه گذارش لازم نیست ؟ - ذکر عادیات بر آنها  
 مقدم است ؟ نیز عدد ۴ باب ۹ - رساله عبرانیان - در تذکار



تابوت شهادت میگوید در آن حقه طلا که پراز من بود و عصای  
 هرون که شکوفه بادام آورده بود . ولی توره در محتویات  
 تابوت .. از حقه طلا و من و عصای هرون ذکرى نداشته  
 و امریکه نمونه معجزات و یادگار مجذوبت است اجمال نموده  
 است ( توره ) عدد ۱۸ -- ۲۲ - پیدایش - ذکر دوره  
 زندگانی و مولودهای پی در پی اخنوخ را داشته .. ولی از  
 موت و گفتار نبویش که مهم ترین گذارش او است خود داری  
 مینماید . بلی عدد ۱۴ رساله یهوذا بن این مطلب اشاره میکند  
 . ای همانوئیل . توره ذکرى از مهم ترین گذارش ابراهیم  
 و تاریخ حیوة . و نبوت . و ایمانش در بین الهین (۱) نداشته  
 . فقط میگوید .. در حرّان خداوند با ابراهیم سخن گفت و از  
 ان مکان مأمور بخروج گردید .. . آیا عدد ۲ -- ۳ -- ۴ ..  
 باب ۷ .. اعمال رسولان را ندیده اید ؟ که ۲ خدای  
 ذوالجلال بر پدر ما ابراهیم ظاهر شد و قتیکه در بین الهین  
 بود قبل از توقفش در حرّان ۳ و بدو صفت از وطن خود  
 و خویشان بیرون شده بزمنی که تورانشان دهم بروء پس  
 ( ۱ ) دجله و فرات وطن ابراهیم ماین ( کوفه و بصره ) است

از دیار کلدانیان روانه شده در حرّان در ننگ نمود و بعد از وفات پدرش او را کوچ داده بسوی این زمین که شماها الآن در آن ساکن میباشید - ای عمانوئیل - گفتارهای طولانی توره بانی اسرائیل در وعظ و ترهیب و ترغیب و بشارت و تخویف است - ذکرِی از پاداش و حشر بندکان و بهشت و جهنم - فرموده و در معارف الهی و تعلیم دینی و سیاست مدّانی - نداده است - نهایت ترغیب - فراوانی گندم و شراب کشمش - و نهایت تخویف - کمی گندم و شراب - و وطی دیگران بازن گنجه بکار است ( ای عمانوئیل )

جمعی با تو هم‌درد و هم‌آوازند - « ولی برای توره عذر بزرگست » مضحک است که - شیخ غریب - در « رحله حجازیه » صفحه ۸۸ اظهار عقیده نموده - « یگانه توره » تمامی احوال و گذارش ابراهیم را ذکر فرموده و ذرّه فرو گذار نیست

( عمانوئیل ) . فرمودید . برای توره در احوال اینگونه گذارش عذر بزرگست ( بفرمائید ) با آنکه برجسته ترین وقایع تاریخی بشمار میرود از تذکرات و تذکرات سایر حقایق مهمه ( اموری که

خوانده و متحیرید و میخوانید بر تحیر شما افزوده خواهد شد )

چشم پوشی نموده است — عذر توره چیست ؟

( قس ) « خود نگویم بتو .. تا خود بخود افشا گردد »

( عمانوئیل ) « پرده بردار . عیان گوی . حقیقت بنمای »

( قس ) بتدریج خواهی دانست . عجله مکن

( عمانوئیل ) . آیا . آنچه قرآن در قصهٔ -- ابراهیم و آتش --

گفته معقول است

﴿ قس ﴾ . تعجب است -- گویا -- باب ۳ « کتاب دانیال »

را بخوانده — جماعتی که باصر مختصر . شدرک . و مشیک .

و عبد نفور را در لباسهای خود پیچیده در آتش انداختند تمامی

از شدت حرارت سوخته ولی آنها پس از مدتی از آن آتش

افروخته بیرون آمده . و موئی از سر آنها نسوخته و جامهٔ آنها هم

تغییر نکرد و نجات یافتند . ای عمانوئیل کتب یهود ذکر

ابراهیم و آتش را نموده و برای ان اُری تاریخی و تذکاری

روشن است

﴿ اُری تاریخی و تذکاری روشن ﴾

شهر بابل در نواحی بابل است که در این عصر اُریا بر سر مینامند

بورسیا لفظی است آشوری - یعنی . برج لغات - و نظر بر اینکه در این قسمت اختلاف لغات گردیده این اسم را تذکار نهاده اند لذا آثاری کهنه و شهری دیرینه است و این مطلب را از کتابت مختصر که سنه ۱۸۴۵ در خرابیهای برج بورسیا یافته اند کاملاً استکشاف میداریم - نوشته است - بانی این برج اولین ملوک . و - فاصله بین او و مختصر ۴۳ زمان است - و تاکنون در بورسیا آثار کهنه است که قصه ابراهیم و آتش را بمانشان میدهد - \* ( در محلی که نمرود طرح آتش ریخت ) \* -  
 قبه است بر تلی بزرگ سیاه و خاکستری . که برورایام پوسیده و متغیر گردیده است ) آیا این تذکار تذکار تاریخی نیست ؟ گذارش پیشین را بچه نحو میتوان بدست آورد ؟  
 ( همانویل ) ممکن است . این تل از آثار آتش فشان بوده و سپس خاموش گردیده است

( قس ) خیر - زیرا - ۱ - محل آتش فشان گوه . یا -  
 برآمده گئی زمین است . و در بورسیا سوای آن تل خاکستری اثر دیگری نیست - ۲ - و در صورتیکه قبل از طوفان بوده بدیهی است طوفان اثر را را محو مینمود - یا بعد - پس تواریخ

همچو آتش فشانیرا ذکر میداشتند . . . . دیگر آنکه . . بین طوفان و بنای بوسیدیا مدت زمانی نبوده است و در اینصورت چگونه بوسیدیا و هیاکل پتان را در اطراف آتش فشان بنا مینمودند . . اگر هم . . خاموش بود پس « عمران » این منظره زشت را باقی نمیگذاشت — این است بابلیان بر پرستش و بزرگترین خدمات خود تذکاری نهاده و در برابر بهای خود این اثر را گذاشته اند

﴿ اضطراب نسخ توره . و انجیل در نسب ﴾

( عمانوئیل ) خواندم تا عدد ۱۲ باب ۱۱ پیدایش ، ارفکشاد سی و پنجسال بزیست شالغ را آورد ، — با آنکه — باب ۲ عدد ۳۶ انجیل لوقا ( قینان را بین شالغ و ارفکشاد واسطه قرار داده است — میگوید — شالغ ابن قینان ابن ارفکشاد — و بهمین قسم توره سبعینیه — بلکه تصریح بمقدار عمر قینان قبل از ولادت و بعد از ولادت شالغ نموده است — آیا — نقصان از توره عبرانیه و تراجم است . یا . زیاده از لوقا و توره سبعینیه و یونانیه ؟ — در هر حال — اینگونه اختلافات برای ما سوء انعکاسی خواهد بخشید — چون وبال تکذیب هر یک

بر ما است

( قس ) — جزء ۳ صفحه ۲۱۲ ( الهدایه ) اعتذاری از این  
اختلاف خواسته . مراجعه نموده اید ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ نویسنده ۱۰ الهدی ، کاملاً در این موضوع هم  
بحث فرموده اند آیا جزء ۲ صفحه ۳۶ — ۳۸ آنرا مراجعه  
فرموده اید ؟

( قس ) اعتراضاتش را دیده و . با کمال دقت سنجیده ام —  
( گویم آنرا که تو گوئی اگر فرصت بود ) — ولی — « مجد مکتوب  
به از مدح نویسنده بُود » ،

### — خیر مقدم —

﴿ عمانوئیل ﴾ در این اثناء یک نفر از علماء نجف بما وارد شده  
و بر عده ما افزود —

﴿ عالم ﴾ . جناب قس — آیا روحانین نصاری بکتاب عهد  
قدیم وجدید مراجعه مینمایند ؟ — و در صورت مراجعه —  
ایا بصرف مترجم اکتفاء نموده یا باصل عبری هم مراجعه  
میکنند ؟

﴿ قس ﴾ — بدیهی است اصل عبرانی را هم میخوانند — آیا

ممکن است علماء مسلمین قرآن را با لغت اصلی خود مراجعه ندارند ؟  
( عالم ) تعجب است . زیرا اغلب را دیده ام . گویا - بمندرجات  
عهدین سابقه نداشتند

❦ قس ❦ - از روحانین ما ؟ - شایسته نیست که در عده  
روحانین شمرده شود . . .

( عالم ) اشخاصی که در نظر است . - هاشم العربی - جمعیت  
الهدایة - مرسلین امریکا بمصر .

« قس » ، چگونه ممکن است . - این اشخاص . - علمائی هستند  
که هر قدم ساخته برای دعوت و جلوگیری از حملات مسلمین  
عرض اندام نموده اند . لذا - از طرف مسیحیین موظف  
گردیده کتب و نشریات آنها را تقدیس و تقدیر مینمایند . . .

❦ عالم ❦ - در توره ندیده اند ، عدد ۱۳ باب ۴۶ - پیدایش  
متذکر است - که شمر و ننی یکی از اولادهای یساکر ابن یعقوب  
میباشد و عدد - ۲۳ باب ۴۶ - سفر اعداد - را مراجعه نداشته  
اند ؟ که عده زیادی از قبیله شمر و ننی ابن یساکر  
باموئی همراه بود

( عالم ) نسجیده اند ، که سامری ، مذکور در قرآن نفی از شمر و نیانیت که باموئی همراه بود - و سامری تعریب شمرونی است . . . .

( قس ) از این نکته غفلت نموده ندانسته اند . . . که سامری تعریب شمرونی است . . . و توهم - نموده ~~که~~ سامری منسوب بشهر سامره است و آنرا قریب به ۵۰ سال پس از سلیمان یک نفر از ملوک استرالیان « عمری » نام بنا کرده و بسامره موسوم داشت - پس : بنا و حدوث نسبت - ۵۷۰ سال پس از قصه گوساله است . .

- این است - جمعیت الهدایة در جزء ۱۰ ، صفحه ۳۷ آنرا تکذیب کرده و میگویند ( ذکر سامری در این موضع دلیل بر جهل تاریخ و عدم اطلاع بتوقع بلدان است )

و در جزء ۲ صفحه ۵۵ تجدید مطلع داشته میگویند - که در عصر موسی سامری یا سامره در بین نبوده و این از تخیلات بعیده مستحیله میباشد و تاریخ بنی اسرائیل ~~با~~ که تواریخ عالم اقوی شاهد و بر هاند و ( هاشم العربی ) در تزییلات مستقلة خود صفحه ۵۵ اظهار میدارد ( سامری ) در عهد موسی



معقول نیست مگر پس از جلاء بابل کسی باین نام منسوب  
و معروف گردد ) - حضرت شیخ بدیهست . در صورتیکه  
سامری تعریب شمرونی باشد اثبات این مطلب اعتراض آنها را  
ساقط مینماید . .

﴿ عالم ﴾ . عجب از تست . نه - از . . . گویا تجاهل  
میفرماید ؟ مراجعه فرموده اید - شهریت که در لسان  
عرب به - سامره - مشهور و در اسفار . ملوکث اول . ثانی  
- اشعیا - ارمیا - عاموس - میخا - عزرا - نحمیا -  
پیش از شخصت مرتبه تکرار گردیده و در اصل عبری -  
شمرون - است و ( نیز ) یونانی . انگلیزی . فرانسوی .  
و و بالاخص تراجم . لوقا . یوحنا . اعمال رسولان . . .  
﴿ بجز اغلب تراجم فارسی و عربی ﴾ آنرا - شمرونی -  
نامیده اند - باید پی است سامری تعریب شمرونی است  
و در . کره - شهری . یاحلی . یا شخصی - نیست که در  
عبری . آنرا سامره یا سامری نامند - پس . « سامری »  
در قرآن شخصی منسوب بشمرون ابن یساکر است نه منسوب  
بتهریریکه - عمری - بناموود - لذا میگوئیم - « هر که

تکذیب کند بدهد « تکذیبش کن » - بشنوند - ( جاهل تمسخری  
نکند جز بنفس خویش )

( قس ) - قبل از این اظهارات بمهدين مراجعه داشته و در  
اصل عبری و سایر لغات سموای بعض نسخ فارسي و عبری  
- شمرون - نوشته اند بلکه در ترجمه . ولیم گلن . و بعض  
تراجم قدیمه عبری . هم تعریب نداشته و بلفظ اصلی خود -  
شمرون - نوشته اند « حضرت شیخ » واضح است که  
سامری تعریب شمرونی و « سامری » نفری از شمرونیانست  
که توره او را در عدّه قشون موسی می شمارد . - از تجریات  
این جمعیت و و دلتنگی مباش ﴿ مجد قرآن تو . تکذیب  
کند آنان را ﴾

- ﴿ توره . هارون . گوساله ﴾ -

﴿ همانوئیل ﴾ . حضرت شیخ . ممکن است ، مهم در  
این مقام عرایض خود را بایک حرّیت کاملی بمعرض رسانم .  
﴿ عالم ﴾ از ادانه مکنونات خود را اظهار دار . .

( همانوئیل ) - قرآن متذکر است « سامری » که یک نفر از  
شرونیان و اولادهای یساکر ابن یعقوب است گوساله

ساخته و بنی اسرائیل را به پرستش ان دعوت داشت — ولی

— در توره باب ۳۲ « سفر وُج » نوشته است

پس از آنکه در مراجعت موسی تأخیر افتاد بنی اسرائیل بهارون

اظهار داشتند « برای ما خدایانی ساز تا برابر ما بخرامد ، لذا

« هارون گفت گوشوارهای طلا را از گوشهای زنان و دختران

و پسران خود را بیرون کرده و بیاورید . پس آورده و برای

انها گوساله ساخت و به پرستش ان دعوت نمود و سپس برای

اجرای رسوم عبادت قربانگاهی در مقابل گوساله مقرر داشته

و گفت « فردا حج کنید پروردگار خود را ، — حضرت شیخ

— هارون برادر موسی و از سبط — لاوی — است . و سامری

. از سبط یساکر ابن یعقوب و مناسبتی در بین نیست

● عالم ● عمانوئیل ، از خلل داخلی و خارجی توره صرف

نظر نکرده و در این موضوع بوجدان خود مراجعه میداریم —

در صورتیکه هارون تأسیس شرک و بت پرستی نمود چگونه

سند او را « پیغمبر » فرموده بدستورات مقدسه و حکم

و توحید تکلم میدارد — گاهی است که باموسی در مقام

تبعید کلیم مخاطب گردیده — و گاهی منفرد در مقام قرب و وحی

آیه مفتخر است ( باب ۱۱ - ۱۴ ) سفر لاویان ۲ - ۲ -  
 ۱۸ - ۱۹ سفر اعداد ، مراجعه شود . و چگونه در حالتی  
 که گوساله میساخت و بعبادتش دعوت میداشت خداوند او را  
 برای کهانت و امانت مقرر فرموده قبل از این ارتکاب و ( بعد )  
 بکراماتی سرشار اختصاص میدهد و برای او رختهایی بیک طرز  
 مخصوص دستور داده که پارچه آن از طلا - لاجورد . ارغوان  
 . قرمز و کتان نازک تاپیده . زنگوله منگوله گردد و و و .  
 و برای تقدیس او دانیان را امر مینمود و بان خلعتش میفرمود  
 باب ۸۲ و ۲۹ سفر خروج قصه را بیک اسلوب خاص بیان نموده  
 جالب توجه است مراجعه فرمائید . ای عمانوئیل . - بین  
 از مکانیکه خداوند بموسی وحی کرده و هرون را تقدیس  
 داشت و بکرامت و امامتش مفتخر فرمود و فرودگاه هارون  
 و اسرائیلیان مسافتی نبوده اگر در انحال از این اقدامات زشت  
 بی اطلاع بود سپس چرا تقدیسش نمود ؟ و اگر هم آگاه  
 بود - چرا تقدیسش فرموده و چنین شخصی را بامامت  
 و حافظ امر ارحکمت منصوب و معرفی مینماید ؟ - ( خائنان  
 را نکند محرم امر ارحکیم ) . .

— سلیمان — عهد قدیم —

۱۰ عموئیل \* بدبھی است خداوند محیط و عالم است —  
 و در عدد ۷ و ۸ تصریح میفرماید ۷ خداوند بموسی گفت  
 روانه شده بزیر پر وزیرا که اینقوم که از زم-ین مصر بیرون  
 آورده فاسد شده اند ۸ و بزودی از آن طریقی که بدیشان امر  
 فرموده ام انحراف ورزیده گو ساله ریخته شده برای خویشتن  
 ساخته اند و زندان سجده میکنند — ولی — حضرت شیخ  
 آنچه از کتب وحی خود استفاده میداریم . شرک در قد است  
 انبیاء مضر نمیداشد ( چنانچه ) کتب مقدسه متذکرند — خداوند  
 سلیمانرا پیغمبر فرموده و اسفار حکمت و جامعه و نشید . براو وحی  
 نمود . و بتعمیر بیت المقدس — سر افراز فرمود ( که بدستهای  
 خود نه قدرت ) با آنکه پدرش تصمیم بر این امر داشت ( خانه  
 را بساز و مجد نمود را براو اظهار داشته بداد گفت ( سلیمان  
 کسی است که خانه من و صحنهای آن را بنا خواهد نمود زیرا که او را  
 به پسری خود اختیار کرده و من پدر او خواهم بود ) عدد ۶  
 باب ۲۸ کتاب اول تاریخ ایام مراجعه شود . و قریب  
 باین مضمون هم در باب ۳۲ کتاب مزبور . و باب ۷ سفر

صموئیل ثانی ) است - ولی - باب ۱۱ کتاب اوّل پادشاهان  
 سلیمان را یک نفر مشرک گمراه معرفی میدارد - که سلیمان زنهای  
 مشرکه را تزویج داشت ۴ و در وقت پیری سلیمان واقع شد که  
 زنانش دل او را به پیروی خدایان غریب مایل ساختند و دل او  
 مثل دل پدرش داود بایهوه خدایش کامل نبوده پس سلیمان در  
 عقب عشتورت خدای صیدویان و در عقب ملکوم رجس  
 صموئیل رفت ۶ و سلیمان در نظر خداوند شرارت ورزیده مثل  
 پدر خود داود خداوند را پیروی کامل ننمود ۷ انگاه سلیمان  
 در کوهیکه روی اورشلیم است عمارتی بلند بجهت کوش  
 که رجس موایان است و بجهت مولک رجس بنی عمون بنا  
 کرد ۸ و برای بهای زنان خود مانند آن عمارت بنا نمود ( کتب  
 و حی ان عمل زشت را مگر بر بسلیمان نسبت میدهند )

و نیز - در عدد ۱۳ باب ۲۳ . کتاب دوّم پادشاهان است ..  
 « حضرت شیخ » بنا بر این اشخاصیکه در یک قسمت از دوره  
 زندگانی خود مشرک میشوند مخصوصاً خداوند آنها را به پیغمبری  
 مبعوث خواهد داشت - پس - حال هارون و سلیمان باخدای خود  
 یکی است و فرقی در بین نیست

( عالم ) خوبست بحث را بحال خود گذاشته و مطلب را بیک طرز بسیار ساده تقویت نمائیم ( شخصی عازم مسافرت است ) و برای سرپرستی زنان و دختران و خواهران خود در صدد انتخاب و کیلی است که اضافه بر تعلیم اخلاق . « عفت و حیا » حفظ ناموس و شرافت او را نموده جلو گیر از افساد بدکاران و بی پرده گی آنان هم بوده « سوء نظری در اطراف این وکالت اعمال ندارد » —

حال ممکن است زنیکه میدانند در آتیۀ نزدیک کی زانیه خواهد شد و خانواده او را هم بزناء و ادار خواهد نمود بر آنها گماشته و مسافرت نماید ؟ مخصوصاً در صورتیکه بدانند این زن بی شرمانه بزناء و هر گونه ترغیب بسوء مداومت کرده و بالاخره فامیل او را تشکین مینماید در این صورت چگونه چنین زانیه را تمجید داشته و بامانت معرفی میدارد —

﴿ عثمانوئیل ﴾ . بدیهی است مردمان عادی هم با و تا مین میخواهند داشت . . .

( عالم ) پس چگونه خداوند . عالم . حکیم — شخصی — شرور و مشرک را به صلاحیت و درستی به بنده گان معرفی

فرموده - و اجرای احکام و اصلاح . و شریعه مقدسه را  
از او مترصد خواهد بود . آنهم بسوء سریره خود تظاهر  
نموده و مردمان را به پرستش گوساله مصنوعی دعوت نماید  
یا بتکده ها بسازد

( همانوئیل ) . راست و روشن است که اینگونه متناقضات  
کتاب آسمانی نبوده . مجد خداوندی . حکمت الهیه .  
شرافت نبوت . باین مندرجات شرک آور ذره سازگار نیست  
. بلکه . بقلم پکنفر مؤمن عارف هم تحریف نگردیده است  
( الیعازر ) . حضرت شیخ - آیا قرآن شما ذکر از هرون  
و پرستش گوساله میکند ؟

( عالم ) - قرآن آیه ۹۲ طه و ۱۴۹ ( اعراف ) تذکار بر این  
قضیه فرموده هرون را منزّه و مبرا می شمارد در سوره طه  
( ولقد قال لهم هرون یا قوم انما فتنتم به « یعنی العجل » و ان  
ربکم الرحمن فاتبعونی و اطیعوا امری قالوا لن نبرج علیه  
عا کفین ) و در سوره اعراف ( انّ القوم استضعفونی و کادوا  
یقتلوننی فلا تشمت بی الأعداء ولا تجمعانی مع القوم الظالمین )  
میفرماید - هرون هر چند قوم خود را از این اقدام نهی نموده



باطاعت و پرستش خداوند دعوت میداشت در آنها تأثیری  
نداشته و بقتلش تهدید مینمودند لذا در مقام اضطرع برآمده و به  
موسی بیان حقیقت مینماید — کجا قرآن میفرماید .  
« هر و ن عبادت گوساله نمود ؟ » ؟

— کتاب ثمرۃ الایمانی —

( الیمازر ) قرآن را تاکنون ندیدیم ام فقط در این موضوع بر  
کتاب ثمرۃ الایمانی چاپ مطبعة امریکائی بیولاق مصر سنه ۱۹۱۱  
اعتماد نموده ام صفحه ۷۹ را اسراجمه فرمائید

• همانوئیل • من هم این کتاب را دیده ام . گویا . روایت  
بعض مبشرین است که بساحت قرآن افتراء زده اند . و در  
صفحه ۷۸ هم نیز افترائی شرم آور زده و میگویند در قرآن  
است که داود میش برادر خود را گرفت و ابراهیم بت پرست  
بود . — پدر — قرآن موجود است آیه ۲۲ و ۲۳ سورة ص  
مکیه قصه قضاوت داود را تذکار داده و سورة بقره آیه ۱۲۹  
آل عمران ۶۰ و ۸۹ و انعام ۱۶۲ و نحل ۱۲۱ و ۱۲۴ پی در پی  
ابراهم را از شرک منزّه می شمارد ( و ما کان من المشرکین )  
خوانده است

( الیمازر ) چگونه میگویند کتاب ثمرۃ الامانی روایت بعض  
مبشرین است با آنکه این کتاب را مندرجه حقیقت دانسته و در  
پشت آن کتاب نوشته اند ( حق از روایت دور تر )

( عماوئیل ) . پدر . بنا بر این اظهار عالت چیست چندین  
مرتبہ بقرآن نسبت کذب داده اند ؟ ( خوب ) از مضاده آنها  
با قرآن چشم پوشی مینمایم . بفرمائید . چرا بتوریه خود نسبت  
دروغ داده ؟ و میگویند توریه از تکرار اسم خداوند نبی نموده  
است صفحه ۸۳ و ۸۴ ثمرۃ الامانی مراجعه شود . پدر . توریه  
عدد - ۷ باب ۲۰ سفر خروج و عدد - ۱۱ باب ۵ سفر  
تثنیه اصل عبری منذکر است . لا تشأت شم یهو . الهیک  
لشوا کی لاینقه یهو ات اشیریشأت شمولشوا . ﴿ پدر ﴾  
با آنکه نویسندگان در ترجمه این کلام اضطرابی شدید نموده  
اند . از کلیات مضطرب آنها هم نبیی از تکرار اسم خدا در  
عبادات استفاده نمیتوان داشت . چنانچه در بعض تراجم است  
« سوگند بخور با اسم پروردگار خداوندت دروغ بدستیکه  
پروردگار تزکیه نمیکند کسیکه قسم بخورد بنامش دروغ »  
ترجمه دیگر منقول ثمرۃ الامانی « نطق ممکن بنام پروردگار

خداوندت باطل بدرستی که مبرا نمی کند کسی که نطق نماید بنامش  
باطل « ولی ترجمه حقیقی » قصد مکن نام یهوه خداوندت را  
بسه « بدرستی که خداوند مبرا نمی کند کسی که قصد کنند نامش را  
بسوء » - پدر - گویا نویسنده این کتاب در مزامیر منسوبه  
بداود مراجعه نداشته ؟ و فضل تسبیح وادمان ذکر خداوند را  
نسبتیده است ؟ نام خداوند را تسبیح بخوانید . ای بندگان  
خداوند تسبیح بخوانید - خداوند را حمد گوئید زیر احمد نیکو  
است . ترنم کنید بمجد اسمش و و - ندیده نشنیده ام تاکنون  
کسی اعتراضی بکثرت ذکر خدا در مقام تذلل و عبودیت  
نماید - خیر . خیر . بله . بله شبلی شکیل - در اواخر جزء ۲  
( مجموعه ) این اعتراض را نموده است . پدر . کتاب ثمره  
الایمانی بر مسلمین عیب جو گر دیده و در تسبیح وادمان ذکر  
خداوند خصوصاً بلا اله الا الله . انهار استهزاء میدارد . بگذار  
گفته اند ( بردمان کبریا نشیند گردد ) ولی . جهت  
چیزت با این علاقه مندیهای مفرطی که بتوریه دارد خلاف  
واقع را با و هم نسبت داده است . پدر . کارکنان این جمعیت  
وطابعین این کتاب بر ما جنایتی نموده و صدق و امانت را از

مسیحیین برداشته اند . بله . فقط صدق که در این کتاب است  
 آنست که در صفحه ۸۷ اظهار عقیده نموده میگوید : « سر  
 تثلیث فوق عقول ما است . و ادراک آن از محیط فهم بشر خارج  
 است . . ولی . گویا این نویسنده برکتی در صواب و قبول حق  
 ندیده . پاداشت . وجود خداوند . از لیتش . علت العلل  
 است . عالم بجمیع اشیاء است . خالق زمین و آسمان است .  
 و روز قیامت را فوق ادراک شمرده . و ناموس دین و عظمت  
 افکار را هتک نموده است — پدر — و قتیکه نام آن کتاب  
 را شنیدم فرط اشتیاق بمراجعه آن داشتم . گفتم . بدیهیست  
 کتابیکه در اهتداء مسلم بنصرانیت تألیف شود . و مبشرین  
 هم نشر دهند محتوی بر دلائل روشن و براهین بی پرده است  
 . خصوص بقلم بکنفر محصلی . . . . که بوسیله سفائن بسواجل  
 یمن و عمان مسافرت نموده . و خدمات برجسته بدیانت مسیحی  
 داشته است . ( این ) تألیف بنزدیکی مسلمانان را بر تضرع  
 ترغیب مینماید — مناسفانه پس از مراجعه . دیدم . کتابی  
 است مبتنی بر دروغ و افکار پست و تاریک که برخلاف  
 انتظار برادران مسیحی را باسلام دعوت میدارد — راستی

اوقاتى را که در مراحله این صرف نموده تضییع داشته ام .  
ولى تضییع وقت در مقابل خجالت و شرم ساری از مسلمین  
وقعى نخواهد داشت

﴿ عالم ﴾ ای عمانوئیل عقیده شما در مقدمه کتاب ثمرۃ الایمانی  
و اعتراضاتی که نویسنده این کتاب بقرآن و رسول اکرم  
در صفحه ۳ اشاره نموده چیست ؟ همان طوری است که  
نویسنده یا مبشرین اشاره نموده اند که در دین اسلام و قرآن  
اموری طفلانه و خرافات و ضلالتی که مدت دوازده قرن  
بر اصل توحید آویخته و پیچیده — خوب است — قرآن  
و عهدین حاضر کرده و مندرجات هر یک را با حقیقت توحید  
تطبیق نمایم تا عریان و مکشوف شود کدامیک دارای  
امور طفلانه و خرافات و شرک است

﴿ تا چند حقیقت است پنهان ﴾

( عمانوئیل ) حضرت شیخ . تعقیب مطلب بیشتر موجب  
خجالت و مورث اندکالک این جانب است . متمنی است از این  
مذاکره صرف نظر فرموده . کلام سابق خود را تعقیب داریم

— ﴿ افسانه غرائب ﴾ —

♦ عالم ♦ « برگو که حقیقت است تابان »

♦ عمانوئیل ♦ پیغمبر مسلمین در مکه سورۃ نجم را در محضر بت پرستان تلاوت نموده و پس از تلاوت این آیه « ارایت اللات والعزی و منات الثالثة الأخری » بها را باین اسلوب تمجید میدارد - تلك الغرانیق العلی . منها الشفاعة ترجی - بفرماید چگونه خداوند شخصی که مباح بتان بوده و در چنین محضری مشرکین را تقویت نموده است بر سالت مبعوث خواهد داشت ( عالم ) خود شما این قصه را در قرآن یا در اخبار متواتره دیده اید ؟ یا سند آن روایت بثقات متصل است تا ثقاتی که واقعه را مشاهده داشته و برای دیگران روایت نموده اند و شنیده اید که مسلمین بر آن اعتراف نموده و ر او یانش نزد عموم بدیانت و امانت معروف باشند ؟

♦ عمانوئیل ♦ هیچیک از اینها در بین نیست . بلکه جماعت شیعه این قصه را دروغ و باطل و کفر آور میدانند — و از اهل تسنن هم — نسفی میگوید قول بآن مرضی نیست . بیضاوی . قول بآن نزد محققین مردود است . خازن . در تفسیر خود میگوید علما اصل قصه را موهون دانسته اند ؛ چون ارا از اهل

صحت روایت نداشته و ثقی باسناد صحیح یا سلیمی اسناد نداده است ) فقط روایتی از بعض مفسرین و مؤرخینی که بذکر هر قصه غریب و نامعروفی شغف داشته‌اند و در صحت و سقم خبر کسبجکاو نبودند و تقلباتی که در روایت این افسانه است با انقطاع سند دلیل واضح بر وهن است . قاضی عیاض . ارا انکار نموده و مانند خازن گفته است . در سیره حلبیه . جمع زیادی این قصه را مطعون دانسته و از باطل شمرده اند و بساختگی زنادقه نسبت داده اند « رازی » در تفسیر خود . این قصه باطل جعلیست و قول بآن جائز نیست « بهقی » راویان این قصه هیچیک آب و مند نیستند « نووی » اما آنچه از بعض اخباریین و مفسرین مرویست که سبب مسجود بُت پرستان با پیغمبر شفاء آنحضرت بر بتان است باطل و از جهت عقل و نقل شایسته نیست « سید احمد دحلان » در سیره . قصه غرائق را بعض محدثین و مفسرین نقل نموده و جماعت زیادی گفته اند دروغ و بی اصل است . و اشخاصی که ناقلند میگویند . کلام پیغمبر نبوده بلکه گفتار شیطان نیست که بسمع مشرکین رسیده ولی گوشهای مسلمانین نشنیده است - قولیست - که بعض بُت پرستان

در بین تلاوت این آیه باین کلمات جسارت ورزیده اند —  
حضرت شیخ - بعض مفسرین برای اظهار اطلاع و فضل تشبث  
بواهیات کرده و قصه غرانیق را سبب نزول آیه « و ما ارسلنا  
من قبلك من رسول ولا نبی » در سورة حج دانسته و این  
سوره را مکیه شمرده و میگویند در شب قصه غرانیق سال  
پنجم نبوت نازل شد . با آنکه تمامی سورة حج مدینه است .  
چنانچه ابن عباس . ابن زبیر . قتاده . ضحاک . . . و . .  
روایت نموده اند و در صورتیکه از روایت آنها صرف نظر  
داریم وضعیات دیگر بمانشان میدهد که سورة حج مکیه  
نیست . زیرا در این سوره ذکر واقعه صد و منع از مسجد  
الحرام است و این واقعه پس از هجرت است . نیز در این سوره  
خداوند امر بحج و اذن در قتال و امر بجهاد فرموده است و بدیهی  
است هر يك پس از سنینی بعد از هجرت میباشد — حضرت  
شیخ — اضطراب این حکایت و تناقض روایات آن را در جزء  
اول کتاب الهدی صفحه ۱۲۴ تا ۱۲۸ دیده و بر آن قدری هم  
از اطلاعات خارجی افزوده ام

﴿ عالم ﴾ — عماوئیل — با این وضعیات چگونه اظهار



عقیده نمودید که حضرت پیغمبر ( نلک الغرانیق ) را  
سرود است

( عمانوئیل ) . معذورم . زیرا در بدو امر این حکایت را در  
جزء اول « الهدایه » صفحه ۶۲ دیده و آنرا بصورت واقع  
جلوه داده بود . میگوئید ابن عباس و تمامی مفسرین از متقدم  
و متأخر بر این قائلند . مجدداً رحله الحجازیه شیخ غریب را  
مراجعه داشته دیدم آنرا بمفسرین اسناد میدهد . اینست اعتماد  
بر جمعیت کتاب الهدایه و نویسنده رحله الحجازیه نموده و گفتم  
حکایتی است که اجماع مسلمین بر صحت آن است . غافل از  
آنکه بر هر نویسنده نباید اعتماد داشت . سپس تتبعات بسیار  
در اطراف این حکایت کرده و آنرا افسانه و دروغی بی منشأ  
یافتم . زیاده بر این . اینکه در کتب دیده ام هر گونه اخبار  
ضعیف و سقیم و منقطع و . . . را روایت میدارند . حاجی . در  
اول سیره اش بر این تصریح نموده . و در عیون الأثر  
سیره حافظ یاد داشت میدهد . کبروئی از دانشمندان  
تساهل در اخبار و حکایات را جائز میدانند . ابن عراقی  
گفته است

وليعلم الطالب ان السيرا \* تجمع ما صح وما قد انكرنا  
( عالم ) . ای همانوئیل . چیست و کدام یک اعتماد و علاقہ  
مندی شمارا از مندرجات کتب جمعیت و سائر مبشرین برداشت  
( دروغهای جمعیت « الهدایة » و هاشم العربی و غریب ابن العجیب )  
( همانوئیل ) اموری کہ مرا متنبہ گردانید از کہ صفحہ ۷  
ذکر شدہ . کہ جمعیت « الهدایة » گفته اند . خداوند در  
تورہ تفرمود . « خداوند روز ہفتم را مبارک گردانید و اورا  
تقدیس نمود » با آنکہ این کلمات بعینہ در تورہ موجود است -  
دیگر آنکہ - در صفحہ ۲۸ اشارہ شد کہ گفته اند قرآن  
مراعات سجع را بر حقیقت مقدم دانستہ قائل را قایل بر  
وزن ہایل نمودہ است . با آنکہ در قرآن ہایل و قایل در  
بین نیست

دیگر آنکہ ہاشم العربی در صفحہ ۱۱ چاپ اول از تذبیلاتی کہ  
بر مقالہ « جرجی سایل » است . و غریب ابن العجیب صفحہ  
۹۷ رحلۃ الحجازیہ نوشتہ اند « در سفر پیدایش تورہ است »  
( اسمعیل پس از مرگ ابراہیم . آمد . و اورا دفن نمود )  
با آنکہ لفظی بمعنی « آمد » در اصل عبرانی تورہ « وھیچیک از

تراجم موجود نیست . و آنها اعمال غرض فاسدی نموده لفظ  
 « اتی » بمعنی « آمد » را افزوده اند . چنانچه جزء ۲ کتاب  
 الهدی صفحه ۹۵ سطر ۴ تا ۶ و صفحه ۱۰۴ متعرض است .  
 مراجعه فرمائید . آنچه توره در این موضوع متذکر است  
 عدد ۸ و ۹ باب ۲۵ سفر پیدایش « ابراهیم باشیبه صالحی پیر  
 وسیر شده بمرد و بقومش ملحق گشت و پسرانش اسمعیل  
 واسحق او را در مغاره مکفلیه دفن نمودند »

● عالم ● در بعض تراجم عربی است « شیخاً و شعبان ایاماً  
 . یعنی . پیر و از روزگاران سیر ، چرا لفظ « ایاماً . روزگاران »  
 را انداختید ؟

● همانوئیل ● میخواهید بر توره افزوده و در این قسمت  
 هم پیروی هاشم و غریب و امثال آنها را بنمائیم ؟ زیرا آنچه  
 در اصل عبرانی است « ایاماً . روزگاران » نیست و اصل -  
 « ویمت ابراهام بشیبه طوب زقن و شعب و یاسف ال عمیو » مقصود  
 از « شعب » ( سیر ) - توانگر است

● عالم ● مترجمین هم زیاده مثل این زیاده بر اصل عبرانی  
 افزوده اند ؟

( عما نوئیل ) در خصوص اسفار توره پنجگانه بیشتر از شصت کلمه افزوده اند . نسخه ۷ صفحه ۲۶ معدوده باین کلمات اشاره نموده است . و در بین کلمات آن کلمات بحرف كوچك مطبوع است . بعضی از جهت نقصان تصحیح داشته و بعضی از روی جهل بدخواه بازیچه خود قرار داده اند

﴿ خطاب خداوند با ابراهیم . اختلاف عهدین ﴾

﴿ عما نوئیل ﴾ خواندم تا عدد ۳۱ و تمام باب ۱۱ رسیده . گفتم . آقای قس . توره تا کنون از گذارش و ایمان و توحید و نبوت ابراهیم و خطابهائی که خداوند در بلد او بین الهین و فرات . و دجله ، بر او فرموده و او را برگزیده ذکر می نداشته . فقط میگوید « تارح پسرش ابراهیم و نوه اش لوط و ساره زن ابراهیم را برداشته و از او و کلدانیان « بطرف اراضی کنعان متوجه شدند پس بطرف « حاران « آمده و در آنجا اقامت نمودند و تارح در آن محل مرد « سپس در باب ۱۲ است « پس خداوند با ابراهیم گفت از ولایت خود و از مولد خویش و از خانه پدرت بزمینیکه تو را نشان خواهم داد برو — ابراهیم رفته و لوط هم خدمت بوده او حرکت نمود . و ابراهیم در

موقعیکه از حاران بیرون رفت هفتاد و پنج ساله بود . و او زن خود ساره و برادرزاده اش لوط و تمام اموال اندوخته با اشخاصیکه در حاران بهمرسائیده بود برداشته و بمنیمت زمین کنعان بیرون گردیده و زمین کنعان داخل شدند ، آقای من - در اوایل باب ۷ اعمال رسولان است که خداوند ذوالجلال بر پدر ما ابراهیم ظاهر شد و قتیکه در بین النهرین بود قبل از توقفش در حاران و باو گفت از وطن خود و خویشانات بیرون شده زمینیکه تو را نشان میدهم برو - پس از دیار کلدانیان روانه شده در حاران درنگ نمود ، - بفرمائید در صورتیکه خطاب خداوند ب ابراهیم در بین النهرین بود چگونه توره آنرا نقل بحاران نمود . و اگر در حاران است کتاب اعمال رسولان عهد جدید چه میگوید ؟ . ولی . همین خطاب گوشزد میدارد که زمین و عشیره و خانه پدر ابراهیم در بین النهرین بوده است . و این مطلب هم بدیهی است چون حاران زمین ابراهیم نبوده و دران عشیره نداشت . بلکه او و پدرش و لوط و ساره در حاران غریب بودند - نمیدانم چرا توره اشتباهه مینماید ؟

﴿ قس ﴾ — عمانوئيل — ( آنچه نخواهی شده . بگذر . بخوان )

— شك ابراهيم ع در توره . و كلام پريشان —

﴿ عمانوئيل ﴾ خواندم تا باب ١٥ - از عدد ٨ تا ١٢ خداوند با ابراهيم فرمود من خداوندی هستم که تو را از اور کلدانیان بیرون کرده تا این زمین را بتو بخشم و تو وارث آن گردی . گفت بچه علامت یقین کنم وارث این زمین خواهم شد . فرمود پیاور گاوسه ساله . بز سه ساله . گوسفند سه ساله . کبوتر حمام و یعام را . پس آورده و هر يك را نصف نمود و هر نصفی مقابل دیگری گذارد سوای کبوتر را

پس جوارح لاش خور بر این لاشه ها فرو داده ابراهيم آنها را رد می نمود ، - گفتم - جناب قس - این نوع بخشش و انتقال زمین از ملك قومى بدیگری از امور عادىست . ﴿ خوب ﴾ خداوند با ابراهيم فرمود این زمین را بتو بخشم و تو وارث آن گردی . چگونه ابراهيم شك نمود و گفت بچه علامت یقین کنم وارث این زمین خواهم شد . آیا وعده خداوند یقین آور نیست ؟ ابراهيم ایمان بخداوند نداشت ؟ — آیا مار

راستگروی ناصح چنانچه نزد حوّا رفت نزد او آمده ؟  
با ابراهیم هم گفت وارث این زمین نخواهی شد و چنانچه بآدم  
گفت « روزیکه از آن درخت بخوری خواهی مرد » ابن وعده  
هم بی اساس بود ؟

این جمله را گذاشته . بفرمائید بالاخره علامتی که حضرت حق  
با ابراهیم داد چه بود ؟ تا از آن علامت ابراهیم هم بصدق و عد  
و طاعتش شود . نمی بینید مذاکره علامت صرف لقلقه و کلامی  
دم بریده است از او چیزی بدست نیاید . بیان بی ثمر است  
و پیوسته نیست - خداوند که فرمود این حیوانات را دو نصف  
نموده کبوتر را دو نصف مکن . پس ابراهیم بچه سبب اینقسم  
نمود ؟ آیا کلام خداوند اینگونه پریشان و توره حقیقی این  
شکل است ؟ از خداوند و پیغمبران و کتابهای او دور میباشد  
— ایمان ابراهیم ع . ودلیل روشن قرآنی —

( قس ) بنظر م میرسد در اطراف حدیث ابراهیم قصه هم همین  
اسلوب در قرآن مسلمین اواخر « سوره » بقره ، است

﴿ عموئیل ﴾ : بله . آیه ۲۶۲ ( واذ قال ابراهیم رب ارنی  
کیف تحیی الموتی قال اولم تؤمن قال بلی ولیکن لیعلمن قلبی

قال فخذ اربعة من الطير فصرهن اليك ثم اجعل على كل جبل  
منهن جزءاً ثم ادعهن يا تينك سمياً )

﴿ قس ﴾ . عمانوئیل . این کلام چه قسم بنظرت میرسید

( عمانوئیل ) کلامی با انتظام . پیوسته مفید . دلیلی روشن

و حجت بزرگ‌گست . ایمان ابراہیم و طلب اطمینان قلبی و مرتبه

عالی ایمان را بموعودت حسّ بیان مینماید . چون احیاء مرده گان

امر بزرگ‌گست و محسوسیت آن در زیادی ایمان اثر بزرگی دارد

۔ ولی ۔ با آنکه یہود و نصاری میگویند حکایات قرآن از

تورہ مقتبس است ، چرادر این کلام پیوسته و بیان سرشار با کلام

بریده و پریشان تورہ مخالف میباشد ؟ سبب اینگونه اختلاف چیست ؟

﴿ قس ﴾ چون یکی از این دو کتاب وحی خداوند و کلام

حقیقی او است خوب است در این مقام عقل را حکمران نموده .

و بسنجید ۔ بگذر ۔ و بخوان

— فرشته . خداوند . تورہ —

( عمانوئیل ) خواندم تا فصل ۱۶ پیدایش . عدد ۷ تا ۱۴

( در قصه هاجر و بشارت ملائکہ او را با اسماعیل و مذاکرات

ملائکہ با او ) تورہ میگوید : فرشته خداوند او را نزد چشمه



در پیاپی یافت . . گفت باو فرشته خداوند . . گفت فرشته خداوند ، مکرر . پی در پی . تا گفت « فرشته خداوند باو گفت ذریت تو را بسیار افزون گردانم بحدی که از کثرت بشمار نیاید »

گفتم این قول از فرشته دور است . زیادی نسل از خداوند است نه فرشته . چرا توره خلق و تکثیر نسل را بفرشته نسبت میدهد — از این هم بگذریم — ولی — با این همه تکرار . گفت فرشته خداوند . . گفت فرشته خداوند .... چگونه بعد فراموش نموده و میگوید « و نام خداوند را که باوی تکلم نمود ( اته ال رئی ) خواند » ترجمه این لفظ عبرانی تو خدای دیدنست . مگر توره بین فرشته و خداوند تمیز نمیدهد؟ ( قس ) در توره از این قبیل بسیار است

( عما نوئیل ) ( نه مشکل کنند حل مشکل نه هرگز \* خطای فراوان بپوشد خطارا )

﴿ قس ﴾ . نه . نه . بخوان

﴿ ابراهیم . خداوند . ملائکه . توره ﴾

( عما نوئیل ) خواندم تا باب ۱۸ و ۱۹ . قس هم در ضمن

قراأت میخندید . منم در معانی آنها فرو رفته . دیدم دارای  
 جملاتی پریشان و مطالبی پیوده است . بطوریکه در کلاه فرو  
 نمیروند - گفتم جناب قس . نجاتم را ده بفهمانید مقصود توره  
 از این جملات چیست ؟ « اشکار شد خداوند . ابراهیم چشم  
 باز کرد دید سه مرد در مقابل او ایستاده اند . گفت ای آقا  
 اکنون که منظور نظر تو شده ام از بنده خود مگذر . اندک  
 آبی بیار وند تا پاهای خود را شسته و در زیر درخت پیار امید  
 . قطعه نانی بیارم تا دلهای خودتان را تقویت دهید . بالاخره  
 ابراهیم طعامی مهیا کرده . خوردند سپس بساره بشارت  
 فرزند داده و ساره بمناسبت پیری و قطع عادت زنان خندید  
 . خداوند گفت مگر هیچ امری برای من دشوار است .  
 در موعد خواهم برگشت و ساره را پسری خواهد شد . پس  
 ان مردان برخاستند و متوجه « سدوم » شدند . و ابراهیم  
 ایشانرا مشایعت نمود . خداوند گفت آیا آنچه میکنم بر ابراهیم  
 مخفی دارم ؟ پس خداوند گفت چون فریاد « سدوم و عموره »  
 زیاد شده است فرود آییم ببینیم بحسب فریادیکه بمن رسیده  
 عمل نموده اند و الا خواهم دانست . انگاه ان مردان بسوی

سدوم رفتند . ابراهیم حضور خداوند ایستاده بود . ابراهیم  
 و خداوند مکالمات زیادی نمودند ، پس از ختم مکالمات  
 خداوند رفت و آن دو ملک بسوی سدوم آمده . لوط آنها را  
 استقبال داشت گفت پیایند سوی خانه من و پاهای خود را  
 بشوئید . سپس نان فطیری برای آنها مهیا کرد خوردند .  
 و او را بهلاکت از شهر خبر دادند — هنگام طلوع فجر لوط  
 را شتابانیده و لوط سستی مینمود آن سه مرد دست او وزن  
 و دخترانش را گرفته بیرون کردند . او را گفت فرار کن .  
 لوط باها گفت نه آقای من . من بنده توام در چشم تو عزیز  
 میباشم . پس گفت شهریکه شفاعت نمودی و از گون نمیکشم  
 . تا انجاری من نمیتوانم کاری بکنم .

جناب قس — چگونه خداوند بنظر ابراهیم در صورت سه  
 مرد ظاهر میشود ؟ بچه وجه ابراهیم بخطاب مفرد با آنها تکلم  
 مینماید ؟ میگوید « آقای من . در چشم تو . از بنده تو مگذر . باز  
 چرا بخطاب جماعت خطاب نمود میگوید . پاهای خودتان را  
 بشوئید . بیار امید . دلهای خودتان را تقویت دهید » توره  
 هم میگوید « خوردند » — جناب قس — خوردند گان

کیستند ؟ انسانند ؟ یا ملائکه ؟ ولی بقول توره خداوند بود .  
چون توره در انقسام میگوید « پس خداوند فرمود چرا  
سار . خندید چیزی بر خداوند دشوار است . خداوند گفت آیا  
انچه . . . خداوند گفت ناله سدوم . فرود آیم ، مضحک است  
مگر خداوند محتاج بنزول میباشد ؟ تا بدینند . بداند ؟ اگر  
فرود نیاید نخواهد شنید . نخواهد دید . نخواهد دانست ؟ !  
خداوند کجا است تا نزول نماید ؟ پس از تکلم با ابراهیم کجا  
رفت ؟ ان سه مرد چگونه دو ملک شدند ؟ چگونه از طمام  
لوط خبر دهند ؟ چگونه یکی شدند ؟ چگونه لوط خطاب  
مفرد بانها نمود ؟ آقای من . بنده تو . چشم تو . که بود که  
لوط با او تکلم میدارد ؟ که با لوط تکلم داشت . من تو را  
سر بلند نموده ام . شهر را واژگون نمیکنم . من نمیتوانم کاری  
بکنم . آیا خداوند بود . و نمیتوانست ؟ ! من چه بگویم —  
توره میگوید

﴿ قس ﴾ مسیحیان میگویند آن سه مرد اقایم خداوندند  
و خداوند باقایم خرد برای ابراهیم ظهور نمود . شدند  
یکی است دارای سه اقایم . ابراهیم آن را بخطاب مفرد خطاب

نمود چون خداوند ~~یکی~~ است . و بخطاب جماعت بلحاظ تعدد اقلیم

( عمانوئیل ) فعلا نمیگویم چگونه خداوند یکی . سه است . چون چنانکه تکفیر را برداشته میگویند . ای بی ایمان . این امور وراء عقل است . ساکت شو . خفه . خفه . لذا تأخیر بهتر است . ولی میگویم . آیا چون ابراهیم میدانست خداوند باقلیم ثلاثه خود ظاهر شده گفت پاهای خودتان را بشوئید . دلهایتان تقویت نمائید . پیار امید . برای آنها خوراک آورد ! نشستند ! خوردند ! آیا خداوند میخورد ؟ اقلیم خداوند نمی خوردند — خوب — چطور اقلیم سه گانه نزد لوط و دو ملک شدند ؟ سوئی آنها چه شد ؟ آیا سه عدد دو عدد است ؟ یا اقلیم خداوند فرشته اند ؟ ! معقول است خداوند یا اقلیم خداوند بخورند ؟ و یا شامند ؟ !

— کرامت قرآن —

( عمانوئیل ) — جناب قس — توراتی که همگی تصدیق داریم کلام خداوند است این قصه را افسانه و نامعقول نقل نموده و بیانیاتی که بگانه فرو نمی رود اظهار میدارد — از این طرف

قرآنی که غیر از مسلمانان با و معتقد نیست و بجز آنها نزد  
کسی وحی الهی شمرده نمیشود این قصه را با کمال پیوستگی  
موافق عقل و دانش متذکر است . آیه ۷۲ تا ۸۵ سوره هود  
مکّیه و ۲۴ تا ۳۷ سوره ذاریات مکّیه تذکار میدهند ؟  
و تصریح مینمایند که آنها ملائکه خداوند بوده و خوراک  
نخورده اند

❖ قس ❖ با حالت مخصوصی ( خندان ) - گفت - مسیحیان  
میگویند ( محمد ص ) چون خواننده و نویسنده نبود  
حکایات توره را از یهود و دیگران آزموده و در قرآن  
نقل میکنند

❖ عمارئیل ❖ - ( محمد ص ) از اعراب وحشی بت پرست  
بشمار میرفت و آنها هم بهره از علم نداشته . نمیدانستند معقول  
چیست . غیر معقول کدام است - پس اگر ( محمد ص )  
این قصه را از توره یا تعلیم یهود گرفته بایست مانند توره  
کلام پریشان و متناقض و نامعقول بیاورد . بلکه بحسب جهات  
و وثیت و بی معرفتی اعراب زشت تر نقل مینمود - واقع -  
بسیار تجسس داشته و در اطراف این اظهار جدّیت نموده ام

— قرآن غلطهای عهدین را تصحیح کرده . و حقائق معقوله را بدینان خوشی جلوه میدهد . راستی راستی قصص عهدین را از مهملات و خرافات تصفیه میدارد . شرم آور است عهدینی که مسیحیان کلام خداوند میدانند پراز خرافات و هرزه نویسیست . ولی . از یکطرف قرآن مسلمانها در موافقت عقل و استقامت و حقیقت نمائی یگانه کتاب آبرو مند است . کاش پیرو و نصاری این نسبت را بقصص قرآن نداده و شخص را بمقابله وادار نمیکردند . آنوقت زشت و زیبا راست و دروغ معلوم نمیشد — فعلاً اجازه دهید قرآن و عهدین را در محضر محترم مقابله نمایم

( قس ) سابق در قصه آدم و شجره و ابلیس مقابله شد . شاید هم اگر درس را ادامه دهیم سایر قصص هم مقابله شود . ولی . راستی اظهارات شما نزد برادران مذهبی ما دشوار و خشم آور است

( عمانوئیل ) برادران مذهبی ما اهل حق و دارای صفای باطنند . از اینها بگذریم . عات چیست درد درونی و زخمهای دیرینه سرامداوات تمییز مائید ؟ بلیم آب رسانیده نگه میداری .

﴿ قس ﴾ میخوام بدای خودت با این حرکات ملایم بطرف حق سیر نموده . ارشاد شما سهل شود — اینک — لازمست دروس سابقه خودت را در آن ضمیر پاک و درون روشن آزاد نوشته . حساب حقیقت سهل و ساده خواهد بود . من هم همراه هستم که کمک خواهم نمود . گرچه یزدان تورا است نیک معین .

( عمانوئیل ) دروس سابق را بذهن خود سپرده و مذاکرات مستقبل را هم در نظر خواهم گرفت و بهتر است برای عبرت دیگران و استفاده عموم قلم را بدست گرفته آنها را هم بنویسم و نشر دهم — جناب قس — چیزی ماند . - باب ۱۹ در ذیل قصهٔ سدوم و عموره افسانه شرم آور است نخوانده ام — وای وای — لوط در دین خود غر برآمد و دختر خود در کوچه ساکن شد . دختر بزرگ بکوچک گفت پدر ما پیر شده و مردی بر روی زمین نیست . بیا تا پدر ما را شراب بنوشانیم و با او هم بستر شویم تا نسلی از پدر نگاه داریم . مختصر . شب اول دختر بزرگ . شب دوم کوچک بدین وسیله و بدست پدر همبستر پدر شده . حامله گردیده . دو پسر زائیدند — جناب قس — این عمل



از لوط پاکیزه و پرهیزکار معقول است ؟ آیا قرآن هم همین  
مضمون نقل مینماید

﴿ قس ﴾ توره میگوید . . . نمیدانم وجدان شما چه میگوید  
— اما « قرآن میزّه است از این گفتههای زشت » —  
آه — بخوان

— ﴿ ختنه . و توره ﴾ —

﴿ عمانوئیل ﴾ مطالبی از باب ۱۷ عدد ۹ تا ۱۵ باقی مانده  
. خوب است از تحقیق و کشفکاوای آن در این مقام صرف نظر  
نداریم — میگوید — ختنه عهد خداوند با ابراهیم و فرزندان  
ذکور و بستگان او است . پسریکه مختون نشود چون عهد  
خداوند را نقض داشته از قوم خود جدا خواهد شد —  
جناب قس — این عهد با ابراهیم و فرزندان و تابعان او است  
یا با عموم مؤمنان

﴿ قس ﴾ . او . عهد ایمان و شریعت مؤمنان است . — و بدیهی  
است چون در آن موقع مؤمنین منحصر ب ابراهیم و فرزندان  
و تابعان او بودند . خطاب ب آنها متوجه خواهد شد —  
اینست موسی هم ارا در عهد خود مقرر داشته و بتابعیت

ان هم تا كيد فرمود - « اين حكم را براي اسرائيليان . و اشخاصي كه در اسرائيليان فرود آيند . و مولودين زمين . و غلامانيكه ميخرند . و شرط عمل فصيح . و خوردن آن قرارداد ،

باب ۱۲ سفر خروج - عدد ۴ تا ۵۰ . و باب ۱۲ سفر لاويان عدد ۴ مرأجه شود . پيوسته انبياء و مؤمنان هم تا چندين سال پس از مسيح بر اين ترتيب بوده و مخالفت نمودند - شخص « بولس » هم در رساله روميان باب ۴ عدد ۱۱ تصريح مينمايد « و علامه ختنه را يافت ابراهيم تاهم و نشاني بران عدالت ايمانكه در نا مخنوني بود »

( عمانوئيل ) باينكه علامت ايمان و عهد خداوند سبحان بود چرا نقض كرديده و منسوخ شد ؟

﴿ قس ﴾ در عهد جديد است تقريباً ۱۷ سال پس از مسيح رسولان و بولس ختنه را ابطال نموده اند . آيا باب ۱۵ اعمال رسولان يا كافي كه راجع بابطال ختان و منسوب بر سائل بولس است نديده ايد ؟

﴿ عمانوئيل ﴾ ديده ام . ولي تنها ختان را نسخ نداشته بلكه همه شريعت موسي را ابطال كرده است - تعجب است -

با فرض محافظتیکه مسیح از این شریعت فرمود و در انجیل هم  
 بمحافظت آن عموم و خصوص شاگردان خود را توصیه نمود .  
 وای . وای . چگونه این اقدام زشت را داشته و حفظ وصیت  
 مسیح را نموده اند ؟ — مضحك است — ابطال این شریعت را  
 نموده و اظهار میدارند که برای سهولت و جلب مردم بتنصر  
 این اقدام را کرده ایم — اما — بیاناتی که در اطراف ختان  
 منسوب بواسطه است يك جملاتی هرزه و پریشان و متناقض  
 است . و شریعت موسی را اهانت و استهزاء مینماید — چیز  
 مهمی هم ندارد

— عبدالمسیح در کتاب خود . وختان —

✽ قس ✽ اصحاب ما میگویند . خداوند خواست . مبادا پس  
 از ورود اسرائیلیان بمصر شهوت بر آنها نیکیه اولاد ابراهیم اند  
 غلبه نموده شریعت ختان را مقرر فرمود بجهتیکه وقت اسرائیلیان  
 بزنانی بگذرانند زنان مصر بواسطه تغییر خلقت این عضو از  
 آنها بپرهیزند — بنا بر این پس از خروج از مصر ختان  
 حکمتی ندارد

( همانوئیل ) این بیان عبدالمسیح است — میگویند — در

زمان مأمون عباپی تألیف نموده و از ابطال ختان اعتذار جست  
 - ولی - اگر پوزش نمینمود پاس جلال خداوند . قدس انبیاء  
 . شرافت کتب وحی را بهتر میداشت - نمیدانست ؟ -  
 این اعتذار مورد ملامت شده . خواهند گفت . اگر حاجتی  
 بدوام شریعت ختان نبود چرا خداوند پس از خروج اسرائیلیان  
 از مصر آنرا تأکید فرمود . يك سال و بیشتر پس از این خروج  
 در « سینا » بموسی « یفرماید » روز هشتم . از ولادت پسر  
 گوشت غلاف او ختنه شود . چنانچه در سفر لویان باب ۱۲  
 عدد ۴ - چرا خداوند پیرش پس از خروج مصر بچهل سال  
 و بیشتر اصر داشت بنی اسرائیلیکه پس از آن خروج مولود  
 شده و همه محتون نبوده اند همه را يك وقت ختنه کند . او هم  
 آنها را ختنه نمود و از مدافعت هجوم دشمنان حاضر باز داشته  
 تا امر الهی را اجراء میدارد . در این وقت خداوند فرمود  
 « امروز از شماها تنگت مصر بر طرف نمودم » مراد از تنگت  
 مصر آن ناختوینکه نشان شرك شده . چنانچه ختنه نشان ایمان  
 است . کتاب یوشع باب ۵ عدد ۲ تا ۱۰ مرجمه شود . این  
 انبیاء و مسیح این حکم را اجراء داشته شاگردان انحضرت

هم تا ۱۵ سال پس از مسیح متابعت نمودند تقریباً شریعت  
ختان ۱۹۴۶ سال ادامه نمود

- حضرت قس - چرا بولس و شاگردان مسیح این نوع  
پوزش مانند عبدالمسیح نخواسته اند؟ معلوم است یهوده و بی  
اصل میباشد

- یگانه فرزند ابراهیم کیست؟ -

( عماوئیل ) خواندم تا باب ۲۲ گفتم - جناب قس - توره  
میگوید - ابراهیم بذبح یگانه فرزند خود مخاطب گردیده .  
سه مرتبه ذبیح بعنوان « فرزند یگانه تو » تعیین میشود .  
ولی توره نیز میگوید یگانه فرزند اسحق بود - نمیدانم --  
چگونه اسحق یگانه است ؟ بانکه اسمعیل پانزده سال از او  
بزرگتر و در زمان اسحق و این خطاب موجود بود . لذا .  
لازم است یا لفظ یگانه را برداشته . یا لفظ اسحق را با اسمعیل  
تبدیل کنیم . زیرا بدیهی است که اسمعیل پانزده سال  
قبل از اسحق متولد شده و یگانه است . اسحق هیچ وقت  
یگانه نبوده

( قس ) مسلمانان میگویند خداوند ابراهیم را بذبح پسرش

« اسمعیل ، امتحان فرموده و او ( یگانه ) او است  
 ( عمانوئیل ) چرا نگوییم . مسلمانان فخر رضا و تسلیم از اسحق  
 برای امر خداوند و فخر این قصه و فدآء را از اسحق برداشته  
 با اسمعیل نسبت داده اند چون اسمعیل جدّ قسمت بزرگی از  
 مسلمانان وجدّ ( محمد ص ) پیغمبر اسلام است  
 ( قس ) تناقضی که در توره بین « اسحق » و « یگانه است »  
 قول مسلمانان را تأیید مینماید

( عمانوئیل ) توره تصریح میکند که اسحق یگانه پسر  
 ابراهیم بود

﴿ قس ﴾ برگشت سؤال اول شما بر این است که توره یاد  
 تسمیه ذبیح ( با اسحق ) یاد در توصیف او ( یگانه ) خطا نموده  
 ( عمانوئیل ) تعجب است همچو تناقض واضحی چگونه در توره  
 است !

( قس ) تعجب ندارد . پیش آمد و تبدلات روزگار پی در  
 پی توره را باینگونه تناقضها مبتلی کرده است . ( در ذکر  
 خریداران یوسف از برادران و فروختن او را در مصر ) باب  
 ۳۷ شماره های ۲۵ و ۲۷ و ۲۸ و ۳۶ مراجعه دارید .

مذکور است — ناگاہ کاروان اسماعیلیان بطرف مصر  
میرفتند . یہوذا گفت بیاید یوسف را با اسماعیلیان بفروشیم —  
ان وقت "تجار مدیانیان گذشتہ و یوسف را با اسماعیلیان فروختند  
و بمصر آوردہ — اما — مدانیان " و در راجع . مدانیان .  
اورا در مصر بہ فوطیفار خواجہ فرعون فروختند — ولی در  
اول باب ۳۹ میگوید . اما یوسف را بمصر بردند و فوطیفار  
خواجہ فرعون اورا از دست اسماعیلیانی کہ یوسف را بہ انجا  
بردند خرید !!

ای عمانوئیل گاہی تورہ آنہارا اسماعیلیان اولاد اسمعیل  
پسر ابراہیم و ہاجر نمودہ . گاہی . مدانیان . اولاد مدیان  
پسر ابراہیم و قطورہ . گاہی . مدانیان . اولاد مدان پسر  
ابراہیم و ہمین قطورہ . باز ہم اسماعیلیان مینماید — ای عمانوئیل  
( حال تورہ ما چنین باشد ) — بگذر و بخوان

— ﴿ تورہ و برکت یعقوب ﴾ —

( عمانوئیل ) خواندم باب ۲۷ تا عدد ۴۰ — محلیکہ بسیار شرم  
آوراست سپس ساکت شدہ . ولی . قس میخندید . گفت  
چرا ساکت شدی ؟ گفتم . خندہ شما از چہ جهت است ؟

گویا بامن هم عقیدہ اید ؟ آنچه شمارا بخندہ در آورده مرا هم ساکت نمود

( قس ) ای عمانوئیل نظریات خود را در این موضوع اظهار دار و بدل مپیچ

( عمانوئیل ) اسحق پیغمبر خداوند متعال خواست برکت را به پسر بزرگ خود عیسو بخشیده و او را بشفافت روحانی و پیغمبری سرافراز فرماید - فعلاً نمیپرسم - آیا این عزم و تصمیم با امر خداوند یابد الخواه اسحق بود ؟ - ولی - استیضاح مینمایم . بچه سبب بعیسو گفت « صحرارفته شکاری صید کن چنانچه میل دارم خوراک تریب داده برای من بیار و بخورم تا قبل از مرگم ترا برکت دهم » - مگر دادن برکت موقوف بشکار و سیر شهوانی او است ؟ و در حال گرسنگی داده نمی شود ؟ ۱ - از اینها گذشته - توره میگوید - در این اثناء مادر عیسو و یعقوب سخنان اسحق را با عیسو شنیده و از فرط محبتی که بپسر خود داشت او را امر نمود بگذاشتن دوزخاله خوب بیار و خوراک مهیا سازیم تا آن برکت برای تو گرفته شود . یعقوب بمادر خود گفت برادرم عیسو دستهای او پر



موسست من بی موهستم . چگونه پدر را فریب دهیم . مبادا ملتفت شود آنوقت عوض برکت مرا لعنت خواهد نمود . مادر گفت لعنت او بر من . برو آنچه را میگویم عمل کن . یعقوب بزغاله حاضر نموده مادر موافق دلخواه اسحق خوراکی ترتیب داده و جامهای فاخر عیسو را بدیعقوب پوشانید و پوست بزغاله را بدست و گردن او بست . یعقوب خوراکی را نزد اسحق آورده عرض نمود من عیسو پسر بزرگ تو هستم !! آنچه بمن فرموده اید عمل نموده ام بنشین از صید پسر خود میل فرما . سپس سر ا مبارک گردان . اسحق فرمود نزدیک من بیا . تو را لمس کنم بدینم تو عیسو هستی یا نه ؟ پس از لمس فرمود صوت صوت یعقوب است . اما دستهای عیسو . نیز گفت تو پسر بزرگ من عیسو هستی . یعقوب گفت بله بله من عیسویم . اسحق از آن طعام خورده و می نوشید !! آنوقت برکت مال و ریاست قومی و بزرگی روحانی را با او بخشید !! - سپس عیسو رسیده و طعام حسب دلخواه اسحق حاضر نمود . از پدر طلب برکت داشت - بالاخره . اسحق چون دانست که یعقوب بواسیله مکر و تزویر برکت را رده بلرزش بسیار

شدیدی لرزیده و گفت کیست اینکه مبارک گردانیدم . بلی .  
و مبارک خواهد بود . عیسو گفت بمن هم برکت بده .  
جواب داد . برادرت بمکرو تزویر برکت تو را گرفته است .  
عیسو سؤال میکند . ( پس مانده ) برکت هم برای من نمائده  
است . جواب داد . خیر . یعقوب را آقای تو و برادرانش  
گردانیدم و او را بگندم و شراب تقویت داشته ام دیگر ( چکنم  
چاره چه سازم . که تھی دست شدم )

ای حضرت قس . تورہ میگوید . یعقوب بہ پدر خود خدعہ  
و تزویر نمود . چہار مرتبہ دروغ گفت . بفرمائید این برکت  
بزرگ فقط بکلام اسحق و خوردن صید و آشامیدن شراب  
مربوط بودہ است ؟ ( اگرچہ برخلاف مقصود اسحق ہم  
بدسیسہ تزویر رבוذہ بشود . و رای خداوند متعال در این  
برکت ارادہ و حکمت و نظری بلیاقت نبود ؟ بلکہ یگانہ منظور  
خداوند لسان و خوردن و آشامیدن اسحق از صید و شراب  
میباشد اگرچہ یعقوب ہم بدروغگوئی و خدعہ یبرد ( تعالی  
اللہ عن ذلک )

( قس ) شاید این تحویل برکت ( از عیسو ب یعقوب ) موافق

اراده خداوند بوده

( عسمانوئیل ) تعجب است . مگر ممکن نبود . از اول خداوند با مسحق میفرمود . سزاوار این برکت یعقوب است . نه عیسو — تا اینکه سزاوار و صاحب این برکت پیغمبری دروغگو و مکار نشود . امورا الهی و نبوی هم معرض سخریه و استهزاء نگردد چگونه ممکن نبود ؟ یا اینکه توره موجود را بوحی خداوند موسی نسبت دهیم آیا نمیبینید چه قدر حکایات شرم آور و قصه های طولانی بی مغز دارد . . . مراجعه فرمائید حکایات لوط و دختران او ( ۱ ) کشتی گیری یعقوب با خداوند ( ۲ ) « دینه » دختر یعقوب ( ۳ ) « ثامار » عروس یهوذا ( ۴ )

دراز گوئی خداوند با موسی را جمع برخت هرون و برش وزنگوله و منگوله و رنگت آمیزی آن ( ۵ ) آنهم در چه وقت ؟ بقول توره . موقعیکه هرون بضر خداوند اقدام نموده و مردم را به پرستش گوساله میخواند ( ۶ ) جناب قس البته

( ۱ ) سفر پیدایش باب ۱۹ عدد ۳۱ تا ۳۸ ( ۲ ) باب ۳۲ عدد ۲۲ تا ۳۳ ( ۳ ) باب ۳۴ عدد ۱ تا ۳۰ ( ۴ ) باب ۳۸ عدد ۱ تا ۳۰ ( ۵ ) سفر خروج باب ۲۸ عدد ۴ تا ۳۹ ( ۶ ) سفر خروج باب ۲۴ عدد ۱۲ تا باب ۳۲ عدد ۱ تا ۷ و ۱۵ تا ۲۵ مراجعه فرمائید

این مقالات وحشت انگیز بی مغز پیوده توره را دیده اید حاشا . حاشا . ( توره حقیقی اینچنین نیست )

( قس ) . چه بگویم . عجله مکن . بخوان

( عسائوئیل ) خواندم باب ۳۲ عدد ۲۴ تا ۳۱ قس در حال قرائت گاهی تبسم مینمود . و گاهی میلرزید . گفتم توره میگوید . یعقوب تاطلوع فجر با انسانی کشتی گرفت و چون دانست بر یعقوب قدرت ندارد بران اوزده فشرده شد . به یعقوب گفت مرا بازدار . یعقوب گفت رها نمیکنم تا مرا برکت بخائی . نام یعقوب را پرسیده و گفت پس از این خود را یعقوب منام زیرا با خداوند مجاهده نموده و غالب شده نام تو یسرائیل است . یعقوب هم نام او را پرسیده گفت چرا اسم مرا مینپرسی و یعقوب را برکت داد . یعقوب ان مکان را « فنیئیل » یعنی وجه الله نامیده گفت چون خداوند را بروها بروها دید و جانم رستگار شد

جناب قس . توره میگوید . انسانیکه با یعقوب کشتی گرفت و بر یعقوب قدرت نداشت و توانست خود را رها کند خداوند بود . و یعقوب با توانائی و غلبه و شجاعت از خداوند

برکت را گرفت ( چنانچه قبل بمکر و تزویر از پدر خود گرفته بود ) و این است بواسطه این غلبه و شجاعت « یسرائیل » نامیده شد — ای آقا مگر این معقول است . نمی دانید ؟ . اینگونه کلمات آیهین را مورد استهزاء ما دین می دارد . مگر امور الهی و نبوی این شکل است . کتاب خداوند هم این نوع یهوده سرائی مینماید

﴿ قس ﴾ ندیدی وقت قرائت گاهی تبسم مینمودم و گاهی می لرزیدم : صبر کن

( عمانوئیل ) در اصل عبرانی « روها بروها » است . جهت چیست مترجمین « روبرو » ترجمه داشته اند . بفروماید بواسطه غلط نویسنده عبرانی است که « یاء و میم » علامت جمع را افزوده « فنیم ال فنیم » نموده است یا از جهت دیگری است

( قس ) کلمه پیش از این در اصل عبرانی چیست ( عمانوئیل ) اصل عبرانی ( کی رایتی الوهیم فنیم ال فنیم ) ترجمه « چون دیدم خداوندان را روها بروها » گفتم گویا میفرمائید غلط گشبی نیست بلکه غلط اشراکی وثنیست

( قس ) خندیده و گفت من نگفتم تو میگوئی . بگذر . و بخوان ( عمانوئیل ) خواندم باب ۳۵ عدد ۹ تا ۱۶ دیدم توره در این اعداد میگوید ( ظاهر شد خداوند برای یعقوب . . . صمود نمود از اینجا یک با یعقوب تکلم فرمود - یعقوب اعمل راه بیت ایل . یعنی خزانة خدا نامید - گفتیم - چرا توره بخداوند نسبت صمود و زول میدهد . مگر خداوند جسم است . پایین میاید . بالا میرود ؟ ! !

﴿ قس ﴾ مگر خداوند جسمی است که در بهشت راه میرود میخرامد . آدم صدای خرامیدن میشنود ؟ ! ! با یعقوب کشتی گرفته و نمیتواند خود را از دست او رها نماید . آهسته . عجله مکن . بخوان و بدین

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا خواندم در باب ۳۸ . یهوذا پسر یعقوب با عروس خود و ثماره زنا داشته از او دو پسر . فارص و زارح ، متولد شد ( ۱ ) - گفتیم - جناب قس چرا توره این افسانه های شرم آور را ذکر نموده . خانواده پغمبران

( ۱ ) بیانات توره و کتب وحی یهود اولاد یهوذا که قسمت بزرگی از اسباط بنی اسرائیلند از این سلسله زنا بوده اند و داود و سلیمان و مسیح هم از این سلسله میباشند

و فرستادگان خداوند را تنگین و اهانت مینماید و ولادت پیغمبران بزرگ مانند داود و سلیمان و مسیحی که از ذریت فارصند طعن میزنند ؟ ! با ( آنکه ) توره در باب ۲۳ عدد ۲ سفر تثبیه میگوید : « زنازاده در دسته خداوند داخل نمی شود حتی پشت دهم » - نتیجه میدهد . داودیکه از پشت دهم است در جماعت خداوند نمیباشد لذا چگونه پیغمبر مقرب گردیده و وحی زبه رب او نازل میشود

( قس ) از اینگونه اعتراضات پی در پی بکتاب وحی خود داری کن . مگر ندیده کتب وحی ما میگویند « امنون » پسر داود بخواهرش « تامار » دختر داود عاشق گردیده و بدستور العمل « یوناداب » برادرزاده داود با تامار زنا مینماید . داود هم شنیده . محدود شریعت با امنون رفتار نکرده . بلکه نسخه سبعینیه باب ۱۳ کتاب دوم صموئیل در این مقام میگوید . داود روح امنون پسرش نیاز زده چون او را دوست داشت زیرا نخست زاده اش بود . . . و چون شنید « ابشالوم » برادر پدر و مادری تامار امنون را بجهت ان عمل شنیع بقتل رسانیده گریه بسیاری نمود و هر روز بر او میگریست . باب ۱۳ صموئیل

دوم را مراجعه فرمائید . این ( ابشالوم ) هم بقول کتب وحی ما . با زنان و پرده کیان پدر خود بالای پشت بام بمنظر اسرانیلیان زنا داشته . و پس از موت او داود بر او میگريست و میگفت ای پسر م ابشالوم ای پسر م ای پسر م ابشالوم کاش که بجای تو می مردم ای ابشالوم پسر م ای پسر م . باب ۱۶ عدد ۲۱ و ۲۲ و باب ۱۸ عدد ۳۳ کتاب دوم صموئیل مراجعه شود - ای عمانوئیل - مگر ندیده اید کتب وحی مادرشان داود متذکر است . که زنا با زن « اوریاه » داشته و با او مکر نمود و زن اوریاه هم از داود حمل زنائی برداشت و بالاخره بدستور داود این مرد صالح در ستکار کشته شد . راستی اموری که بدن شخص را بلرزه در آورده و از مردمان شرور و خیانتکار هم صادر نمیشود . من که دامن پیغمبران را با اینگونه حرکات زشت آلوده نمیدانم - اما چکنم باب ۱۱ صموئیل دوم متذکر است

﴿ عمانوئیل ﴾ جناب قس . گویا میخواهید این نسبتهای که کتب وحی ما بداد داده اند تکذیب فرمائید ؟ آیا دلیلی هم دارید که این نسبت زشت را بقدس داود تکذیب



کنند ؟

( قس ) آیا چیزی که خلاف معقول تکذیب او هم مایه دارد ؟  
بیانات شیخ « عالم » را صفحه ۴۶ فراموش نموده اید . نگفت  
. کسیکه مرتکب این گونه اعمال زشت شود چگونه خداوند  
اورا بنیوت اختیار فرموده و برای ارشاد بندگان و بازداشتن  
از این اعمال شرم آور میفرستد ؟ مگر خداوند متعال میخواهد  
مقام نبوت را مورد استهزاء نموده و مخالف مجد و حکمت  
فرماید ؟

( همانوئیل ) غیر از این هم دارد ؟

( قس ) زبور وحی خداوند در زبور ۱۱۹ از لسان داود  
میگوید . خداوند از شریعت تو انحراف نورزیده ام — اما  
وصایای تو را ترك نکرده ام — از هر راه بدی پای خود را  
نگاه داشتم برای اینکه فرمان تو را حفظ کنم — از کلام تو  
انحراف نورزیده زیرا تو آموختی مرا — از احکام تو انحراف  
نورزیده ام

انجیل لوقا باب اول عدد ۳۲ ( وحی خداوند بمریم مادر مسیح  
که در تمجید و نیک بختی مستقبل پسرش مسیح ) میفرماید

( خداوند او را کریمی داود پدرش خواهد داد ) بدیهی است که او کریمی تقوی و رستگاری داود است - ولی - کسیکه دارای چنین اعمال زشت و حرکات شرم آور است . هم کریمی پیغمبران رستگار و انبیاء پر هیزکار نخواهد بود . بلکه بایست هم کریمی اشرار باشد . اگر چه

اشرار هم بجمع خود رهنمیدهند \* شهوت پرست پرده در پرگناه را آیا همین کریمی خداوند مسیح را تعجید میکند . حاشا لله و حاشا انبیاءه و اولیاءه

( عمانوئیل ) در این مقام مسلمانان و کتاب آسمانی آنها ( قرآن ) چه میگویند ؟

﴿ قس ﴾ تبسم نموده . گفت . بشما چه مربوط . گفتیم . ضرر ندارد . مگر معرفت تاریخی هم در این مذاکره نیست ؟

( قس ) قرآن سوره ( ص ) در شأن داود فرموده است آیه ۱۶ ( اِنَّهٗ اَوَّابٌ ) یعنی ( بخداوند بسیار رجوع کننده ) آیه ۲۴ ( وَاِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفٰی وَحُسْنَ مَّآبٍ ) ( و بدرستی که نزد ما برای او است هر آینه نزدیکی و حسن بازگشت - بله - ذر

این سوره محاکمه خصمین است راجع بدین - ولی - بعض مسلمانان آن قصه زنائی را از لسان یهود گرفته در کتب خود نوشته اند ( چنانچه باب ۱۱ و ۱۲ صموئیل دوم متذکر است . اما جماعت شیعه و اهل تسنن متفقند در روایت که ( علی ) وزیر پیغمبرشان ( محمد ص ) یک صد و شصت تازیانه برای افسانه سرایان این قصه تعیین فرموده و آنرا حد افتراء بر انبیاء قرار داده است . این « علی » پیشوای مسلمانها است که این حکایت را افتراء و از خرافات تقالان شمرده - و نیز - جعفر بن محمد امام شیشم اهل بیت مانند جد خود « علی » فرموده است - مسلمانان هم این حکایت را در شان پیغمبران غیر معقول شمرده و بهین حکایات در کتب وحی ما عیب جو میباشند . صفحه ۱۰۲ تا ۱۰۵ جزء اول کتاب الهدی مرآه شود

( عمانوئیل ) . پی در پی . بعجله خواننده و از امور زیادی دلگیر و غضبناک و درهم بودم . و حرص بر امور مهمه دیگری داشته سفر پیدایش را خاتمہ دادم . شروع بدومین سفر توریّه ( سفر خیر و ج ) شد .

— پيغمبری موسی . توره —

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا باب ۳ ( سفر خروج ) رسیده خواندم . موسی گله پدر زن خود را رانده و بحوریب آمد و فرشته خدا در شعله آتش از میان بوته بر او ظاهر گشت . چون دید بوته آتش گرفته و نمیسوزد بطرف ان متوجه شد خداوند دید موسی برای دیدن متوجه بان طرف است خدا از میان بوته ندا در داده و گفت ای موسی من هستم خدای پدرت ابراهیم و خدای اسحق و خدای یعقوب . انگاه موسی روی خود را پوشانید زیرا ترسید بخداوند تماشا کنند . — آقای قس — آیا فرشته که بموسی ظاهر شد خدا و خداوند بود یا دیگری ؟

﴿ قس ﴾ . فرشته خداوند غیر از خداوند است . میخواهی بگوئی توره بین خدا و فرشته خداوند خط کرده و اشتباه ورزیده است — مگر ممکن نبود بگوئید ( آنکه بر او ظاهر گشته فرشته بود و خداوند با او تکلم فرمود ؟ )

﴿ عمانوئیل ﴾ پس چرا توره میگوید « موسی ترسید بخداوند تماشا کند » مگر خداوند جسم است و دیده

می شود ؟

﴿ قس ﴾ نه . نه . خداوند جسم نیست و دیده نمیشود . بخوان .

— خداوند کذب آموز نیست —

﴿ عسانوئیل ﴾ خواندم ، خداوند موسی خطاب فرموده و گفت برو و مشایخ اسرائیلیان را جمع کرده بایشان بگو « یهوه » خدای پدران شما ابراهیم و اسحق و یعقوب بن ظاهر شده و گفت هر آینه از شما و آنچه بشما در مصر کرده اند تقدّم نموده ام و گفتم شما را از مذلّه مصر بیرون آورده زمین کنعانیان و حثّیان و اموریان و و زمینی شیر و شهید در او جاری است — گفتم — آقای قس — در این تبلیغ قرار خداوند باشیوخ اسرائیلیان این بود که آنها را از مذلت مصر بیرون آورده بفلسطین و شرقی اردن برساند — ولی -- بدون فاصله در شماره بعد میگوید ( اگر اسرائیلیان دعوت تو را قبول نمودند تو باشیوخ اسرائیلیان نزد پادشاه مصر رفته بگوئید خدای عبرانیان ما را ملاقات کرده . و الآن سفر سه روزه را برویم تا برای یهوه خدای خود قربانی نمایم ، — آقای قس — مگر یتان بود

خداوند آنها را از مذلت مصر بیرون آورده بفلسطین و شرق اردن برساند . پس چگونه اسر داشته که موسی و شیوخ اسر ائیلیان بفرعون بگویند ، خدای عبرانیان ما را ملاقات کرده و الان سه روز راه پیوده برای خداوند قربانی نمائیم ، و شیوخ اسر ائیلیان که را ملاقات داشتند . کی . کی . کجا . خداوند آنها را ملاقات نمود ؟ فقط در حوریب باشخص موسی تکلم فرموده و مأمور بتبلیغ بنی اسر ائیل شد . کتاب خداوند کجا و این عمل زشت کجا است . توره در عدد ۳ باب ۵ میگوید موسی و هرون هم همین دروغ رفتار نمودند . مضحک است . از محل اسر ائیلیان که در رمسیس مصر بود تا نزدیکترین موارد خاک فلسطین بیشتر از ۲۰۰ میل و تا شرقی اردن ۲۲۰ میل و تا بریه سینا هم قریب ۲۰۰ میل است . نمیدانم در این سه روز آنها بحرکت ملائم عیال و اطفال پیاده و سست روی گاو و گوسفند چگونه این مسافت طولانی را پیوندند ؟

﴿ قس ﴾ عجله در این جواب نخواهم نمود . بخوان بخوان

— خداوند خلف و عدنیفر ماید —

( همانوئیل ) باب ۳ و ۴ را خوانده قس هم تبسم مینمود —

گفتم - آقای قس - در این دو باب سؤالاتی است و مطالب را  
مختصر آعرضه خواهم داشت توره میگوید ( ۱ ) -  
« خداوند موسی وعده فرموده . مصریان را بمقوبات معجزات  
بکوبد . پس از این فرعون اسراییلیان را رها کند خداوند هم  
مصریان را و او دارد امتعه طلا و نقره و لباس با اسراییلیان عاریه  
و امانت دهند تا اسراییلیان آن امتعه را استلاب نمایند . خداوند  
هم دست موسی و هرون میباشد آنچه باید بگویند یاد میدهد .  
موسی هم معجزاتی که خداوند بر دست او جاری مینماید و فرعون  
را بآن مبتلی میکند همه را مشاهده خواهد نمود ، - و سپس  
توره میگوید « پس از اینکه موسی بطرف مصر متوجه شد  
و بوعده حق بشّاش و تبلیغ امر تصمیم داشت خداوند در  
بین راه باو برخورد و خواست موسی را بکشد ! برای جلو  
گیری اینمغنی تمهیدی بنظر صفوره « زن موسی میرسد و فوراً  
سنگی تیز برداشته پسر خود را ختنه مینماید و پای موسی را  
بخون آن رنگین کرده و خداوند هم موسی را رها میفرماید !  
- آقای قس - آن وعده ها با قتل چه مناسبت دارد ؟ چگونه

بزرنگی « صفوره » موسی را رها نمود  
نیز عدد ۱ تا ۱۴ باب ۴ خداوند بموسی آیات عصا وید باضآ .  
داده و بطرف فرعون ارسال فرمود . ولی . موسی از این ارسال  
بسبب کندی زبان وعدم فصاحت خود اعتذار می نماید لذا  
خداوند او را نصیحت فرموده و گفت باربانت خواهم بود  
و تو را خواهم آموخت — مراجعه فرمائید — باین عدد  
هم موسی میگوید « بشنوای آقا بفرست بدست هر که میفرستی »  
آیا این اظهار اظهار کسبی است که بوعدهای خداوندی تصدیق  
واطمنان داشته و رسالت را میپذیرد ؟ — آقای قس —  
آیا پیغمبر خداوند باین سوء ادب و خشونت باحضرت احدیت  
مکالمه میکند ؟

— شرم آور است —

توریه عدد ۱۶ این باب میگوید خداوند بموسی گفت ( هرون  
دهان تست . تو بزبان خویش باش ) — مجدّد در باب ۷  
عدد ۱ که خداوند بموسی گفت « خداوند فرعون هستی .  
و هرون هم پیغمبر تو میباشد » — آقای قس — عدد ۱۳ باب  
۲۳ در همین توریه خواهیم خواند خداوند بموسی و بنی اسرائیل



فرمود : اسم خدا یان دیگری را نخوانید و از دهان توشنیده نشود . — افسوس . افسوس عمر عزیز خود را باین بیانات یهوده و شرم آور توره تلف نمودم

— ﴿ جلال خداوند وعهد قدیم ﴾ —

( قس ) عزیز من — بایست ادآء مجد و جلال خداوندی را بطرز پسندیده و معقولی داشته و بجهل مر کب اتکاء ننمایم و کورانہ سلوک نداریم

شایسته است بیانات همین توره را بمنز ان کتب « عهد قدیم » گذاشته و بسنجیم « تفسیر یکدیگر بنماید این کتب » همه از یک سر چشمه آب میخورند — کتاب « ارمیا » کتابیکه جماعت یهود و نصاری انرا وحی الہی پنداشته . در عدد ۱۰ باب ۴ میگویند ( پس گفتم آہ ای خداوند یہوہ این قوم و اورشلیم را بفریفتن فریب دادی گفتی شمارا سلامتی خواهد بود و حال انکہ شمشیر بجان رسیده است ، — ( سفر اوّل پادشاهان و سفر دوّم ایام ) اسفاریکہ این دو گروه از انہا بوحی الہی تعبیر میدارند عدد ۱۴ تا ۲۳ باب ۲۲ پادشاهان اوّل و عدد ۱۳ تا ۲۲ باب ۱۸ ایام دوّم بیکن لفظ متذکرند

« میخا » پسر بعله به « اخاب » ملك گفت بشنو كلام خداوند را . دیدم خداوند بر کرمی خود جلوس نموده و لشکر آسمانی بر است و چپ او . فرمود کیست ؟ اخاب را اغواء نماید پس هر يك عرض اندام کرده و نظریات خورا اظهار داشتند . روح برخوارسته برابر خداوند ایستاد و گفت من اغواء میکنم . خداوند فرمود بچه ؟ گفت در دهان انبیاء روح کذب خواهم شد . فرمود . میتوانی و اغواء خواهی کرد . برو و بکن — ای عمازئیل این است کتب وحی ما ( گر که سنجیش بمقول . بمقول بسنج ) ولی . عجله ندارد

عدد ۳ باب ۱۲ سفر اعداد است که « موسی بسیار حلیم و از تمامی مردم حلیم تر میباشد . — مضحك است — این را گفته و از طرفی در ابواب دیگر است . عدد ۲۲ باب ۵ سفر خروج . « نزد خداوند برگشته ( موسی ) گفت . خداوند چرا بدین قوم بدی کردی چرا اسرائیلیه ببری فرستادی . عدد ۳۲ باب ۳۲ سفر خروج پس از آنکه اسرائیلیان پرستش گوساله نمودند . میگوئید « خدایا الآن هر گاه گناه ایشان را بیا صری و الا صرا از قدرت بیرون کن » عدد ۱۱ تا ۲۲

باب ۱۱ سفر اعداد است ( مختصر ) موسی بخداوند گفت  
 « چرا بنده خود پندی نمودی - مگر من اینهار از ایشانم . گشت  
 از کجا بیاورم - بر من دشوار است - خداوند فرمود -  
 خداوند بشما گشت میدهد . نه يك و ده روز بلکه يك ماه  
 است میخورید تا ملل کنید . موسی گفت قومی که در میان  
 آنها هستم ششصد هزار نفرند آیا گوسفندان و گاوان ذبح  
 میشود یا تمامی ماهیان دریا جمع میشود تا برای ایشان کفایت  
 کنند خداوند موسی فرمود آیا دست خداوند کوتاه  
 گردیده . الان خواهی دید . . . عدد ۳۳ مرور ۱۰۶  
 ( موسی بلبای خود ناسزا گفت ) در اصل عبرانی « و یبطا  
 بشقیو »

( همانوئیل ) - آقای قس - من از شما يك سؤال نمود و در  
 جواب بحیرتم میافزاید . ای کاش میدانستم مقصود از این  
 اظهارات است چیست  
 ( قس ) ذکاوت کجا رفته ؟ « برخیزان که خود زمشرق عرفان  
 کند طلوع »

﴿ همانوئیل ﴾ خواندم عدد ۱ تا ۱۴ باب ۱۲ . ( ملخص )

خداوند اسرائیلیان را بقربانی امر فرموده و گفت هر يك  
 سردر و دو قائمه اطراف آن را بخون قربانی خود رنگین دارند  
 تا خداوند حال زدن مصر این علامت را دیده از آنها بگذرد ،  
 گفتم - آقای قس - میفرمائید خداوند خانه های بنی اسرائیل  
 را نمیدانست ؟ تمیز نمیدارد ؟ محتاج بنشانه است - خوب -  
 بفرمائید - خداوند چگونه میگذرد ؟  
 ﴿ قس ﴾ این را هم بر امثالش افزوده و در دفتر خود  
 بنویس .

— اختلاف تراجم . و تحریف بهض آنها —

( عمانوئیل ) خواندم تا عدد ۲۸ باب ۲۲ . اصل عبری است  
 . « آلهیک لا تقال ونسیء بمعک لا تآر . » ترجمه حرفی .  
 « خدا ایانت را ناسزا مگذر و رئیس قومت را لعن مکن . » ولی .  
 مترجمین در اینجا بازی نموده اند . ترجمه یونانی بجای « لعن  
 مکن : بد مگو گذشته . و ترا جیکه در صفحه ۲۶ از نظر

محترم گذرانیده ام در نسخه ۳ و ۴ و ۵ نوشته است

« بخداوند ناسزا مگو و لعن منما و رئیس قومت را » نسخه ۱۰ هم  
 قریب بهمین مضمون است : نسخه ۱ و ۲ . سبب ممکن

قاضیان را و رئیس قومت را لعن مکن ، مانند نسخه ۷ و ۸ و ۹ - آقای قس - چگونه روحانیان لفظ « آهیک » را بقاضیان ترجمه نموده اند ؟ - بله . بله - کسیکه خدا تراش شده باین نوع ترجمه متعجب است و باکی از این تحریف و ترجمه نخواهد داشت . ( زروحانی این گونه شایسته نیست ) . چرا جهت چیست ؟

( قس ) یعنی تاکنون سر بسته هم نفهمیده و جهت را ندانسته اید ؟ مقصود شمارا نفهمیدم ؟ . بخوان

— ﴿ جسم مرئی خدا نمیباشد ﴾ —

( عمارئیل ) خواندم تا عدد ۹ و ۱۰ و ۱۱ باب ۲۴ « و موسی با هرون و ناداب و ابهو و هفتاد نفر از شیوخ بنی اسرائیل بالا رفت ۱۰ و خدای اسرائیل را دیدند و زیر پاهایش مثل صنعتی از عقیق آبی شفاف و مانند ذات آسمان در صفا ۱۱ و بر سروران اسرائیل دست خود نگذاشت پس خدا را دیدند و خوردند و آشامیدند ، گفتم - آقای قس - مگر خداوند جسم مرئی است ؟ برای او هم پامیباشد ؟

( قس ) . حاشا . خداوند جسم نیست و دیده نمیشود . ولی .

این حکایت در قرآن هم می باشد ؟ . مراجعه نمائید

﴿ قرآن میزان حقیقت است ﴾

( عمانوئیل ) آیه ۱۵۲ سوره نساء ( يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنْزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى الْأَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا ارْزُقْنَا اللَّهُ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ )  
اگر چه انزال کتاب از آسمان بزرگ و خلاف عادت است . ولی . رؤیت خداوند بزرگتر و خلاف عقل و عادت می باشد . . . آیه ۵۲ سوره بقره اسرائیلیان را سرزنش نموده . میفرماید ( وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ بِكَ حَتَّى تَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمْ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ) در حالتیکه خواستار رؤیت یا نگران صاعقه اید ( ۵۳ ثُمَّ كُنَّاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ كَعَمَلِكُمْ تَشْكُرُونَ ) - پس قرآن این تمنا را در خواستی سفیهانه می شمارد

﴿ قس ﴾ بله . بله — بخوان

— غلط توره عبری —

﴿ عمانوئیل ﴾ خوانده . خوانده و بر اوقات گران بهای خود افسوس می خورد . تا بعدد ۲۱ باب ۱۱ سفر «لاویان» سومین

اسفار تورهٔ رسیده . خواندم . اما از تمامی حشرات پرنده  
که بچارپا روانند که بالای پای آنها ساق برای جستن بر زمین  
دارند ایشان را بخوبید ، در تراجم عربی . هذائاً کلونه من  
جميع الطير الماشي على اربع وهو ماله كراغان فوق رجله  
يثب بهما على الأرض . . . گفتیم . - آقای قس - آنچه در  
تورهٔ عبرانی ، اشر لا کرعیم بمعل لرجلیو . ترجمه . آنچه  
ساقها برپاهای خود نیست ، پس چگونه نفی را باثبات ترجمه  
داشته و ندانسته اند در صورت اثبات باید ، اشر لو کرعیم ،  
باشد . چون ، لو ، در عبرانی بمعنی « له ، عربی و ، برای او ،  
فارسی است و ، لا . و نه ، در عبرانی و عربی و فارسی بیک  
معنی است

{ قس } این غلط در تورهٔ مکرراًست . عدد ۳۰ باب ۲۵  
سفر لاویان ترجمهٔ عربی « البيت الذی فی المدينه ذات السور ،  
فارسی . خانهٔ که در شهر حصار داراست ، همچنین سائر تراجم  
ولی . تورهٔ عبرانی باز « لا ، بجای ، لو ، مرادف ، برای  
او ، گذاشته . میگوید « هبیت اشر بعیر لاجه ، . . . عدد  
۲۱ باب ۲ سفر خروج ترجمین مینویسند « که او را برای خود

نام زد کرده ، تورہٴ عبرانی ، اثر لا یعدہ ، ( کہ اورا نام زد نکرده ) - حواشی عبرانی در تمامی ان موارد غلط مزبور را تصحیح کرده و بجای ، لا ، ، لو ، مینویسند . قرائت و تراجم ہم بہین نہج جاریست ( حواشی تورہٴ عبرانی را مراجعہ کنید . بیشتر از صد مورد در حروف افزوده یا کاستہ یا تبدیل نموده اند . قرائت و تراجم ہم بہین حواشی جاری است . زیرا کہ غلط اصل عبرانی بدیہی است . ولی شدت تمصب اصل عبرانی را بر صورت مغلوٹ گذاشته و در حواشی تصحیح نموده اند

﴿ عمانوئل ﴾ این غلط مکرر در کتاب آسمانی ؟ آنہم باشندہ و نویسندہ مثل مؤبی تعجب است ؟ بفرمائید از کیست . از کجا است . از چہ وقت است ( شکایب رفرنہ زکف تا یکی شکیبائی ) شما پی در پی فرمودہ من بنویسم - بفرمائید . بفرمائید

﴿ قس ﴾ عجلہ مکن ( ستیدی لاک الایام ما کننت جاہلاً ) صبر نموده . خود دارای کن ( بکوشش بہرہ منہ ان بہرہ مندند ) قرآن عجید میفرماید ( والذین جاہدوا فینا لنہدینہم سبلنا )



( عمانوئیل ) تعجب است . میبینم . بقرآن مثل زده و استشهاد میدارید .

— ﴿ قرآن مجید و بین پیغمبر او ﴾ —

• قس • چرا . بقرآن مجید مثل زده و استشهاد ندارم . نمی بینی . دارای حکمت و فلسفه حقایق . و حقیقت ارشاد است

• عمانوئیل • — آقای قس — می بینم — پی در پی قرآن تمجید مینمائید . آیا میفرمائید وحی الهی است ؟

( قس ) ( خود مجید است نه تمجید نمایم ان را ) لازم نیست که بگویم وحی الهی است . بله . کتاب حکیم علیم است و بگانه کتاب آبر و مند در حکمت . در هیچ بابی داخل نشده مگر حقایق را بهترین بیان جلوه دهد ( آنهم ) بانکه ( محمد ص ) با اعراب و حشی بت پرست زیسته و در آنها پرورش یافت آنها هم از فلسفه و معارف و مدنیت و اجتماع بهره نداشتند

( عمانوئیل ) پس ( محمد ص ) این علوم را کجا دیده و بچه مدرسه مهاجرت نموده است ؟

( قس ) ( محمد ص ) شخصی احمی بوده نمیخواند و نمینوشت .  
و در این مدت وطن و اقوام وحشی خود را مفارقت نداشته  
فقط مدت مختصری با خویشان خود بشام بعزم تجارت  
مسافرت نمود بعد از بادیه نشینان که بشهر رفته و شهر چهار پنج  
روز آذوقه خریده و بر میگرددند . هیچ درسی نمیخواند و آموز  
گاری نداشت . بتاریخ مراجعه کنید

( عمانوئیل ) - آقای قس - از این بیانات سرشار محترم بهره مند  
گردیدم . ولی . متأسفانه بسی پرده نمیفرمائید و یکمرتبه آسوده  
خاطر نمیکنید

﴿ قس ﴾ این مطلب را گذاشته - بتوریه و درس خود  
مراجعه کن

( عمانوئیل ) توریه را خوانده . و در آن خرافات و چه بکرره  
و کفرهای پی در پی مشاهده مینمایم - ولی - قرآن همین  
قسم است که میفرمائید . در هر بابی که دلائل شده بهترین  
بیان حقائق پوشیده را جلوه میدهد - در این صورت -  
باز بگویم توریه کتاب خداوند و قرآن کتاب بشر است ؟  
آنها بشری که در بین يك دسته بت پرست وحشی پرورش

یافته و تحصیل هم نداشته است و صاحب یگانه کتاب هدایت و حکمت میباشد . کتابیکه . مصلح دینی و سیاسی و اجتماعی و فلسفی دانشمند در آن خوض نموده و استفاده مینماید

﴿ قس ی ( خندان ) عجب است !! مگر در عهد جدید مقدس عدد ۲۱ و ۲۵ اولین نامه که یا هل قرن تس است نخوانده اید ؟ نگفت ( خداوند پسندید که مؤمنین را بجهالت موعظه یا حماقت موعظه خلاصی دهد - زیرا که جهالت خداوند . یا حماقت خداوند از مردم حکیم تر است !!

( عمانوئیل ) - آقای قس - اگر همین سؤال مسلمانانی بمن اعتراض میداشت . جواب هم این بود . آیا میپزیرید . بمثل جواب شما بانها جواب بگویم !

( قس ) تو هم قبول داری ؟ !

( عمانوئیل ) نه - آقای من

( قس ) پس عقل خود را حاکم نموده . و بخوان ( برخوان که برآید از افق هور )

﴿ جلال خداوند . قدس انبیاء . بیانات عهدین ﴾

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا عدد ۱۲ باب ۲۰ سفر افسس

( خداوند بموسی و هرون گفت چونکه بمن ایمان نیاورده  
اید ) . گفتم - آقای قس - مگر موسی و هرون بخداوند  
ایمان نداشتند ؟ !

﴿ قس ﴾ نیز عدد ۱۴ باب ۲۷ اعداد است خداوند بموسی  
و هرون خطاب فرمود « شما از قول من عصیان ورزیدید »  
.. عدد ۵۱ باب ۳۲ سفر تثنیه « مرا خیانت نموده اید » —  
ای همانوئیل — بک نفر از قسیسهای محترم ما . موسوم به  
« ولیم اسمت » بذکر اسحق پیغمبر رسیده . و می بیند که توره  
باین شخص نسبت دروغ داده . و سایر پیغمبران هم دروغ  
گو . و . شمرده است « میگوید » کمال در بشری موجود  
نیست مگر دریگانه کامل بی نظیر . و اسف آوراست متربان  
الهی هم محتاج بو عظم باشند ، بکناب قسیس مذکور « طریق  
الاولیاء » مراجعه فرمائید

( همانوئیل ) . گویا . ولیم است نمیدانست توره بخداوند  
متعال هم نسبت کذب داده . و ما را ناصح و راستگو میداند  
. البته . حکایت آدم و درخت و مار و نهی خداوند را فراموش  
نفرموده اید « نیز » در بدو ارسال موسی امر نموده که موسی

باشیدوخ اسرائیلیان نزد فرعون رفته و دروغ بگویند . عدد ۱۰ باب ۴ کتاب ارمیا گفتیم ای خداوند یهوه این قوم و اورشلیم را بفریفتن فریب دادی گفتی شمارا سلامتی خواهد بود و حال آنکه شمشیر بجان رسید است . استعانتی هم که خداوند متعال برای اغواء اخاب بروح کذب داشت مراجعه فرمودید : آن مواد هم در صفحه ۹ و ۱۱ و ۹۲ تا ۹۷ مذکور است و این گونه نسبتهای زشت دو کتب وحی ما سرشار میباشد « نمیدانم » ولیم اسمت . این امور را ندیده یا خود داری کرده است - آقای قس - بفرمائید مقصود ولیم اسمت از یگانه کامل بی نظیر کیست ؟

( قس ) آیا مسیح نیست ؟

( عمانوئیل ) در عدد ۲ تا ۱۱ باب ۱۷ انجیل یوحنا . برادران مسیح باو گفتند در این عید یهودیه بیت المقدس بروید مسیح گفت شما بروید من در این عید نخواهم رفت - سپس خودش مخفیانه میرود . آیا . این دروغ نیست ؟ کاش انجیل ما همین نسبت زشت اکتفا نموده و دامن قدس مسیح را بچیزهای دیگری چرتین نمیداشتند - جزء اول ( الهدی ) صفحه ۱۹۷ تا

۲۳۴ متذکر است سرّاجه فرمائید . کاش ولیم اسمت حاضر بوده مسیح را هم موعظه میداشت

( الیمازر ) مدتیست بقرائت توره و مذاکرات شما گوش داده - نمیدانم بیانات توره را انکار کرده یا حق کشی نمایم - زیرا که کتاب خداوند است . و از طرفی بیانات آن بگله فرو نمی‌رود - جناب قس - ( بگو . بگو . مگذر کو فرارگاه مرا ) ( قس ) بنور هدی و توفیق یگانه فرزند دانشمندت عمانوئیل در اطراف این مطالب بحث مینماید و امید است بزودی موفق و بهره مند شود - ( من ) نمیخواهم بدون پرهان و مراجعه وجدان قول احدی را تصدیق نموده و مترصد تصدیق و تکذیب من یا دبگری باشید . انشاء الله مذاکرات ما گوش داده بهره مند خواهی شد . ممکن است شما هم در ضمن مذاکرات ما امتیضاح نمائید

— جرئت . و سوء ادب —

﴿ عمانوئیل ﴾ در شماره ۹ صفحه ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۵ مجله العرفان صیدا است دست یکی از تلامیذ مکتب فرار کتابی فرانسوی چاپ سنه ۱۹۲۳ مشاهده نموده و اسم کتاب مختصر

تاریخ فرانسه است و در پشت آن مؤلفین را جماعتی از استادها نوشته اند. و از مکتبه کاتولیکی در لیون و پاریس شخص خواستار بطلبد — از مندرجات آن کتاب در چاپ تازه صفحه ۲۴ و در چاپ کهنه صفحه ۲۲ این دو جمله زشت موجود است ( ۱ )

« اصل عرب از بلاد عربیه است و دین محمد دروغگورا اختیار نموده اند. اینکه بر اتباع خود واجب و مقدس نموده دین خود را بقتوه سلاح نشر داد ( ۲ ) » آلهائی که متابعت پیغمبر دروغگوی خود را داشته اند. . . — نیز جمله ارشاد بغدادی صفحه ۴ و ۵ عدد ۳۲ روز شنبه سنه ۱۳۴۵ مقالاتی بامضاء و توقیع جمعیت عالمیه صلیبیه برای تنصیر عالم و بلاد عرب نقل نموده و مرکز این جمعیت عمارة ۱۹ هیلندرود ابرو نورود لندن. و رئیس جمعیت مستر استند و مراقب ( قس بارکلین است ) از تجربات آن مقاله هم این دو جمله زشت میباشد ( ۱ ) « برای عرب دعا کنید تا خداوند آنها را از شیطانیکه برای آنها کتابی پیوده ساخته و فریب خورده اند نجات دهد. و آن قرآنیست که محل کلمه الله الحیه یعنی انا جیل، جای گرفت » — ( ۲ )

« حاج زیادی برای حج مکه قطع پیاپیها مینمایند و ذرمکه

تولد ان پیغمبر دروغ گیر است ۱۱ - آقای قس - چرا اقلًا  
 این نویسندہ گان بادیب اناجیل رفتار نکردہ و نگہبان شرف  
 دین و انسانیت نیستند ؟ بہ پیغمبر مسلمانان این گونه نامہ را  
 میگویند و او را دروغگو میخوانند . مگر عدد ۴۴ باب ۵ انجیل  
 متی و ۲۸ باب ۶ انجیل لوقا از تعلیم مسیح نیست و از برای  
 آنها کہ شما را امن میکنند برکت طلبید . ندیدہ اند - روشن  
 و بدیہی است کہ چہل سال از سن آنحضرت گذشتہ و ہمہ مردم  
 در این مدت او را ( راستگوی امین ) مینامیدند و همچنین  
 بعد از این مدت و تا حال تجارت از مکہ درست و دشمن اموال  
 قیمت دار خود را نزد او ودیعہ میگذاشتند . بلہ . بلہ صردمان  
 و حیثی بُت پرست از روی شعف بشرک در خصوص دعوت  
 توحید و صلاح و شریعت مدنیہ او را نہ کہ مذہب مدعی شدند  
 . از جملہ این دعوت ( لا تقولوا ثلاثہ انہوا خیرا لکم انما  
 اللہ آلہ واحد ) است . پس چرا قوم ما بنا بر اعتقادیکہ بلورہ  
 دارند فقط در این موضوع او را تکذیب نمودہ اند ؟ ۱ - آقای  
 قس . آقای قس . مگر شایستہ است باین بگانہ کامل و مصباح  
 بزرگ نامہ را گفتہ و خود را در عالم دین و انسانیت تنگین دارند



﴿ قس ﴾ میگویند ( چه گویم که ناگفتم بهتر است ) . ولی  
 باید گفت چنانچه تاریخ متذکر است : پیغمبر مسلمانها دین  
 خود را بجدیت و لطف دعوت و کمال تحمل و رنج داشته  
 . و بقوت سلاح پیشرفت فرمود . بلکه بعد از دوازده سال نظر  
 بجایگیری بُت پرستان از پیشرفت موحّدین و ظهور توحید .  
 و حملات خونین مشرکین . انحضرت هم بمقدار لازم دفاع  
 فرموده و حمایت حقوق میداشت - ای عمانوئیل - تاریخ  
 زنده گانی این یگانه مصلح کامل صراحه نموده و به بین که در  
 تمامی حروب سبقت بستیزه نمود و ستیزه عدوانی فرمود  
 ( الیعا زر ) -- آقا . آقا -- گرفته نشوید . مگر توبه و کتب  
 عهد قدیم خداوند جل و علا را کذب و کذب آموز نداشته است  
 . مگر کتب عهدین مسیح و جمله از انبیاء را کذب نشمرده اند  
 . اینها هم به پیروی کتب وحی خود نموده . پیغمبر مسلمانان را  
 هم مانند خدا و مسیح و جمله از انبیاء کذب می شمارند ( عیب  
 باشد دروغ یا هنر است ) ؟ نمیدانم  
 ( قس ) - عمانوئیل - شما هم گرفته نشوید . اهمیت ندارد .  
 بخوان . بخوان

— تورہ و قتل زنان و کودکان —

( عمانوئیل ) خواندم تا عدد ۱۷ و ۱۸ باب ۳۱ سفر اعداد دیدم ( پس از آنکه اسرائیلیان بر مدیانیان غلبه نموده و زنان و کودکان آنها را دستگیر و اسیر داشتند موسی امر داشت پسران کودک و زنان یتیم را کشته و دختران باکره را برای خود نگاه دارند و عدّه آنها سی و دوهزار بود — یکمربّه صورت خود را بطرف پدر و قس کرده گفتم مگر قتل زنان و کودکان شریعت الهی است — وای . وای . در صورتیکه عدّه دختران باکره سی و دوهزار بود عدّه پسران و کودکان و زنان مقتول چه قدر است ؟

( قس ) ای عمانوئیل . عدد ۳۴ باب ۲ سفر تثنیه متذکر است ( موسی گفت ) ( تمامی مردان و زنان و کودکان شهرهای اموریان را هلاک کرده و احدی را باقی نگذاشتیم ) در عدد ۶ باب ۳ سفر مذکور است ( و تمامی مردان و زنان و کودکان مملکت عوج را هلاک نمودیم ) — عدد ۳۴ باب ۲۱ سفر اعداد تذکار میدهد ( این اقدام هم با صر خداوند بود ) . خوب است عدد ۱۶ و ۱۷ باب ۲۰ سفر تثنیه را صراحتاً

داشته به بنید چگونه خداوند اسرائیلیان را امر نموده و گفت  
( شهرهای حثیان و اموریان و کنعانیان و فرزین و یسوسیایان  
تاراج کرده و از بشر و بهائم هیچ کسمه و دیاری را باقی  
نگذارند ) -- یوشع هم در محاربات خود همین قسم نموده و عده  
مقتولان از غزوات پیشتر از صد هزار زن و کودک بود ( بسفر  
یوشع مراجعه شود )

﴿ عمانوئیل ﴾ حماقت این شریعت شخص را خندانیده -  
و قساوت او میگریاند ( بهره قتل چارپایان چیست ) ؟ قتل  
زن و کودک چه قدر مؤثر میباشد و شخص را میگریاند -  
پدر - پدر بزرگوار وجدان شما میپسندد قتل زنان و کودکان  
شریعت الهی بوده باشد ؟

( الیمعازر ) شریعت خداوندی باین درجه قساوت و بربریت نبوده  
و نخواهد بود . ولی . با حضور حضرت قس اظهار عقیده از من  
بیجا است و امید است سبب را بیان فرمایند

﴿ قس ﴾ گویا گذارشهای سابقه که در اطراف آنها  
کنجکاو بوده و نمیدانستیم بیانات توره است ؟ یا ...  
فراموش نموده و اینک از سبب همین بک گذارش سؤال

میسجائی .


( الیمازر ) خوب . خوب . مسبوق شدم . سبب تمام را  
بفرمائید

( قس ) خود داری نمائید . گفته اند ( هر سخن جائی  
و هر نکته مکانی دارد ) — عمانوئیل . عمانوئیل . بخوان .  
بخوان .

— منازل اسرائیلیان و توره —

( عمانوئیل ) باب ۳۳ سفر اعداد . بترتیب . منازل اسرائیلیان  
را از مصر تا عبراردن محل وفات موسی ذکر مینماید . — میگوید  
— از طور سینا تا موسیر و مسیروت ۱۵ منزل است سپس .  
چاههای بنی یقمان . هور الجد جاد . یطبات . عبرونه . عصیون  
جابر . بیابان صین . قادش . کوه هور مردنگاه هرون .  
صلامونه . فونون . اوبوت . عی عباریم . دیبون جاد . علمون  
دبلاتایم . عربات مواب مقابل اریحا — و در باب ۳ و ۴ و ۸  
و ۱۶ سفر اعداد است که خداوند سبط لاوی را برای خدمت  
خیمه اجتماع و برداشتن تابوت عهد در دلمنه طور سینا ( فرود  
گاه اسرائیلیان ) مقرر فرموده است . و بدیهی است نوشتن

دولوح عہد و بخشش آنها از خداوند در مرتبہ اول و دوم در  
سینا بوده و قبل از حرکت اسرائیلیان از سینا  
( قس ) غرض شما از این بیانات چیست ؟

( عہد انوئل ) مقدمہ تقدیم داشتم و سپس مقصود خود را  
عرض خواهم داشت - شروع بقرائت کرده بباب ۱۰ سفر  
تثیہ رسیدم - عدد ۱ تا ۹ مہگوئید - مذاکراتی کہ موسی  
با خداوند در مرتبہ دوم در اطراف دولوح داشتہ و روزہ کہ  
گرفت مانند مرتبہ اول چہل روز بود - در این بین کلام  
رابی ربط بریدہ میگوید " و اسرائیلیان از چاہہای بنی یقمان  
بموسیر ( ۱ ) ککوح کردہ و در آنجا ہرون مرد و بسرش  
الہا از را بکہات پرداخت و از آنجا بجدجودہ و از جدجودہ بہ  
یطبات کہ محل آبہای جاری است رفتند و در این وقت خداوند  
سبط لاوی را برای برداشتن تابوت عہد و خدمت خداوندی  
گماشت - آقای قس -  گذاشتم بفرمائید چرا تون  
( ۱ ) موسیر و مسیرون  
الجدجدباد و جدجودہ بقاء

ہور گفتمہ و در اینجا موسیر می شمارد . نمیداند موسیر ہشت منزل قبل از ( کوہ ہور ) است ؟ ! بفرمائید قصہ دلولوح و خدمت گذاری لاویان چہ مربوط باین جملہ بود ؟ نمیدانم تورہ ہم مانند اسرائیلیان تہرہ حضرت حق نمودہ و در ترتیب منازل و مردنگاہ ہرون سرگردانست

﴿ قس ﴾ راست میگوئید ہدیچ یک بسابق خود مربوط نیست و بین اہم اتناقصات بزرگیست ولی ( چکنم . چارہ چیست آ . افسوس )

( عمانوئیل ) - شاید نیست . - ترجمہ کہ در سنہ ۱۸۱۱ طبع گردیدہ خود سرانہ در این مقام تورہ تازہ مینویسد . میگوید : « ہنگامیکہ خداوند شفاعت مرا راجع بہرون پذیرفتہ ایستاد تا اسرائیلیان از چاہنای بنی یعقوب و موسیر کوچ گردندہ اسخ این ترجمہ و سائر تراجم واصل عبرانی را مراجعہ فرمائید . این نویسنده بیچارہ جملہ « و ہنگامیکہ خداوند شفاعتم را راجع بہرون پذیرفتہ و ایستاد تالفظ » تا « بر تورہ عبری و سائر تراجم افزودہ است . متأسفانہ باین زیادہ بیخود ہم اصلاح خالی نداشته و کلام را پیوستہ نمودہ .

( قس ) آنچه نخواهی شده بگذر بخوان

— پیغمبر موعود - و توره —

✽ عسانوئیل ✽ خواندم . خواندم تا بیاب ۱۸ سفر تثنیه  
رسیده عدد ۱۵ تا ۲۳ میگوئید در تبلیغ موسی به اسراییلیان  
وحی خداوند را . یهوه خدایت نبی را از اقرباء تو از برادرانت  
مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید او را بشنوید . موافق  
هر آنچه در حوریب در روز اجتماع از یهوه خدای خود  
مسلات نموده گفتی آوای یهوه خدای خود را دیگر نشنوم و این  
آتش عظیم را دیگر نه بینیم مبادا بمیرم . و خداوند بمن گفت  
آنچه گفتند نیکو گفتند نبی را برای آنها از میان برادران ایشان  
مانند تو مبعوث خواهم کرد . و کلام خود را در دهانش خواهم  
گذاشت و هر چه با او امر نمایم بآنها خواهد گفت . و هر کس  
سخنانیکه باسم من گوید نشنود از او مطالبه خواهم نمود اما منی  
که طغیان کند باسم من سخن گوید که بگفتنش امر نفرمودم  
یا باسم خدایان دیگران سخن گوید البته این نبی کشته شود .  
اگر در دل خود بگوئی سخنی که خداوند او را نگفته است  
چگونه تشخیص دهیم . هنگامی که نبی باسم خداوند سخن

گوید اگر این چیزی که گفته است واقع نشود و یا انجام نرسد این امریست که خداوند نگفته است بلکه ان نبی از او را از روی مکر گفته از او مترس .

ترره را کنار گذاشته . گفتم . آقای قس . آقای قس . این نبی موعود کیست ؟

﴿ قس ﴾ عهد جدید میگوید مسیح است . بطرس در عدد ۲۲ و ۲۳ باب ۳ اعمال رسولان بهمین کلام احتجاج نموده و استفانوس هم عدد ۳۷ باب ۷ اعمال مزبور تجدید احتجاج داشته و میگویند مسیح همان نبی موعود در توره است — مگر شما تصدیق ندارید ؟

— مسیح . و اناجیل —

﴿ عسانوئیل ﴾ . نه اناجیل مقدسه نمیکنند بار رکنتم — انجیل متى عدد ۳۸ تا ۴۱ باب ۱۲ مسیح در جواب گفته و فریسیانی که مطالبه آیتی از او نمودند گفت « طبعه شریر و فاسق مطالبه آیتی دارند و جز آیه یونس نبی باو داده نخواهد شد . زیرا بنحوی که یونس سه شب و سه روز در شکم ماهی ماند پس انسان هم چنان سه شب و سه روز در شکم زمین خواهد ماند »



— مراد — معجزهٔ مسیح از خداوند آنست که پس از موت در شکم زمین ( یعنی قبر ) سه شب و سه روز مانده و سپس زنده خواهد شد ( با آنکه ) اناجیل در ابواب اخیر میگویند در قبر نماند مگر آخر روز جمعه و شب و روز شنبه و پایی از شب یکشنبه . و زنان پیش از طلوع فجر یکشنبه بسوی قبر شتافته و او را در قبر نیافتند و فرشته بآنها گفت مسیح از میان مرده گان برخاست — آقای من — اناجیل مقدسه میگویند . مسیح سخن گفت بنام خداوند و آن سخن نیامده است . آنها که دروغ بود و در توره است « پنجم دروغ گو بایست کشته شود » پس بقول اناجیل مسیح پنجم موعود نیست — اضافه بر این در همین اناجیل است که مسیح دیگران را هم ( خدایان ) خواند — بعدد ۳۱ تا ۳۷ باب ۱۰ انجیل یوحنا مراجعه فرمائید « مسیح بیهمه گفت چرا مرا سنگسار میکنید گفتند چون تو انسانی و خود را خدا میگردانی گفت در ناموس شما نوشته است که من گفته ام شما خدایانید پس آنها ئیکه کلام خداوند بر ایشان نازل شد خدایان خواند و ممکن نیست کتاب منقوض شود » — آقای قس — این انجیل میگوید مسیح قائل بتعدد آله بود

و در این امر بنام موس یعنی بنام میر استشهاد نمود . گویا این مستشهد کلام خداوند را نفهمیده یا عمداً افتراء زده است چون هر کسی بمزمور ۸۲ مراجعه نماید میداند که ( من گفتم شما خدا یانید ) در مورد انکار بوده و بر قاضیان جور و بی‌هم و بی علم سرزنش زده است

و نیز اناجیل تعدد ارباب را بمسیح نسبت داده اند . باب ۲۲ متی و ۱۲ مرقس و ۲۰ لوقا متذکر است که مسیح پسری داود را انکار کرده بر این انکار دلیل میاورد « چگونه میگوئید مسیح پسر داود است بانکه شخص داود در زمان پسر خود میگوید پروردگار به پروردگار من گفت بدست راست من بنشین تا دشمنان تو را پای انداز تو کنم و چون داود او را بروح القدس پروردگار میخواند چگونه پسر او میباشد . — آقای من — این گوینده و نویسنده در این مقام بتعدد ارباب اکتفا نکرده بلکه زمان پسر را تحریف نموده و افتراء زده است . در اوّل مزمور ۱۱۰ اصل عبری است ( نأْم بهوه لأدْنای شب لیعبنی ) ترجمه « وحی نمود خداوند بآقای من » یا « وحی خداوند برای آقای من » . « آدن » در لغت عبری « آقا » و

• ادنای . آقای من است • ( پروردگار ) هم که در بین نیست . ( آقا ) هم ممکن است انسان باشد . آقای من . اگر در این تحریف سهل انگاری نمائیم پس تحریف زشت چیست و کدام است ؟ بفرمائید . آقای قس . اناجیل ما بواسطه این نسبتها اینکه بمسیح داده میگویند . مسیح همان پیغمبر موعود در توره نیست بلکه نقطه مقابل آن پیغمبر درستکار موعود است - آقای من - کسیکه قائل بتعدد آله و ارباب . و مزامیرا علناً تحریف نموده آیا شایسته پیغمبری است ؟ یا چنانچه توره گفته آیا دارای علامت متنبی کاذب و واجب القتل نیست ؟

• آقای من . در توره است ( که اسرائیلیان از شنیدن کلام خداوند و مصادفة احوال و آتش عظیم ترسیده و از مقام احدیت خواستار شدند . خدا یا بروش دیگر کلام خود را صادر فرما . خداوند هم پذیرفته و فرمود . کلام خود را در دهان آن پیغمبر خواهم گذاشت . ولی . بمقتضای عهد قدیم و جدید خداوند کلام خود را در دهان مسیح و سایر پیغمبران سلف نگذاشته . بلکه تمامی آنها از روی الهام بکلام عادی خودشان

با مردم تکلم میدارند - آقای قس - توره میگوید آن پیغمبر موعود از بنی اسرائیل نیست و از برادران آنها است و از این صراحه میداریم که مسیح بمناسبت مریم مادرش از اسرائیلان است نه از برادران آنها

( قس ) در جائی دیگر بنی اسرائیل میگوید « از میان تست » مسیح هم از میان آنها است

﴿ عمانوئیل ﴾ آنچه در توره عبری است « مَـقَرَّبَك » میباشد یعنی از خویشان تست . نگفته « مِـتَوَكَّك » زیرا وسط . و میان در لسان عبری « تَرَك » است اضافه بر این در شمارها پی در پی ( از برادران ) میگوید

﴿ قس ﴾ — عمانوئیل — پس چگونه تراجم مقدسه ما « مَـقَرَّبَك » را به « مِـنْ وَ سَطَّاك » از میان تست « ترجمه نموده اند .

— شترسوار و غرض رانی مترجمین —

( عمانوئیل ) - آقای قس - مترجمین کتب مقدسه ما غرض رانی نموده و باینگونه تحریفات زشت و تعصّفات فضیحت آور متعمدند . تحریف « وحی پروردگار باقای من » را در ورق

قبل ذکر شده - و در عدد ۷ باب ۲۱ کتاب « اشعیا »  
 به بینید که « سواران جفت . خرسوار و شترسوار » را به « فوج  
 سواران جفت جفت . سواران خرها و سواران شترها » تحریف  
 داشته و اصل عبری را کنار گذاشته اند . اصل عبریست  
 « و راه ركب صمد فرسيم ركب حمور و ركب جل » سواران  
 در عبری « ركبیم » و با اضافه « ركبی » اقلأ در ( سفر قاضیان )  
 ع-بری عدد ۱۰ باب ■ و عدد ۴ باب ۱۰ و عدد ۱۴ باب ۱۲  
 مراجعه نموده . و لفظ شترها « جلیم » است اقلأ سفر تکوین  
 ع-بری عدد ۶۱ باب ۱۲ و عدد ۳۰ و ۳۱ و ۳۵ باب ۲۴ را  
 مراجعه فرموده . و لفظ خرها « حموریم » میباشد اقلأ سفر تکوین  
 عبری عدد ۳۵ باب ۲۴ و سفر اعداد . عدد ۲۸ و ۳۰ و ۳۴  
 و ۳۹ باب ۲۴ را مراجعه فرمائید . و لفظ خر « حمور » است اقلأ  
 سفر خروج عبری عدد ۸ و ۹ باب ۲۲ ملاحظه شود . و لفظ  
 شتر « جل » میباشد اقلأ سفر لویان عبری عدد ۴ باب ۱۱ و سفر  
 تثئیه عدد ۷ باب ۱۴ را مراجعه فرمائید

( قس ) راستی ( ابن تحریف فضیحت آوراست ) و نمیدانم در  
 کدام ترجمه است

( عمانوئیل ) در جمله از تراجم چاپ بیروت و غیره میباشد از انجمله نسخ ۳ و ۴ و ۵ که در صفحه ۲۶ ذکر شد . بله . در نسخه ۸ و ۹ این تحریف نیست

﴿ قس ﴾ میدانی مقصود آنها از این تحریف چه بوده است ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ این کلام در کتاب اشعیا بنبوتی برجسته و ریاستی دینیّه اشاره داشته . و مسلمین هم مسیح را همان خرسوار . و پیغمبر خود ( محمد ص ) را همان شترسوار میدانند . لذا . مترجمین غرض رانی کرده خرسوار و شترسوار را خرسواران و شترسواران نموده اند — بنده همچو تصویر مینمایم .

( قس ) — فرزند — این تحریف هم زیانی بمسلمین نمیرساند . و باز هم برای آنها سودمند است

— ای عمانوئیل — فعلاً این را گذاشته . بگوئید . نظر شما در معرفت این پیغمبر موعود چیست ؟ و شخصیکه توره میگوید ( خداوند او را مانند موسی نصب مینماید ) چه کس است ؟

و چه مدرکی داری

— پیغمبر اسلام —

( عمانوئیل ) توجّهی بسیار خود نموده سپس بحضرت قس اظهار داشتم اگر چه مذاکره و بحث بهترین وسیله کشف واقع است . ولی . من کجا و این معنی — بله . بله — مسلمانها بر ما اقامه دلیل کرده و میگویند توره پیغمبر آنها ( محمد ) اشاره مینماید . بآنها گفتم خیر . خیر مسیح است . آنها هم بدینانائیکه قبلاً بحضرت عالی اظهار نمودم جواب مرا داده . دیگر جوابی نیافته بآنها بگویم — بلکه پس از اظهار عقیده گفتند پیغمبر ما از اولاد اسماعیل پسر ابراهیم است و از برادران بنی اسرائیل شمرده میشود . و این مطالب را تاریخ عرب و تصدیق قبائل اعراب در طبقات عدیده روشن داشته و اذعان قحطانیان تأیید میدارد . و البته در صورتیکه قابل خدشه بود قحطانیان این فخر را برای عدنانیان نمیگذاشتند . و ( محمد ) ص شخصی است که خداوند کلام خود ( قرآن ) را بدهان و زبان او مانتد کلام خود باموسی در گبه سینا گذاشته . نه بنحو کلام انبیاء باقوم خودشان در تبلیغ وحی خداوند را چنانچه در کتب عهدین است

### — ﴿ اخبار پنهانی در قرآن ﴾ —

و نیز ( محمد ص ) بنام خداوند سبحان بامه رغیبة بزرگی در  
 ( قرآن ) خبر داده . و تمامی واقع گردیده است ﴿ ۱ ﴾  
 آیه ۹۵ سورة حجر مکیة است که در بدء بعثت مردم را بدین  
 مقدس اسلام دعوت میداشت و خداوند هم او را بشارت  
 داده فرمود ( انا کفیناک المستهزئین ) ( استهزاء کنندگان  
 تو را کفایت میکنم ) و بر طبق این بشارت خداوند آنحضرت  
 را بشرفترین کفایت سرافراز فرموده است ﴿ ۲ ﴾ آیه  
 ۹ صف مکیه است ( لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون )  
 و او را به بهترین اظهار بر تمامی دین اظهار فرمود . و قریب  
 همین مضمون آیه ۳۳ سورة براءت قبل از فتح مکه است ( ۳ )  
 سورة « تبت » مکیة در عاقبت ابوالهب و زلش ( سیحلی ناراً  
 ذات لهب و امراته حمالة الحطب ) « بازن هیزم کش خود  
 داخل آتشی زبانه دار خواهد شد » آنها هم بآئین شرک سرده  
 و باین سبب مستوجب دوزخ شدند « ز آئین مشرک بر آتش  
 رهی است » — مختصر — آنچه در قرآن کریم خبر داده



( قس ) آیادایل مسلمانان منحصر بهین ( اشاره توره ) بود

که خداوند او را نصب خواهد فرمود

••••• عمانوئیل ••••• خیر . خیر . بسیار است ودلائلی روشن دارند . ولی . بایهود و نصاری به بیانات توره مناظره مینمایند .

( الیمار ) -- عمانوئیل . عمانوئیل -- آرام . آرام -- بی

حرف -- هیدینم مانند پکنفر مسلمان متعصب مکالمه مینجائی

-- آقای قس -- مگر همیشه نوید پیگروه بساحت مسیح و مقام

برجسته او طعنه میزند

( عمانوئیل ) ای پدر بزرگوار من کجا مسلمین کجا . آنها را چه

یمن . فقط برای پا بر جائی دین خود کوشش نموده و طریقه

حقه را خواستارم -- پدر . پدر -- مستحضرید که تعصب

بکلام دروغ یهوده است آیا در کلام من دیده شد ؟ . متنی

است در کلمات بنده و اظهارات عهدین دقت فرموده تشخیص

دهید انگاه بفرمائید من بقدس مسیح و رسالت او جسارت

نموده ام یا انجیل مقدسه ما ؟ -- بسر مبارک -- آنچه بر شما

مستور بزرگتر و بزرگتر است از آنچه میدانی

( الیماز ) - فرزند - طعنه هم که قرآن و مسلمانان بر سالت و قدس مسیح زده اند متابعت نمودی پس تکلیف من چیست و پس از این چکنم

- ﴿ قرآن و مسیح . و تثلیث ﴾ -

( عماوئیل ) معذرت میخواهم بخشید . با سلام و قرآن مرا کار نیست . . ولی . حق باید گفته شود و انصاف جمال بشر و شرافت انسان است . قرآن یگانه کتابیست که مسیح و رساله او را تمجید نموده . و دامن قدسش را به نسبتهای اناجیل چرکین نمیدارد . و میتوان گفت در اطراف قدس مسیح اغلاط اناجیل را تصحیح مینماید

بله . بله . قرآن عقیده تثلیث برهمی بود آئی رومانی نصاری را تنقید داشته . و مسیح را از این عقیده تبرئه میدهد .

( الیماز ) در صورتیکه قرآن احترام قدس مسیح را نهد و نگهبان شرافت او میباشد من هم آنرا تقدیس میدارم . و بنفس خود مقدس است - اما تثلیث که مخالف عقل و زبان است . و از اول عمر بان عقیده نداشته ام . ولی . قهپسان مرا

آموخته و میخواهند کور کورانه تصدیق کنیم . وجدان کشیم و گفته یهوده بشنوم . - بطوریکه وجدان خود رجوع نموده . و بعقل ذره بین خود انسنجیم - آقای قس - عفو بفرمائید . نمیفهمم چگونه خداوند یکتا دارای سه اقنوم است ( یکی ) پدر در آسمان ( دوم ) پسر که در زمین متجسد گردید . پسریکه گرسنه و تشنه میشود . میخورد و مینوشد . کشته میشود ( سیم ) روح القدس . بالا میرود . پایین میاید و بالا خره بشاگردان قطعه قطعه منقسم گردیده است ( این سه یکی یکی سه . سه يك يك سه چیست چیست ؟ ) به بخشید من شخص تاجر محاسبی هستم . نمیدانم . نمیرسم . واحد حقیقی چگونه سه است . و سه که دارای صفات و آثار مختلفه است چگونه یکیست ؟ - آقای من - معذرت میخواهم . بنده از مردمان متوسط هستم و معنی تجسد آله را نفهمیدم خواهشمندم بر من منت گذاشته و اینها را بمن بفهمانید

( قس ) - جناب الیماز - اگر تعقل این امر ممکن بود دیگر قسسیسان شما خواستار ایمان بسیط نبوده و اقامه

برهان مینمودند

( الیعازر ) - آقا - اجازه میدهید بهمین ایمان بسیط کورانه  
خود باقی باشیم ؟

( قس ) چرا از من استثنای مینمائی . من هم مانند تو یک نفر  
مخلوق میباشم . برو . و بدلات عقل و وجدان خود از خداوندت  
استثنای نموده و نجات خود را خواهان باش . فعلاً خود داری  
داری و صبر کرده . عجله مکن

( الیعازر ) - آقای من - تا چند . تا کی . صبر تمام . من که  
شخص تا جری هستم اگر وقت مطالبه سندم برسد آنی  
مدیون فرصت نمیدهم . بفرمائید . چگونه در اطراف دین  
خود کنجکاو نبوده و در این موضوع خود داری کنم . بانکه  
دین یگانه سبب نجات و سعادت است

( قس ) . ای الیعازر . اگر مدیون بگوید . شب است . توهم  
در کسالت خواب هستید . راه هم مغشوش میباشد و پول  
شما نزد من حاضر است . رلی . تا صبح من باشما بوده . پس  
از رفع کسالت خواب وجه را تقدیم خواهم داشت . از رقت  
در سکه پول دقت کرده و باروشنائی و فرصت کاملی بشمارید

( ۱۳۳ ) توره . و کسیکه بگوید زخم با کره نبوده است ❧

— آیا — باین مدیون اظهار تشکر نموده یا مذمت خواهی داشت .

( الیماز ) تشکرات خود را بچنین مدیون تقدیم داشته و مخالفت نصیحت او نخواهم نمود

❧ قس ❧ پس مرا مهلت داده و مذاکرات ما گوش دهید .

( عمانوئیل ) مذاکره قس با پدرم سرا روح حیوة بخشیده .  
و دانستم که شخصی عاری از تعصب و حق کشیست . ولی .  
اشتیاق مفراطی بطی مراحل بحث داشته . و بزودی وصول بمقصود خواهان بودم

( قس ) — عمانوئیل — بخوان — الیماز شما هم بشنوید

— توره . و کسیکه بگوید زخم با کره نبوده است ❧ —

❧ عمانوئیل ❧ پس خوانده تا باب ۲۲ عدد ۱۳ تا ۲۲ سفر  
تثییه رسید . دیدم میگوید ( هرگاه مردی دختری را  
گرفته و بگوید باکره نبوده . پس پدر و مادر دختر علامت  
دختری و بکارت او را برداشته و نزد بزرگان شهر ببرند و آن  
پاییده خون آلود را در مقابل آنها بگسترانند . آنوقت بزرگان

﴿ تورهٔ - وکسیکه بگماید زنم باکره نبوده است ﴾ ( ۱۳۳ )

شهر آنمرد را تأدیب کرده و یکصد مقداری از نقره او را جریمه نمایند و به پدر دختر بدهند و آنمرد نمیتواند تمامی عمر خود زن مزبور را طلاق بدهد . ولی . اگر چنانچه مطابق ادعای مرد بود و علامت دختری و بکارت نداشت زن را سنگسار کرده تا بمیرد . زیرا که بزناى خود عمل زشت در میان اسرائیلیان نموده است

﴿ قس ﴾ آیا در این شریعت می بینی چیزی که در او بحث نمائید ؟

( الیمازر ) - آقای من - من که شخصی از عوام و بی علم هستم میدانم که این شریعت ظلم انگیز . آئین خداوند نیست . بفرمائید . چیست علامت دختری و بکارت که بایست به بزرگان شهر ارائه دهند ؟ مگر خون کمی بسیار چه نیست ؟ آیا این کار کار مشکلی است ؟ و مادر دختر نمیتواند پارچه بخون گنجشک آلوده و به بزرگان شهر ارائه دهد . و باین وسیله تنگ فامیلی خود را برداشته و استفاده مالی هم بنماید . و دختر را هم طوق بلائی نموده بگردن مرد بیچاره بیفکند - آیا خداوند این علامت بی اصل را میزان احکام و تکالیف قرار میدهد ؟

( ۱۳۴ ) ﴿ توره . و کسیکه بگوید زنم باکره نبوده است ﴾

. آقای من . بر فرض که آن زن هم « علامت دختری » نداشت . بفرمائید . بچه سبب اورا سنگسار نمایند تا بمیرد ؟ و چرا اورا زانیه و زشت کار بدانند - مستحضرید - که علامت دختری و بکارت پرده نازکی است که بچستن سخت و حرکت شدید پاره میشود . و در موضعی که خون حیض بسیار گرم و تنید است بواسطه توالی جریان پرده را پاره مینماید . آیا در این صورت ممکن است اورا زانیه و زشت کار نامیده و سنگسارش نمایند . طاهم بدرجه که آن پچاره با عفت و نزاهت بمیرد . آقای من . چگونه . خداوند این شریعت ظلم انگیز را بر قواعد غیر معقوله چید ؟ و مرتب فرموده است ؟

( قس ) . ای الیمازر . می بینم بر تورتی که بایست اورا تمجید نموده و احترام کنی اعتراض مینمائی

( الیمازر ) لازم است که شریعت حقه را ستایش نموده و ثنا خوان آئین خداوندی باشم . و از این جهت بر آنچه منافی مجد و عدل و حکمت خداوندی است اعتراض خواهم داشت . آقای من . من بنده خداوند هستم . نه بنده مکتوبی که با مجد خداوند منافات دارد

﴿ قس ﴾ ای عمانوئیل . بخوان — بخوان

— ﴿ توره . و طلاق ﴾ —

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا عدد ۱ باب ۲۴ . گفتم . آقای من . توره میگوید چون کسی زنی بگیرد و نکاح خود را بپس آورد اگر بنظر او پسندیده نیاید از اینکه عیبی در او بیابد انگاه طلاق نامه نوشته بدستش بدهد و او را از خانه اش رها کند — بفرمائید — جهت چیست جماعت نصاری طلاق را حرام نموده و زشت می‌شمارند ؟

﴿ قس ﴾ . فرزند . اناجیل میگویند که حضرت مسیح او را حرام و باطل فرموده و اصرار بر زشتی آن نموده است — و در صورتی که مایلید در اطراف این مطلب مذاکره نمائیم خوب است بحث را محول بقرائت اناجیل داشته . و فعلاً قرائت توره را بتدریج خاتمه دهیم

— ﴿ زن برادر . و توره ﴾ —

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا باب ۲۵ عدد ۵ تا ۱۱ خواندم — مختصر — « اگر چندین برادر بودند و یکی از آنها وفات نمود و فرزند نداشت زن او را برادر تزویج نماید و اولین



فرزندى که از آنها متولد شود جانشين آن ميت خواهد بود  
 و اورا فرزند آن ميت ميخوانند . و اگر برادر نپذيرفت . آن زن  
 نزد بزرگان اسرائيلان رفته شکايت نمايد . و در صورتى که آن  
 برادر استنکاف داشت در مقابل رؤساء اسرائيليان کشف از  
 پاى او بيرون آورده و آب دهان بصورتش مياندازد . و در  
 اسرائيليان ، خانه کنند شده کشف ، خوانده شود

( اليعازر ) شکر خداوندى که مرا يهودى و داراي برادران زياد  
 نکرده است . و آلا . صورت من هم در مخاطره اين بود که  
 در آب دهان زنان بى حيا غرق شود

﴿ عموئيل ﴾ . آقاى من . اين چه عادت وحشيانه است  
 که برنده ادب و درنده پرده حيا و شرافت است . با اينکه براى  
 فائده هم مترتب نيست . مگر حکمى زور و دروغ بى حقيقتى  
 است و چگونه ميشود اين فرزند بنام ميت قيام کرده و نام اورا  
 زنده نمايد . اين گونه احياء نام ميت بتزوير و دروغ ديگرى  
 هم حاصل ميشود . پس لازم نيست مرد را در ميان دو بلا  
 بگذارند يا اورا رسوا کرده و بشکل زشتى اهانت دارند . يا ،  
 مجبور بتزويج زنیکه نميخواهد بنمايد . بلکه خوشوقت است

برادرش مرده . خود و خانواده اش از شرّ این زن خلاص شوند . آقای من . این شریعت یهوده از خداوند موسی و توره حقیقی دوراست . راستی آئینی سست و پست و از افکار مردمان بی سر و پا شمرده میشود

﴿ قس ﴾ . ای عماوئیل . باین درجه بتوره مقدّسه زبان درازی مکن

( الیعازر ) . به بخشید . این توره خود شخص را مجبور بزبان درازی نموده و عصبانی مینماید

( قس ) - بزودی گشاید دری بر توحق -

( عماوئیل ) . آقای من . آیا پیش از توره هم اثری از این آئین زشت بود ؟

﴿ قس ﴾ اما رابع به ( ثبت کردن ) و ( کنش گنه من ) بنظرم غیرسد - ولی - در توره است که تزویج مرد زن برادر خود را برای ابقاء نسل برادرش امرانی بوده و عزّ و کرامت او خداوند را بغضب خواهد درآورد . عدد ۸ تا ۱۱ باب ۳۸ سنه پیدایش متذکر است که « غیر » فرزندی یهودا پسر یهوهوب وفات کرد پس یهودا به پسر دومین خود « اونان » گفته برو

وزن برادر خود را تزویج کن و نسل برادر خود را باقی دار .  
چون «اونان» دانست پسر اولین از او شمرده <sup>۴</sup> میشود نطفه  
خود را بزمین میریخت . و این عمل از اونان در نظر خداوند  
زشت بود

﴿ عمانوئیل ﴾ . آیا . این در زمان یعقوب شریعت الهیه  
بوده است

﴿ قس ﴾ . فرزندی که هر چه در توره است سؤال  
از صحت آن نموده و از من تصدیق میخواستی - مگر شمارهایی که  
در سفر پیدایش بالآخره خداوند متعال را کاذب داشته  
و ما را را ناصح و راست گو شمردند از لحاظ نگذاریده  
و در صفحه ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ این نسبت دروغ را توضیح  
نداده اید ؟

( عمانوئیل ) . آیا . قبل از شریعت توره شریعت الهیه  
بوده است ؟

( قس ) . خندیده . و گفت بعضی اصحاب ما و از آن جمله جمعیت  
« کتاب الهدایه » تصریح نموده و در جزء ۴ صفحه ۱۶۷ و ۱۶۸  
و ۱۶۹ گفته اند « که پیشیان از آدم و ابراهیم و یعقوب بر عادات

آزمان رفتار کرده و شریعتی بر آنها نرسیده است - بلکه در این دنیا بر عادات جاریه رفتار مینمودند

( عمانوئیل ) . آیا . صفحه ۲۴۱ تا ۲۴۳ کتاب ( الهدی ) بنظر

مبارک رسیده است

( قس ) . بله . بله . آه . شرمندگی و افسوس از دو جهت

است یا از جهل اصحاب ما بکتاب خود - یا - از شدت تعصب

و عناد آنها . و همین قدر عدد ۵ باب ۲۶ سفر پیدایش در

سرزانش و توبیخشان کافی است . خداوند باسحق خطاب فرمود

. میگوئید . از جهت اینکه ابراهیم کلام مرا گوش داد

و آنچه برای من باید حفظ شود حفظ نمود او امر و فرائض

و شرایع را . و در اصل عبرانی است ( عقب اشرا سمع

ابراهیم بقولی و یسمر مشعروتی . مهعوتی . حقهوتی .

و توروتی )

( عمانوئیل ) چیست که اصحاب ما را در این ورطه بزرگ فرو

برده و ما را دچار محذور نموده است

( قس ) چون بعضی شرایع ( قرآن ) شرایع توریت و شرایع

منسوبه بتلامید و بولس را نسخ نموده است اصحاب ما غرض

رانی داشته و گفته اند نسخ شرایع الهیه ممتنع و محال میباشد . لذا . شرائع قرآنی را در عالم دیانت محال شمرده اند - ای کاش در چنین واهیات اقتحام نمینمودند

( عمانوئیل ) . آیا . کتاب اظهار الحق . و صفحه ۲۳۵ تا ۳۲۱ کتاب الهدی را در مبحث نسخ دیده اید ؟

( قس ) دیده و بر بد بختی اصحاب خود تأسف خورده ام ﴿ عمانوئیل ﴾ اگر نسخ شریعت در عالم دیانت از محالات شمرده میشود . پس - بفرمائید - فعلاً از شریعت توراتی که مسیح و انجیل او را اثبات داشته و بحفظ آن وصیت فرموده است نزد نصاری چه موجود است ؟ و چرا کتاب اعمال رسولان و رسائل منسوب ببولس شرایع توره را بلسان توهین و استهزاء ابطال نموده اند

( قس ) از خود آنها پرسیده از من سؤال مکن ( الیعاذر ) چون این امریست بزرگ و بجئی است سودمند و فائده آن در عالم دیانت بسیار است چرا در اطراف آن بحث نکرده و متعرض نشویم

﴿ قس ﴾ بزودی مختصری از آن را متذکر شده . و ممکن

است در مستقبل باعمال رسولان و رسائل منسوبہ بیولس رسیدہ  
مفصلاً در این موضوع مذاکرہ نمایم

— عمل بتورہ —

﴿ همانوئیل ﴾ خواندم تا بعدد ۴۶ باب ۳۲ سفر تثنیه رسیدہ  
گفتم . آقای من . موسی در این عدد و عدد ۱۲ باب ۳۱  
وغیران . بعمل نمودن تمامی سخنان تورہ تشدید فرمود .  
و بحفظ وصایا و فرائض مکتوبہ در سفر شریعت بسیار تاکید  
نمود کہ . ہر کہ بآنها عمل نماید تمام لعنتها براو خواهد بود ،  
و عدد ۱۵ تا ۲۰ باب ۲۸ ملاحظہ شود . و در عدد ۲۶ باب  
۲۷ « کسیکہ کلمات این تورہ را برای عمل اقامہ نماید ملعون  
است » . آقای من . ما کہ ایمان بتورہ آورده و اورا کتاب  
آسمانی میدانیم — پس چرا عمل باؤ نمینمایم . بانکہ انجیل  
متی عدد ۱۷ تا ۲۰ باب ۵ ہم از لسان مسیح تصریح مینماید  
براینکہ . برای نقض ناموس نیامده بلکہ برای تکمیل او آمده  
است . و ہر کہ یکی از این وصیتها وصیت کوچک را شکستہ  
و مردم را بشکستن اورا تعلیم دادہ در ملکوت سموات  
کوچک خواندہ شود . چنانچہ انجیل ہم تصریح میدارند

که مسیح تا حادثه صایب بشریت توره عمل میفرماید  
- آقای من . آقای من - پس چگونه از این لعنتها خلاصی  
خواهیم یافت

— فداء مسیح از لعنت ناموس —

﴿ قس ﴾ - خندان - گفت . فرزند ای همانوئیل . وای  
غریز من الیمازر . کلمات سرشنیده و گرفته نشوید . الهامات  
مقدس که در عهد جدید ما بشارت بزرگی نجات ما از این  
لعنتها داده است . در عدد ۱۳ باب ۳ رساله منسوبه ببولس  
است که باهل غلاطیه نوشت « مسیح ما را از لعنت توره فدا  
کرد چونکه در راه ما لعنت شد چنانچه مکتوب است « ملعونست  
هر که بردار آویخته شود » ۱۱

( الیمازر ) آیا این کلام در عهد جدید مقدس ما از بولس پنجمبر  
است ۱۹ بنا بر این شخص مجلس غنا و طرب و رقص زنها رفته  
راستی گناهش از شنیدن اینگونه کلمات زشت و این نوع جسارت  
ورزی بحضرت مسیح کمتر است

( قس ) . نه . ای الیمازر . بازی و رقص زنها در مجالس مردان  
از عادات ملحدان و بت پرستان است

( الیمازر ) . آقای من . مگر این کلمات زشتی که در بارهٔ مسیح میگویند از عبادتهای مؤمنان نیک کیش و خیر اندیش است ؟  
- آقای من - من که نمیتوانم آنچه را در کتب مقدسهٔ ما است و میخوانید بشنوم . و اینها مرا گرفته و پریشان نموده است  
( قس ) ای الیمازر کسیکه دچار مرض فتنه است باید در تحت عملیات دکترها صبر و تحمل نماید

( الیمازر ) شخص مریض را بوسیله کرده یهوشی خوابانیده و صدمات عملیات را احساس نمینماید

( قس ) . نه . نه . ممکن نیست عملیات روحیه را در خواب و پیشه‌واری بنمایند . چگونه ممکن است یا آنکه شعور بزرگترین اسباب و مهم‌ترین و نجاح آور آلات این عملیات بوده و دکتر را اعانه میدارد - ای الیمازر صبر کرده و بشنو و بنور شعور استضاء کن . و نجات خود را خواهان باش

( همانوئیل ) ای پدر بزرگوار . این کلام نه تنها ( بعد از حق ) مسیح جسارت ورزیده . بلکه پیشرمانه بقدرت و عدل خداوندی تجرّی داشته . و بکذب و تحریف و تدلیس هم تشبیه شده است



( الیعازر ) - فرزند ، بیان نمائید چگونه دروغ گفته و تحریف

و تدلیس نموده است

( همانوئیل ) - مراد این نویسنده از « مکتوب » آنچه در عدد

۲۳ و ۲۴ باب ۲۱ سفر تثئیه توره « اگر بر انسان گناه هست

که شریعت و حکم او قتل میباشد پس کشته شده و بردار آویخته

شود . شب بردار نماند بلکه حتما او را بروز دفن نمائید زیرا که

بردار آویخته شده ملعون خدا است تا زمین را نجس نسازی .

— ای پدر بزرگوار — این حکم توره درباره کناه کاری

است که بسبب خیانت و معصیت بردار رفته و از این جهت ملعون

خداوند گردیده است و زمین هم بقاء او نجس میشود - و در

توره نوشته است « هر که بردار آویخته شود ملعون خداوند

است ، - پدر - اگر مظلوم میباشد چگونه ملعون میگردد

- آقای من - مراجعه نمائید چه قدر تحریف و تدلیس نموده

و باین دروغ جسارت و زبده

— اعتراض شخص مسلمانی —

در این بین مسلمانی بنزدیکی ما بوده و درخواست نمود . آیا

ممکن است من هم یک سؤال بپایم ؟

( الیماز ) بپرس

( مسلمان ) کتاب وحی شما « عهد جدید » مسیح را لعنت  
و ملعون قرار داده . و من طالب مغفرت میمانم گناه این جمله  
بر خود شما — ولی — سؤال بالا تر از این است . روحانیان  
شما نوشته و عموم دیانت شما بلکه جمله از کلیات عهد جدید بر این  
است که « مسیح خداوند متجسد . و او همان خداوند است  
و لباس ناسوت را پوشیده است » پس بنا بر این بفرمائید .  
لعنت و ملعون در نتیجه کیست ؟ نتیجه به چه کفر بر میگردد  
؟ — خداوند صراحتش . زیرا من از این اظهار تنبیه بندگان  
تو را از غفلت گمراهی خواستم

﴿ عمانوئیل ﴾ ای رفیق . راستی در این سؤال خود بما  
احسان فرمودید . و ما هم در میدان بحث بوده و خواستار سبق  
و نجات میباشیم . نه اینکه در حفره تولید و تمصب حق  
گتیی میمانیم

( مسلمان ) در صورتیکه شما در میدان بحث برستی قدم برداشته  
و بایک قصد خالصی جولان میدارید خداوند هم توفیق مرحمت  
خواهد فرمود . مرحمت زیاد . شمارا بخدا سپردم . و اگر

از ابن سؤال من ملول شده اید به بخشید  
( الیعازر ) . ای عما نوئل . آیا در عهد جدید ما دیگر هم مانند  
این جمله زشت خشم آور و مثل آنچه در ابواب سابقه توره  
گذشت دپده اید ؟ - یافت میشود ؟ . یا . نه ؟

( عما نوئل ) از حضرت قس بپرسید

( قس ) آرزو مندم که نداشته باشد - ولی -  
نه هر چه شخص طلب کرد بهره ور گردد ، ماکل مائتنی المرء  
بدر که - بزودی در عهد جدید انشاء الله خواهم خواند

و آنچه در او است خواهید دید

و ( سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعَزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى  
الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ )



( نجف اشرف مطبعه ﴿ حمیدریه ﴾ ۲۳ ماه )

( مبارک رمضان سنه ۱۳۴۶ )



غلط نامہ قسمت اول مدرسہ سیار ( ۱۴۷ )

صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۰۲	۰۹	رہ از	رہ ار
۰۰	۱۰	ایست	است
۰۰	۱۶	ورد	ورود
۰۳	۰۳	بہر	بہرہ
۰۵	۰۳	حقیقی	حقیقی
۰۷	۱۲	اروا	اورا
۱۰	۱۱	مراجعت	مراجعت
۰۰	۱۴	خداست	خداست
۱۴	۱۷	مینابد	مینابد
۱۵	۰۶	ماندہ	ماند
۱۶	۰۸	میباشد	میشود
۱۸	۱۶	سوق	سوق
۱۹	۰۷	ابن	این
۲۲	۰۳	وقفط	فقط
۰۰	۰۵	وسردی	از سردی
۲۴	۰۱	امور کاری	آموزگاری

صَفحه	سَطَر	غَطَط	صَحیح
۰۰	۱۷	سوادان	سودان
۲۶	۰۳	۰۲۰	۰۰۰
۰۰	۰۷	۴ فارسی	فارسی
۲۶	۱۰	برع	برغ
۰۰	۱۴	۱۸۷	۱۸۷۰
۰۰	۰۰	خاتمه	دربیروت خاتمه
۲۷	۰۶	الی الی	الی
۳۱	۱۱	ولی	و
۳۲	۰۷	نداده است	فرمانی نداده است
۳۴	۰۹	بختضر	بختضر
۳۶	۰۲	زمای	زیادی
۰۰	۰۳	بوسیبیا	برسیبیا
۳۷	۰۴	نویسنده ا	نویسنده
۰۰	۰۸	اگرم	اگرم
۳۸	۱۶	۲۳۷ باب ۴۶	۲۴ باب ۲۶
۳۹	۰۷	استر ائیلیان	ایسرائیلیان

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴۲	۱۷	وحی	بوحی
۴۳	۰۱	آلهیه	آلهی
۴۸	۱۰	مبشرین	مبشر بنی
۵۱	۰۱	صدق	صدق
۵۲	۰۸	ضلالاتی	ضلالا تیتست
۰۰	۰۹	پیچیده	پیچیده است
۰۰	۹۰	عهدین	عهدین را
۵۴	۱۲	آن	این
۵۶	۰۹	آن است	این است
۰۰	۱۰	انکه	اینکه
۶۲	۰۲	ابن زمین	این زمین
۶۵	۰۳	نجام راده	نجام داده
۶۹	۰۹	ازموده	آموخته
۷۰	۱۷	مداوات	مداوا
۷۲	۰۴	گفتهای	گفته های
۰۰	۰۸	آن	در اطراف آن

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۷۴	۱۳	وقت	وقتی را که
۷۵	+ ۹	عدد ۴	عدد ۴ میباشد
+ ۰	۱۴	مصر	مصر را
+ +	۱۵	نامختونیکه	نامختونیت که
۷۶	+ ۴	پوزش	پوزش را
۷۷	+ ۳	از اسحق	از او
۸۲	+ ۹	دهیم	میدهم
۸۳	+ ۵	میلرزد	میلرزید
۸۸	+ ۳	معقول	معقول است
+ +	۱۰	صربور	صربور
۹۰	+ ۴	متفقند در روایت	در روایت متفقند
۹۷	+ ۴	خورا	خود را
۹۸	+ ۵	میخورید	میخورید
+ +	۱۴	اظهارات است	اظهارات
۹۹	۱۴	گذشته	گذاشته
۱۰۳	+ ۷	شدت	از شدت

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۰۴	۰۳	و بین	بین و
۱۰۵	۰۴	شهر	در شهر
۱۰۷	۱۴	ولیم است	ولیم است
۱۰۸	۰۶	این مواد	این موارد
۱۰۹	۰۶	کوفرار	گوفرار
۱۰۹	۱۱	دبگری	دبگری
۱۱۱	۱۶	بگانه	یگانه
۱۱۲	۰۸	کامل	کامل را
۰۰۰	۱۳	به پیروی	پیروی
۱۲۳	۰۴	از این	از این طرف
۰۰۰	۱۷	رadd	در
۱۲۶	۱۶	خداوند را	خداوند
۱۲۸	۱۷	مستور	مستور است
۱۳۰	۰۷	داری	۰۰۰
۱۳۱	۱۴	هسلید	هستی
۱۳۲	۱۰	مقصود	مقصود را



صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۱۳۷	۰۷	خود	خودش
۱۴۱	۱۶	اورا	او
۱۴۳	۱۲	اعانہ	اعانت
۱۴۴	۰۳	انچہ	جملہ امت کہ
۰۰۰	۰۴	تورہ	تورہ است

صفحہ ( فہرست قسمت اول مدرسہ سیار )

- ۰ ۲ عمانوئیل و قس
- ۰ ۳ نصاری روحانیان خود را پدر مینامند
- ۰ ۵ عمانوئیل و پیدایش
- ۰ ۶ تورہ و پیدایش و استراحت
- ۰ ۷ جمعیت کتاب الہدایہ و تورہ و روز ہفتم
- ۰ ۸ تورہ و عدن و دجلہ و فرات
- ۰ ۹ نہی آدم از درخت . کذب . مار و صدق
- ۱۱ قدس خداوند متعال . دروغ و خداع
- ۱۲ اعتذارات بی وجہ
- ۱۴ قرآن کریم و قصہ آدم

صفحه	
۱۵	خداوند جسم نیست . چیزی براو پنهان نمیشود
۱۷	خداوند قادر یکتا
۱۸	قس . والیعارر باعمانوئیل
۲۰	قرآن کریم : آدم و سرندیب
۲۱	عمانوئیل و کتب
۲۲	قس والیعارر
۲۵	پسراں آدم . توره . خلل تراجم تحریف
۲۶	نسخ عهدین مطبوع که نزد مصنف موجود اند
۲۷	عمانوئیل و تراجم
۲۸	جمعیت کتاب الهدایه : و صدق . وامانت
۲۹	بابی واختلاف لغات
۳۰	آتش نمرود و ابراهیم یغمسیر
۳۱	وقایع مهمه و احوال توره
۳۳	بیانات توره
۳۴	اثر تاریخی و تذکار روشن
۳۶	اضطراب نسخ توره و انجیل در نسب
۳۷	خیر مقدم از عالم نجفی
۳۸	سامری در عربی شمر و بی در عبرانی است
۴۱	توره و مهرون . و کوساله
۴۴	سایمان و عهد قدیم — و شرک

صفحه	
۴۶	حسن و سوء انتخاب
۴۷	قرآن و هرون
۴۸	کتاب نمره الائمى
۵۳	افسانه غرائبى
۵۷	دروغهای جماعت زیادى از مبشرين
۵۹	خطاب خداوند براهيم و اختلاف عهدین
۶۱	شک ابراهيم در توره و کلام پریشان
۶۳	ایمان ابراهيم . قرآن کریم . احیاء موتی
۶۴	خداوند . ترسانه . توره
۶۵	ابراهيم . ولوط . و خداوند . وملائکه . و توره
۶۹	کرامت قرآن و پیغمبر ص
۷۱	لوط و دخترانش و توره
۷۲	ختنه . و توره . و عهد جدید
۷۴	عبد المسيح و ختنه
۷۶	یگانه فرزند ابراهيم
۷۷	خطب توره در اسماء
۷۸	توره . واسحق . و برکت یعقوب
۸۳	کیست با یعقوب کشتی گرفت
۸۴	یعقوب و توره و جلال خداوند
۸۵	توره و خانوادهٔ پیغمبران

۸۶	عهد قدیم و خانوادهٔ پیغمبران
۸۹	داود . و قرآن کریم
۹۰	داود و مسلمانان . و ختام سفر پیدایش
۹۱	شروع بسفر دومین توره
۹۰	بدء پیغمبری موسی . و توره « سفر - خروج »
۹۲	خداوند کذب آموز نیست
۹۴	خداوند خلف وعده نمیفرماید
۹۵	توره . و موسی . و رسالت
۹۶	جلال خداوند و عهد قدیم
۹۷	توره . و قدس موسی
۹۹	توره . و جلال خداوند
۱۰۰	اختلاف تراجم و تحریف بعض آنها
۱۰۰	جسم مرئی خدا نمیباشد
۱۰۱	قرآن میزان حقیقت است
۱۰۰	اغلاط توره عبری
۱۰۴	قرآن مجید بین پیغمبر او
۱۰۶	عهد جدید و حماقت موعظه
۱۰۰	جلال خداوند . قدس انبیاء و توره
۱۰۷	ولیم اسمت نصرانی و انبیاء
۱۰۹	جبرئت زشت و سوء ادب

۱۱۰	کرامت پیغمبر اسلام
۱۱۳	توریه و قتل زنان و کودکان
۱۱۵	منازل اسرائیلیان و توریه
۱۱۸	پیغمبر موعود . و توریه
۱۱۹	مسیح و اناجیل
۱۲۰	قدس مسیح و انجیل . و تعدد آلهه
۱۲۱	اناجیل . قدس مسیح . تعدد ارباب . تحریف
۱۲۲	پیغمبر موعود و توریه
۱۲۳	شتر سوار و غرض رانی مترجمین . و تحریف
۱۲۶	پیغمبر اسلام ص
۱۲۷	اخبار غیبی در قرآن کریم
۱۲۸	پیغمبر اسلام ص
۱۲۹	قرآن و مسیح و تثلیث
۱۳۱	ایماز و قس . و ایمان کورانه
۱۳۲	توریه و کسیکه بگوید زخم با کوره نبوده است
۱۳۵	توریه . و طلاق — توریه وزن برادر
۱۳۸	وجود شریعت قبل از توریه . و انکار آنرا
۱۴۰	نسخ شریعت . و رفتار نصاری
۱۴۱	عمل بتوریه . و حال نصاری
۱۴۲	فداء مسیح ارلغت ناموس ۱۴۴ اعتراض شخص مسلمان



۲۲۰۰  
۱۰

DUE DATE

۲۹۰۵۲۹

۵۳۹۹

٢٩٤٦٧٧  
ع.م.م  
ج ١٥ ٥٣٧٩

٢٩٤٦٧٧  
ع.م.م  
ج ١٥ ٥٣٧٩

مدرسة سييار ترجمه الرحلة المديونية والمدة

٢٩٤٦٧٧